مجلهٔ حقیقت

۳۷

سال هفتم
شماره اول

ربیع‌الاول
ربیع‌الثانی
۱۴۴۱هـ ق

جدی
دلو
۱۳۹۸ هـ ش

دسمبر
۲۰۱۹م
جنوری
۲۰۲۰م



مجلهٔ

حقیقت

سال هفتم، شماره اول

ربیع الاول و ربیع الثانی ۱۴۴۱ هـ ق

جدی و دلو ۱۳۹۸ هـ ش

دسمبر ۲۰۱۹م و جنوری ۲۰۲۰م

فهرست مطالب



صاحب امتیاز:

کمیسیون امور فرهنگی

امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول: احمد تنویر

دیزاین: صابر بلوچ

هیئت تحریریه:

منصور تالقانی — موفق افغان

سعید بدخشانی — سید سعید

حبیبی سمنگانی — سمیع الله زرمتی

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

کانال تلگرام مجله حقیقت:

 T.me/haqiqat_mag

سرمقاله



تنها راه معقول برای امریکا در حل معضلهٔ افغانستان



حل معضلهٔ افغانستان این روزها کانون توجه مباحث سیاسی کشورهای مهم دنیا قرار گرفته است، غرب و شرق دست به دست هم داده تا این مسئله از طریق راه حل سیاسی و گفتگو حل شود و حالا همه در یک مورد متفق‌اند که (معضلهٔ افغانستان) هرگز راه حل نظامی نداشته، چیزیکه بیش از ۱۸ سال می‌شود امریکا و هم‌پیمانان آن همواره تلاش داشته و کوشیده‌اند تا به بهانهٔ رفاه، آرامش، عمران و آبادی، قتل و کشتار، جرم و جنایت، فساد و فاجعه را در کشور مظلوم افغانستان توسعه داده و با حذف فیزیکی مردم غیور و مدافعان سرسخت آن، افغان‌ها را از عزت و سربلندی دایمی دور نگاه دارند.

آیا لشکرکشی نظامی، استفاده و توسل به توپ و تفنگ، بمباران، وحشت و یورش‌های پیهم شبانه که در طول این ۱۸ سال تنها کار امریکا و متحدین جنگی‌اش در افغانستان بود موجب صلح و آرامش در این کشور جنگ‌زده و رنج‌کشیده شد یا رنج و درد را به اوج خود رساند؟

امریکا با توسل به زور و وحشت، به جای انتخاب راه درست و معقول در مدت اشغال کشور جز رسوایی و شکست، ذلت و فساد، توسعهٔ فقر، بیچاره‌گی، تباهی و بربادی بر افغانستان، و جز ندامت و پشیمانی برای خود به کدام نتیجهٔ مطلوب رسید؟

اگر امریکا از تاریخ متجاوزان گذشته به سرزمین افغانستان درس نگرفت و با غرور و دبدبه به هدف سرکوبی جوهر حریت و آزادی ملت غیور افغان و سلب عزت و استقلال آنان، بر خلاف تمام اصول و قواعد پذیرفته شدهٔ جهانی در عصر حاضر به کشور مظلوم افغانستان تجاوز کرد؛ اکنون بیش از ۱۸ سال باید درس گرفته باشد که زور جوابی جز زور ندارد، و ملت غیور افغان هرگز تسلیم خودکامه‌گی‌های ظالمانه و مغرور یک قدرت جهانی و لو آنکه هر اندازه ابرقدرت دنیا و قوی باشد نمی‌شود، و (ملت افغان) هرچه بیشتر قربانی دهد، محکم‌تر و استوارتر شده، و هر چه بیشتر درد و رنج ببیند قوی‌تر گشته و هر چه بیشتر مورد ظلم قرار گیرد عُقده‌مندانه‌تر موضع گرفته و هرگاهی به فکر و ایدیولوژی و باورهایش خصمانه یورش برده شود جانانه‌تر به دفاع می‌خیزد؛ (امریکا) باید به قربانی و ایستادگی، شهامت و جسارت آن ملت عظیم احترام گذاشته و به خواسته‌های آن ملت شجاع و دلیر تن داده و با زبان خوش دست تعدی خود را از سرزمین‌شان کوتاه کند.

شرایط فعلی بیش از هر زمان دگر انتخاب راه معقول را بر همگان مبرهن ساخته و آن اینکه تنها راه حل معضلهٔ افغانستان دیالوگ سیاسی و گفتگو است، چیزیکه «امارت اسلامی» از اوایل سالهای تجاوز همیشه بر آن تاکید کرده است که افغانستان تسلیم زورگویی هیچ کشوری نشده ولی اگر دنیا بخواهد از راه منطق و استدلال به جنجال موجوده پایان بخشد «امارت اسلامی» به نمایندگی از ملت غیور خود این پتانسیل و ظرفیت را دارد که با هر طرفی وارد گفتگو و مذاکره شده و با درک اوضاع، رنج و مشکلات کشور و مردم خود را شریک ساخته و برای درمان آن با استفاده از هر راه مشروع و صحیح اقدام بکند.

افشای اسناد محرمانه به ارتباط دروغگویی روسای جمهور امریکا (بوش، اوباما و ترامپ) توسط روزنامهٔ پر مخاطب «واشنگتن پوست» و جریان تحریف حقایق جنگ افغانستان و کتمان جزئیات درست آن از چشم ملت امریکا، نشان داد که امریکا در منجلاب جنگ تا چه حد گیر مانده و با چه نارسایی‌ها و چالش ها مواجه گشته است؛ و چگونه بر راه نامشروع جنگ بر بُن‌بست گزینهٔ نظامی تاکید می‌ورزد، ولی هرگاهی که موضوع جنگ را از راه تعقل (دیالوگ سیاسی) پی گیری کند باز تا چه حد زمینهٔ ختم اشغال برای امریکایی‌ها کم هزینه‌تر، کوتاه‌تر و معقول‌تر تمام خواهد شد، و این همان گزینهٔ مطلوب و معقول برای حل معضلهٔ افغانستان است که هر نوع کوتاهی در اجرای آن متوجه سیاست و تصمیم خود امریکاست چون امارت اسلامی برای حل مشکل کشور خود و کاهش رنج هموطنان خویش از هیچ تلاش مشروع دریغ نمی‌کند.

شخصیت‌ها و حرکت‌های اسلامی

ضرورت مبرم هر زمان
در مبارزه با دشمنان اسلام است

منصور تالقانی

به کدام منوال که ادیان آسمانی و پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت با دشمنان رنگارنگ اسلام روبرو گردیده‌اند و انسانهای کافر و طغیانگر با افکار و عقاید مختلف باطل و طاغوتی برای جلوگیری از نفوذ و حاکمیت شریعت آسمانی و حفظ و بقای نظام باطل خود دست به نیرنگ و تزویر، قتل و ویرانگری زده اند، دین مقدس اسلام هم از آغاز ظهور خود تاکنون که تقریباً چهارده ونیم قرن از عمر آن سپری میگردد، در برابر دشمنان مختلف و دسایس گوناگون روبرو گردیده است. در ۲۳ سال بعثت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با دشمنان اسلام شامل دسته‌های مشرکین بت پرست، یهودیت، منافقین و مسیحیان بود که هر کدام در برابر اسلام و مسلمین جنگیدند و دست به ایجاد فتنه و دسیسه زدند اما پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم)همه دسایس آنها را خنثی نمود و مغلوب شان گردانید.

بعد از رحلت حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سپری شدن دورۀ خلفای راشدین با وجودیکه نفوذ اسلام گسترش یافت و تمدن بزرگی را مسلمان ها در ساحات مختلف زندگی بوجود آوردند، کار دشمنی و ایجاد دسیسه علیه اسلام و مسلمین توسط دشمنان اسلام نیز بالا گرفت از یکطرف دسته ها و فرقه های مختلف در بین خود مسلمانها بوجود آمد که این امر سبب نفاق مسلمین و کشمکش میان شان گردید و از طرف دیگر دشمنان اسلام خاصتاً یهودی ها و مسیحیان با قلب پر از عقده و قبی پر از حسد و کینه از اختلاف و پراگندگی مسلمان ها استفاده نموده با تمام نیرو و قدرت علیه مسلمین در سال ۱۰۹۵ میلادی وارد جنگی شدند که بنام جنگهای صلیبی یاد می شوند و بیش از دوصد سال ادامه یافت.

هنوز مسلمان ها از اثرات وحشت و ویرانی جنگ های صلیبی نفس راحت نکشیده بودند که فاجعۀ چنگیز در شرق خلافت اسلامی بمیان آمد و مسلمین را در مناطق آسیای میانه و افغانستان که تا دریای سند شامل می‌شد به خاک و خون کشانید. اما در میان امت اسلامی و ملت های مسلمان چه در مقابله با بروز و ظهور فرقه های افراطی و تفریطی در جوامع مسلمین و چه در مقابله با دسایس دشمنان اسلام که برای نابودی اسلام و مسلمین به انواع مکر و نیرنگ با اسم و رسم مختلف عمل کردند، مجتهدین، امامان، شخصیت های مصلح جهادی وعلمای مجاهد وآگاه بمیان آمدندکه اصول و قوانین درست و صحیح

زندگی مسلمین را دور از افراط و تفریط در پرتوی قرآن و سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و مطابق آن روشن وواضح ساخته دشمنان اسلام را با تمام مکرها و نیرنگ های شان به مسلمین معرفی نمودند و جهاد و مقاومت را در برابر دسایس و حملات دشمن زنده نگهداشتند، قیام ونهضت اسلامی را برای زنده نگهداشتن اسلام و مسلمین براه انداختند و حرکت ها و جنبش های اسلامی را در مقابل تجاوزات و سیطره جوئی صلیبی ها و یهودی ها رهبری نمودند، چنین جریانی در تاریخ اسلام از آغاز ظهور اسلام تا کنون ادامه داشته است. اگر زمانی مسلمین در زیر نفوذ وحاکمیت کفار بسر می بردند و خاموشی و سکوت اختیار می کردند، زمانی دیگری شخصیت عالم، مصلح و مجاهدی از میان امت اسلامی ظهور می نمود و با فریاد جهاد این سکوت را می شکست.

بعد از ختم جنگ های صلیبی از قرن سیزده الی شانزده وهفده میلادی در سر زمین اروپا علماء مسیحی به شیوه وحشتناک وخرافاتی بنام دین ومذهب بر مردم حکومت کردند. انجیل کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام را کاملاً تحریف کردند وقوانین جاهلانه وظالمانه ای را بنام قوانین دین مسیح بر مردم تحمیل کردند، باادامه ای این وضع کشمکش ونزاع بین علماء ودانشمندان اروپاکه با استفاده از تمدن اسلامی به اختراعات و اکتشافات جدیدی دست می یافتند وپاپ های مسیحی وکلیساها در عقده ونفرت شدیدی علیه دین آسمانی در اروپا به ویژه بین علماء ودانشمندان آن ایجاد گردیده ودر نتیجه این وضع در اوایل قرن هفدهم میلادی دو دشمن خطرناک علیه دین آسمانی وعقیدهٔ خدا پرستی بوجود آمد.

یکی مسلک دهریت یاکمونیستی که اولین بار مارکس و انگلس قوانین را برای آن تنظیم نموده و بشکل یک مکتب فکری وآئین نظام زندگی بشر که کاملاً بر اساس طرز تفکر ضد دینی و ضد خدائی گذاشته شده بود درآوردند.

دومی مسلک لائیک یا بی‌دینی که آن هم نظام زندگی را که بر اساس مادی گری طرح نموده و جدایی دین از سیاست و حکومت را بطور یک طرز تفکر و آئین و مسلک خاص نظام زندگی بوجود آورد و نظام سیاسی و اجتماعی و کنونی در جوامع غربی همین مسلک لائیک و بی دینی است. این هردو طرز تفکر وآئین سیاسی و اجتماعی محصول عقده و تنفر شدید از حاکمیت پاپ ها و کلیساهای مسیحی و نظام و مقررات آنها بود که بنام دین اسلامی و قانون الهی بر مردم عملی میگردید. اما طراحان این دو طرز تفکر ضد دینی به عوض درک ماهیت دین خاصتاً دین مقدس اسلام و قوانین اسلامی، فرمان عمومی ابطال دین آسمانی را بصورت عمومی با اتخاذ مواضع خصمانه و مقابل علیه دین و فکر خداپرستی جاهلانه و گمراهانه صادر کردند و خرافات و مظالم پاپ‌های مسیحی را از واقعیت های دینی و شریعت آسمانی فرق نکردند و بدون آنکه از دین اسلام آگاهی داشته باشند آنرا نیز به خرافات ساختگی پاپ‌ها یکسان پنداشتند و با این فکر جاهلانه و گمراهانه مارکس بنیانگذار دهریت و کمونیزم، ادیان آسمانی را افیسون ملت ها خواند و از موجودیت خدا و همه موجودات معنوی کاملاً انکار ورزید و مبارزه را علیه دین و فکر خدا پرستی لازمی و در عین حال علمی خواند.

در قدم اول مسلک لائیک یابی دینی در دنیای غرب با از بین بردن تسلط و حاکمیت پاپ ها و کلیسا بعد از قرن شانزدهم میلادی در کشورهای اروپائی حاکم گردیدند و با استفاده از تمدن اسلامی در ساحه تکنالوجی و تخنیک جدید دست به اختراعات و اکتشافات زدند که در نتیجه ماشینی بوجود آمد و برای تولیدات صنعتی به مواد خام ضرورت واقع شد، این جا بود که کشور های اروپائی چون هسپانیا، پرتگال، فرانسه و انگلستان به ممالک اسلامی هجوم آوردند و هر کدام پاره‌یی از سرزمین های اسلامی را متصرف شدند.

کار آنها علاوه بر اشغال سرزمین های اسلامی و چپاول منابع معدنی و مواد خام مسلمین و استثمار نیروی بشری مسلمانها، ایجاد ذهنیت ضد دینی و تربیه افراد و تشکیل حلقه ها و دسته های مطابق این ذهنیت برای بوجود آوردن حکومت بی دینی در ممالک اسلامی بود. حتی برای عملی ساختن دسایس خود فرقه های مذهبی را در میان خود مسلمانها ایجاد کردند، چنانچه استعمار انگلیس فرقه

قادیانی و احمدیه را در پاکستان و فرقه بهائی را در ایران بوجود آوردند که این فرقه ها غیر اسلامی می باشند. و کفار استعمار گر با چنین دسیسه خلافت اسلامی را در ترکیه توسط مزدوران تربیه یافته خود که در رأس شان مصطفی کمال و اتاترک قرار داشت از بین بردند و نظام بی دینی را بار اول در ترکیه جانشین خلافت اسلامی کردند.

وهمچنان افراد کثیری دیگر در کشور های اسلامی به ویژه در افغانستان نیز از جمله دست پروردگان استعمار غرب بودند که میخواستند نظام بی دینی را در کشور های شان حاکم بسازند همچنان در قدم دوم در حالتی که استعمار غرب بسا سرزمین های اسلامی را در اشغال خود در آورده بود و برای ایجاد حکومت های بی دینی. ضد اسلامی در ممالک اسلامی تلاش میکرد، دشمن دیگر اسلام و ادیان آسمانی یعنی مسلک دهریت وکمونیستی که گفتیم در قرن هفدهم میلادی توسط مارکس و انگلس به شکل یک مکتب فکری شده بود، برای اولین بار در روسیه صاحب دولت و حکومت گردید و پیروان دهریت و کمونیزم در سال ۱۹۱۷ میلادی به سردستگی لینین در روسیه تشکیل دولت دادند و به این ترتیب خطرناک ترین دشمن ادیان آسمانی خاصتاً دین اسلام در سر زمین وسیع و پهناور از دنیا به حاکمیت رسید و با تمام نیرو و به کار بردن انواع مکر و تزویر علیه اسلام و مسلمین وارد عمل شد.

بیشتر روش کار وطرز العمل هردو دشمن به ویژه کمونیزم علیه اسلام ومسلمانها در پرده های از مکر وتزویر قرار داشت که عامه مردم در کشور های اسلامی به آسانی نمی توانستند از آن آگاه شوند اما همان ترتیب که در طول تاریخ اسلام در جوامع مسلمین شخصیت های مصلح ، عالم ومجاهد که برعلیه همه دسایس دشمن، نهضت وجنبش اسلامی را بوجود آوردند ورهبری کردند، ظهور نموده اند، در قرن نزده و بیستم میلادی که عصر پیشروی وتسلط کافران صلیبی وکفر کمونیزم برجهان اسلام بود، نیز جهان اسلام از تبارز وظهور شخصیت های بزرگی اسلامی، عالم وآگاه محروم نگردید، وسکوت مرگبار مسلمین در زیر حاکمیت کفر بصورت دایم ادامه نیافت ونخستین بار فریاد شخصیت مصلح ومجاهد اسلام سید جمال الدین افغانی این سکوت را شکستاند، مسلمین را به تامین وحدت باهمی، ایجاد حکومت اسلامی، طرد وراندن کفر وحکومت های استبدادی ودست نشانده دعوت کرد ویاسفرهای متعدد خود در کشور های مختلف اسلامی دنیا جنبش اسلامی ضد استعماری را بمیان آورد.

خلاصه کلام در قرن کنون وفعلی شدت دشمنی کفرجهان ودسایس دشمنان اسلام به خصوص اشغالگران متجاوز غربی در برابر شخصیت های اسلامی به ویژه شخصیت های امارت اسلامی وسایر علمای ومجاهد گیتی بی نهایت است این حساسیت ودشمنی کفر در برابر آنها بدان سبب است که آنها دشمن را باتمام دسایس ومکرهایش شناختند وچهره ونیاتشان را در بین مسلمانها افشاکردند، جنبش ها وحرکتهای اسلامی را در مبارزه باآنها براه انداختند و رهبری کردند، روح جهاد را بار دیگر در پیکر خوابیده وساکت مسلمین زنده ساختند وفکر احیای حاکمیت اسلام وطرز نفوذ وحاکمیت کفر را در تمام جوامع مسلمین بوجود آوردند واگر چنین افراد مصلح ومجاهد در کشور های مسلمین به ویژه در افغانستان بعد از هجوم دنیای کفر، بوجود نمی آمد، دشمنان مکار با انواع مکر ونیرنگ که برای عامه مسلمین قابل فهم ودرک نبود، تسلط وحاکمیت طاغوتی خود را برمسلمین، قرن ها ادامه میدادند.



وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا



حکم جاسوسی مسلمان برای کفار!

نویسنده: ابوعمار حقانی
ترجمه: سعید مبارز

برای تشریح عنوان مقاله و ادای حق مطلب، لازم است باید در سه موضوع ذیل وضاحت داده شود: تعریف تجسس ، دلایل حرمت تجسس ، اقسام تجسس و حکم آنها.

۱ـ تعریف تجسس :

تجسس از جسّ گرفته شده در لغت بمعنای لمس کردن ودست سودن و در تجسس معنای طلب است زیرا هر که در مورد چیزی اگر بخواهد معلومات حاصل کند آن را بدست می گیرد و لمس می کند .

و تحسس از حسّ گرفته شده عبارت است از اثر جس و آنچه بوسیله یکی از حواس خمسه حاصل شود.

اینکه در بین تجسس و تحسس فرق وجود دارد یا خیر ؟ پنج نظریه و قول است :

ـ نظریه اول: تجسس بالجیم جستجو و بررسی از امور ظاهری و تحسس بالحاء جستجو و بررسی از امور باطنی می باشد و عدهء هم فرق آنها را بر عکس این گفته اند.

ـ نظریه دوم: تجسس عبارت از جستجو و بررسی اخبار برای غیر و تحسس عبارت از جستجو و بررسی اخبار برای خود می باشد

ـ نظریه سوم: تجسس جستجو و بررسی کارهای شر و ناپسندیده و تحسس جستجو و بررسی امور خیر می باشد

ـ نظریه چهارم: تجسس جستجو و کنجکاوی از اسرار یک‌قوم و تحسس گوش نمودن سخنان یک قوم می باشد.

ـ نظریه پنجم : هر دو متحد بوده و عبارت از جستجو و کنجکاوی اخبار می باشد.

۲ـ دلایل حرمت تجسس :

ـ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضاً أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ » الحجرات : ۱۲

ترجمه : (اي كساني كه ايمان آورده‌ايد ! از بسياري از گمانها بپرهيزيد ، كه برخي از گمانها گناه است ، و جاسوسي و پرده‌دري نكنيد ، و يكي از ديگري غيبت ننمايد ؛ آيا هيچ يك از شما دوست دارد كه گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟ به يقين همه شما از مرده‌خواري بدتان مي‌آيد (و از آن بيزاريد ، غيبت نيز چنين است و از

آن بپرهیزید و) از خدا پروا کنید ، بي گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.)

امام حسن یکی از قراء مشهور چنین خوانده است: « و لا تحسسوا» بالحاء. علامه الوسی صاحب تفسیر روح المعانی گفته است : جمهور بر این نظر هستند که مراد آیه در هردو قرائت مطلق نهی از جستجوی اسرار و معایب است و آن را از جمله گناهان کبیره شمردند.

ـ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : « إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ، وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا « . البخاری: ٥٦٣٣

ترجمه : (از پیغمبر ﷺ روایت شده است که فرمودند : از سوءظن نسبت به دیگران پرهیز کنید، دروغ‌ترین سخن سوءظن به دیگران است، استراق سمع نکنید و مخفیانه به سخنان مردم (به منظور جاسوسی) گوش فرا ندهید، از جاسوسی و کشف اسرار مردم دوری کنید.)

۳ـ اقسام و احکام تجسس :

مراد از تجسس که در آیات قرآنی و احادیث نبوی ذکر شده است، جستجو و تتبع از عورات ، اسرار و معایب مسلمانها می باشد اما مطلق تجسس از اسرار یک شخص بر ۸ وجه متصور می باشد :

ـ تجسس مسلمان از مسلمان برای نفس خود
ـ تجسس مسلمان از اسرار مسلمان برای شخص دیگر
ـ تجسس مسلمان از مسلمان برای کافر
ـ تجسس تجسس مسلمان از کافر برای مسلمان
ـ تجسس کافر از کافر برای نفس خود
ـ تجسس کافر از کافر برای کافر دیگر
ـ تجسس کافر از کافر برای مسلمان
ـ تجسس کافر از مسلمان برای کافر

اگر اقسام چهارگانهء کافر را ملاحظه نماییم، اقسام تجسس به ۴۴ قسم می رسد اما بخاطر اینکه دامنهء مقاله گنجایش تفصیل و بیان احکام تمام انواع تجسس را ندارد فقط به ذکر یک‌نوع آن که «تجسس مسلمان از مسلمانها برای کفار» می باشد، اکتفا نموده و دلایل و نظریات فقهای مذاهب را در این رابطه با خوانندگان گرامی شریک می سازم :

حکم جاسوس مسلمان از مسلمانها برای کفار از سه صورت خالی نیست که به اساس تفاوت صورتها احکام آنها نیز متفاوت می باشد. در دو صورت ذیل بنا بر اینکه به اجماع امت از بلندترین مراتب موالاة مي باشد، مکفره بوده و انسان را از دایرهء دین اسلام خارج می سازد :

۱ـ صورت اول: جاسوسی مسلمان از مسلمانها برای کفار بخاطر کفر شان و یا بخاطر نصرت آنها بر مسلمانها بخاطر اینکه کافر هستند

۲ـ صورت دوم: جاسوسی مسلمان از مسلمانها برای کفار به این عقیده که این کار حلال است

۳ـ صورت سوم: اما اگر یک مسلمان بدون وجود صورت اول و دوم خاص بخاطر نفع مادی و غرض دنیوی این کار را انجام می دهد در این مورد هیچ اختلافی نیست که از جمله گناهان کبیره بوده و در تحت آیات و احادیث که در نهی تجسس وارد شده است، داخل می باشد؛ چون این نوع تجسس اضرار و مفاسدش نسبت به تجسس مسلمانها از یکدیگر شان در حالیکه علماء اورا از جمله کبائر شمردند، بمراتب بیشتر می باشد. از همین جهت است که علامه ذهبی آن را از جمله کبائر شمرده و چنین می فرماید:»الكبيرة التاسعة و الستون من جس علي المسلمين و دل علي عوراتهم... و بالضرورة يدري كل ذي جس ان النميمة اذا كانت من اكبر المحرمات فنميمة الجاسوس اكبر و اعظم». (کتاب الکبائر : ۲۸۰)

و همچنین امام شیخ العز بن عبدالسلام در کتاب خود آن را از جمله کبائر شمرده و چنین می فرماید :» و كذلك لو دل الكفار على عورة المسلمين مع علمه بانهم يستأصلون بدلالته، و يسبون حرمهم و اطفالهم و يغتنمون اموالهم و يزنون بنسائهم و يخربون ديارهم، فإن تسببه الى هذا المفاسد اعظم من توليته يوم الزحف بلا عذر مع كونه من الكبائر.» (قواعد الاحکام : ۱/ ۲۳ـ۲۴)

حکم قتل جاسوس مسلمان برای کفار:

در مورد حکم قتل جاسوس که در دو صورت اولی داخل باشد هیچ اختلافی وجود ندارد و همه بر این متفق القول هستند که آن شخص مرتد شده و واجب القتل می باشد اما در مورد حکم جاسوس که در صورت سوم داخل است، علمای کرام اختلاف نموده اند. عدهء گفته اند که کشته میشود و عدهء دیگر گفته اند که تعزیر میگردد. علامه امام وهبة الزحيلي در کتاب مشهور خود اختلاف فقهای مذاهب را در این مورد چنین بیان می دارد :» و اجاز المالكية و الحنابلة و غيرهم قتل الجاسوس المسلم اذا تجسس لعدو على المسلمين و لم يجز ابوحنيفة و الشافعي هذا القتل.» (الفقه الاسلامی : ۷/ ۵۵۹۴- ۵۵۹۵)

امام قرطبی در تفسیر خود نیز اختلاف علماء را در باره متذکر شده و چنین می فرماید :» اذا قلنا لا يكون بذلک (ای بالتجسس) كافرا (ای اذان کان فعله لغرض دنيوى فهل يقتل بذلک ام لا ؟ اختلف الناس فيه فقال مالك و ابن القاسم و اشهب: يجتهد فی ذلک الإمام. و قال عبدالملک: اذا كانت تلک قتل، لأنه جاسوس و قد قال مالك بقتل الجاسوس - و هو صحيح لإضراره بالمسلمين و سعيه بالفساد في الأرض و لعل ابن الماجشون انما اتخذ التكرار في هذا لأن حاطبا أخذ في أول فعله، والله أعلم.» (تفسير الجامع لأحكام القرآن: ۹/ ۳٦ سورة الممتحنة)

آن عده علماي که حکم جواز قتل جاسوس را (اگر چه مسلمان هم باشد) داده اند، دلیل شان حدیث حاطب بن ابی بلتعه می باشد. وجه استدلال شان این است که حضرت عمر رضی الله عنه پس از آگاهی از جریان جاسوسی حاطب تصمیم قاطع قتل حاطب را گرفت و از پیامبر صلی الله علیه و سلم اجازه خواست تا گردنش را بزند اما پیامبر صلی الله علیه و سلم به عمر اجازه نداد و گفت که او در بدر حاضر بوده است. پس مانع قتل حاطب حضور آن در غزوهء بدر بوده و در غیر حاطب این حکم مری الاجراء می باشد. پس از تعلل عدم جواز قتل حاطب به حضور آن در بدر دانسته میشود که اگر اسلام مانع قتل آن بودی به علت خاص تر از آن علت جسته نمیشد.

و آن عده علمای که حکم به عدم جواز قتل جاسوس مسلمان نموده اند، امکان دارد دلیل شان حدیث فرات بن حیان باشد. وجه استدلال شان این است که زمانی فرات بن حیان دستگیر شد پیامبر صلی الله علیه و سلم امر نمود تا او را بکشند اما فرات در حال اسلامش را ظاهر کرد و پیامبر نیز او را رها نمود. پس دانسته شد که اسلام مانع جواز قتل جاسوس است. اما استدلال این گروه از علماء بحدیث فرات زمانی درست میشود که مسلمان بودن فرات در حین جاسوسی و عدم آگاهی پیامبر از اسلام آن ثابت شود. اما اگر فرات در حین جاسوسی کافر بوده و بعد از دستگیری چنانچه (ظاهر همین است) اسلام آورده باشد، استدلال به آن درست نمیشود؛ چون اسلام تمام ماقبل خویش را از بین می برد.

آیا در بین جاسوس که زمانی جاسوسی کرده است اما به اثر جاسوسی آن مانند جاسوسی حاطب بن ابی بلتعه و فرات بن حیان کدام ضرر به مسلمانها وارد نشده است و بین آن جاسوس که از مسلمانها به نزد کفار جاسوسی می کند و این را حرفه و کسب برای خویش تعیین کرده و بسبب جاسوسی آن اضرار بزرگ و خسارات هنگفت به مسلمانها را رسیده است ، در حکم آنها فرق وجود دارد یا خیر ؟

بنظر می رسد که این نوع جاسوس در نزد احناف نیز اگر امام مسلمانها مصلحت ببیند بخاطر اینکه ساعی بالفساد می باشد، تعزیرا و سیاستا بنا بر حکم آیه ذیل کشته می شود :» إنما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا و تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم في الآخرة عذاب عظيم.» (المائدة : ٣٦)

امام ذهبي در رابطه به جاسوس این چنینی حکم قتل آن را داده و چنین می فرماید :» اذا ترتب على جسه وهن على الإسلام و اهله و قتل او سبي او نهب او شئ من ذلك. فهذا ممن سعي في الأرض فسادا و اهلك الحرث والنسل فيتعين قتله و عليه العذاب.» (کتاب الكبائر: ۲۸۰)

علامه دکتور وهبة الزحيلي رحمه الله در بیان نظریه احناف در رابطه به قتل تعزیری چنین می فرماید :» و من لم يندفع فساده الا بالقتل قتل... والخلاصة انه يجوز القتل سياستا لمعتادي الاجرام و مدمني الخمر و دعاة الفساد و مجرمي امن الدولة.» (الفقه الاسلامي : ۷/ ۵۵۹۴-۵۵۹۵)

آنچه واضح است این است که جرم تجسس قتل را واجب می آورد؛ چون به اتفاق علماء جاسوس حربی کشته میشود و کسی که این کار را وطیفه و حرفه خویش قرار داده و این جرم را تکرار می کند و شرش از سر مسلمانها بغیر از قتل بطریق دیگری قطع نمیشود پس او تعزیرا و سیاستا کشته میشود. البته نباید فراموش کرد این حکم در صورتیست تجسس جاسوس به حجج شرعی که همانا اقرار و یا بینه می باشد، ثابت گردد و به قراین و امارات اکتفا نشود . والله اعلم بالصواب .



مصاحبه



مصاحبهٔ اختصاصی مجلهٔ حقیقت با

محترم مولوی نیک محمد حذیفه

مسئول کمسیون نظامی ولایت غور

ترتیب: ابو اُسوه حقانی

اشاره:

در این شکی نیست که امارت اسلامی در تمام ولایت‌ها الحمدلله مجاهدین مسئول و موثری دارد که هر کدام در ولایت خود نقش برازندهٔ جهاد مقدس فعلی را با امانت‌داری، اخلاص، تدین، و در فرمانبردای کامل ادا کرده و رول مهم در بیداری و دادن روحیهٔ جهادی به ملت و مجاهدین خود دارد، بر همین اساس فرصتی دست داد تا با یکتن از مسئولین محلی (محترم مولوی نیک محمد حذیفه عالم دین و داعی مخلص مسئول کمسیون نظامی ولایت غور) از نزدیک دیداری داشته و نسبت به اوضاع جهادی در ولایت غور با ایشان مصاحبه بنمائیم.

ادارهٔ مجله:

مولوی صاحب محترم در ابتدا اگر خود را به خوانندگان عزیز ما معرفی کنید؟

حذیفه صاحب:

بسم الله الرحمن الرحیم حامدا و مصلیا اما بعد:

بنده مولوی نیک محمد فرزند محمد، مشهور به حذیفه از ولایت غور ولسوالی چهارسده، فارغ‌التحصیل دارالعلوم زاهدان مسجد مکی (سال ۱۳۸۴ هش) بوده و فعلا از طرف امارت اسلامی به حیث مسئول کمیسیون ولایتی ولایت غور موظف و مصروف خدمت جهادی می‌باشم.

ادارهٔ مجله:

از موقعیت و اهمیت جغرافیایی و استراتیژی ولایت غور به ما بگویید و اینکه مورال مجاهدین در این ولایت چگونه است؟

حذیفه صاحب:

ولایت غور که فعلا دارای ۱۲ واحد اداری بوده و ظرفیت بیشتری هم دارد یکی از ولایت‌های مرکزی افغانستان است و به ولایت‌های هلمند، فراه، هرات، بادغیس، فاریاب، سرپل، بامیان و دایکندی سرحد دارد و از نظر نقطه اتصال، جنوب افغانستان را به شمال و بالعکس، و شرق افغانستان را به غرب و

بالعکس، زودتر وصل می‌کند و میتوان گفت که از جهات مختلف نسبتش به افغانستان چون نسبت افغانستان به آسیای میانه است، و بخاطر مهم بودن موقعیت جغرافیایی و استراتژی آن، هم از طرف امارت اسلامی و هم از طرف دشمنان قویا مورد توجه ویژه و خاص بوده است، چنانچه در دوران غلبه امارت اسلامی بر گروه های شر و فساد، اکثریت آنها در مناطق کوهستانی آن ولایت پناهنده شده و از همان جا فعالیت‌های تخریب‌گرانه خود را علیه نظام اسلامی مدیریت می‌کردند، و گروهک‌های کوچک گمراه نیز گاهی درآن مناطق به ایجاد مراکز و پایگاه های نظامی پرداختند ولی لله الحمد به برکت زحمات و قربانیهای مجاهدین امارت اسلامی، بساط همگی شان برچیده شد.

البته بازهم به توجه بیشتر نیاز است، و اگر ما موفق شویم با طرح و تطبیق برنامه‌های فکری وتربیتی لازم در مناطق کوهستانی ولایت غور به شمول کوهستانات ولایات هم جوار آن، توجه جدی نمائیم گفته می‌توانم که امارت اسلامی دارای پایگاههای امن دائمی و پایدار در هر شرایط سخت و آسان، گرمی و سردی خواهد شد.

مجاهدین ولایت غور الحمدلله از روحیه بسیار عالی و قوی برخور دارند و فریضه جهاد و قتال را به نیت عبادت و اداء فریضه الهی انجام می‌دهند که برای شان خسته کن نیست مثل فریضه نماز، روزه و غیره و کثرت اشتغال به آن را عامل افزایش ثواب شان دانسته چونکه آن را فریضه «مامور به» الله جل جلاله می‌دانند و به نابودی همه‌ی دشمنان عقیده کامل دارند.

ادارۀ مجله:

فعالیت مجاهدین در حوزه های مختلف در این ولایت را بطور کلی چگونه ارزیابی کرده و بطور مشخص اگر مشکلات و نیازهای اولیه این ولایت را مشخص فرمایید؟

حذیفه صاحب:

به خاطر موجودیت دیرینه مفکوره‌های محدود سیاسی و قومی غیر شرعی و غیر اسلامی در آن ولایت، فعالیت های فعلی مجاهدین غور را خیلی در سطح عالی ارزیابی می کنم، چون غلبه بر افکار آنچنانی و شکستن آن همه مرز و بومهای محدود، محصور و ایجاد تحول فکری و ایجاد باور و علاقه به امارت اسلامی در آن دیار، برای هر کسی ممکن و کار آسانی نبود، و ولایت غور ازینکه یک ولایت کوهستانی و پر دره و سنگ است از محصولات و عواید کمتری برخوردار است و مردم آن هم از نظر ثروت و دارایی در سطح بلند قرارندارند لذا ما چقدر که بتوانیم نیازمندی‌های اولیه ولایت غور را مورد توجه قرار بدهیم و از نظر اکمالات، مصارف، مهمات ومواد انفجاری رسیدگی کنیم همان اندازه موفقیت و بهبود کارها را شاهد خواهیم بود.

همچنین توجه سازنده به موضوع تعلیم وتربیه در دستور کار ماست، و تلاش داریم با برگزاری سمینارها توسط متخصصین کارهای اداری برای ریاست ها ومدیریت های مختلف آن، و ایجاد کلینیک‌های فعال برای تداوی زخمیهای ادنی و متوسط در دو سمت شمال و جنوب غور، و تهیه آمبولانس‌ها بخاطر انتقال زخمیها، و احداث یا ترمیم بعضی سرکها تحت نظارت مجاهدین فعالیت‌های بهتری انجام شوند که الله متعال توفیق و زمینه خدمت را برای ما فراهم آورد چونکه این چیزها بخاطر ایجاد سهولت وسرعت انتقال مجروحین و مریضها که درعین حال چندین ولایت شمالی کشور هم از آن بخاطر انتقال مسافرین، مجروحین و مریض‌های‌شان استفاده می‌توانند ضروری و در اولویت می‌دانیم.

ادارۀ مجله:

امسال فعالیت های نظامی در ولایت غور چگونه بود و اگر مشخصا بفرمائید ساحات تحت تصرف مجاهدین در چه حد است؟

حذیفه صاحب:

در سال جاری ۱۴۴۱ ق و ۱۳۹۸ ش فعالیتهای نظامی مجاهدین در۱۱ واحد اداری ولایت غور بشمول مرکز ولایت، الحمدلله در سطح عالی صورت گرفته، فعلا لله الحمد ۸۰ فیصد خاک غور در کنترل مجاهدین امارت اسلامی است و دشمن

مراکـز ولسـوالیهای مربوطـه‌اش را فقـط از طریـق هـوا اکـمال و تجهیـز می‌کنـد.

ادارۀ مجله:

از اهمیـت فعالیـت فکـری و فرهنگــی بـه مـا بگوییـد و اینکه در ولایت شـما در این قسـمت فعالیت‌ها چگونه و بـرای موفقیت بیشـتر و بهبـودی کار چه مشـوره دارید؟

حذیفه صاحب:

موضـوع فعالیت‌هـای فکـری و فرهنگـی و سـاختن و اصـلاح افـکار، درطـول تاریـخ بـشر از اهمیـت خاص برخـوردار بوده، در اینجا مناسـب بنظـر می‌رسـد کـه مـن سـخن مرحـوم اکبر آلـه آبـادی از علـماء هنـد کـه از منتقدان غـرب هـم بـود را دربـاره فرعـون، یـادآوری کنـم او می‌گویـد «احمـق تریـن کس درتاریـخ قدرتمنـدان بـشر فرعون بـوده، چـون او هر دو نعمـت قـدرت و اقتصاد را در اختیار داشـت و به راحتی می‌توانسـت نسـل بنی‌اسرائیل را بـا ایجاد مراکـز تربیتی و آموزشـی شسـت و شـوی مغـزی بدهـد و بر طبق بـاور و عقیـده اش فکـر آنها را بسـازد که سـالیان زیادی از عقیـده و بـاور فرعون دفاع بکنند و خـود را دراین راه بکشـتن هـم بدهنـد امـا فرعـون ایـن کار را نکـرد بلکـه بـا اسـتفاده از قـدرت و اقتصـادش شروع بکشـتن آنهـا کـرد و نهایتـا توسـط هـمان ملـت مظلـوم و مسـتضعف سرنگـون شـد» و فعـلا هـم صلیبیـون و کفـار عالَـم بالاتـر از اشـغال خـاک در صدد اشـغال افـکار فرزندان مسـلمین هسـتند و کارهایـی هـم کردنـد.

بنابـر ایـن در واقـع کامیـاب در میدان های مبارزه کسـی هسـت که در سـاختن فکـر و فرهنگ موفق باشـد، لهذا مثـل دیگـر ولایت‌هـا درولایـت غور نیـز در این بـاره از طرف امارت اسـلامی باید توجه زیاد شـود، خوشبختانه ملـت متدیـن و مجاهد پرور غـور با هماهنگـی تعدادی از علـماء دیـن بـه سـاخت و احـداث مـدارس دینـی پرداختنـد کـه فعـلا درغـور الحمدلله بالاتـر از صـد بـاب مدرسـه دینـی خصوصـی وجـود دارد، بـه نظر من فعـلا چـون سـاحات فعالیـت مجاهدیـن وسـیع شـده و الحمـد للـه دشـمن هـم رو بـه انقـراض اسـت بسـیار ضرور بنظـر می‌رسـد کـه مـا در راسـتای رشـد مـدارس



دینـی و پیشرفـت تعلیـم و تربیـه، نیـرو و اقتصـاد لازم را بـا قاطعیـت و تلاش بیشـتر بـکار انداخته تا ان شـاءالله بـه توفیـق و یـاری الله جل‌جلالـه ثمرات ایـن تربیه برای ملـت افغانسـتان و خصوصـا بـرای مـردم غـور سـازنده و تحـول آفریـن، و بـرای امـارت اسـلامی عزیزمـان هـم سرمایـه و ذخیـره پایدار بشـود.

ادارۀ مجله:

فعالیـت سـایر ارگان‌هـا و تشـکیلات امـارت اسـلامی در ولایـت غـور چگونه اسـت و برای پیشـرفت امـور چـه گفتنـی داریـد؟

حذیفه صاحب:

البتـه درهمیـن سـال جـاری (۱۴۴۱ ق و ۱۳۹۸ ش) اکثریـت قریـب بـه اتفـاق ارگانهـای جهـادی ولایـت غـور کارشـان خـوب و قابـل لمـس بـوده، و بـه نظر من اگـر ازطـرف کمسـیون‌ها و ریاسـتهای عمومـی نسـبت بـه ارگان‌هـا ومدیریـت هـای ماتحـت بطـور مسـتقل و اصولـی توجه، تمویـل، نظارت و درخواسـت راپورهای کاری بشـود، دررونـق گیـری و اصولـی شـدن تمامـی ادارات ماتحـت و مافـوق موثـر خواهـد بـود.

ادارۀ مجله:

روابـط ملت غیور بـا مجاهدین امارت اسـلامی و تعلقـات مجاهدیـن بـا مـردم را چگونـه در ولایـت غـور چگونه اسـت؟

حذیفه صاحب:

روابـط ملـت غیـور غـور الحمدلله بـا مجاهدیـن

بسیارقانع و دوستانه است و می‌توانیم بگوئیم که ملت بمثابه معدن برای فریضه جهاد و مجاهدین می‌باشد که هرروز آماده فداکاری با جان، مال و فرزندان شان برای پیشبرد فریضه جهاد و اقامهٔ نظام مقدس امارت اسلامی می‌باشند و حتی کسانی‌که در ساحات دشمن زندگی می‌کنند از فساد، بی‌کفایتی و رسوایی‌های رژیم مزدور به ستوه آمده و همیشه در آرزو و انتظار قدوم مجاهدین امارت اسلامی می‌باشند.

ادارهٔ مجله:

پیام یا کدام گفتنی به ملت یا مجاهدین اگر دارید استفاده می‌کنیم؟

حذیفه صاحب:

پیام من به ملت مسلمان این است که بیشتر همت کنند و درباره پایبندی و دفاع از دین شان سستی نکنند و باید خوب درک کنند که کفار صلیبی وغیره هدف نهایی شان به کفر و انحراف کشاندن امت اسلامی هست چنانچه الله جل‌جلاله هدف شوم لشکرکشی و تجاوز کفار بر ممالک و سرزمین های اسلامی را برای ما برملا میسازد «ولایزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا ...الایه» (البقره/ ۲۱۷) یعنی کفار پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شمارا ازدینتان برگردانند.

تمام مسلمانان باید همراه نظام مقدس و صف جهادی امارت اسلامی که انصافا، جانانه از مقدسات و نوامیس مسلمین دفاع کرده و یگانه نظام جهادی قابل اعتماد و شناخته شده در سطح جهان است، همه جانبه هماهنگی و همکاری داشته باشند و بر معیار شریعت و اسلام عزیز از نظام عقیدتی و سیاسی‌شان اطاعت کنند.

و پیامم به برادران مجاهدم این است که از اسلام عزیز درست نمایندگی کرده و با کمال اخلاص، تقوی، تواضع و محاسن اخلاق از اهداف دین الله جل‌جلاله و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دفاع کنند و با رشد روحیه و احساس اخوت و برادری اسلامی، با یکدیگر و با همه مسلمانان برخورد عادلانه و دلسوزانه داشته، و برای جلوگیری از پیاده شدن اهداف شوم دشمنان، و برای بیداری و اصلاح مسلمین خوب هدفمندانه زحمت بکشند؛ تا باشد که ان شاءالله تعالی در آینده نزدیک به عظمت از دست رفتهٔ امت اسلامی دسترسی پیدا کنیم . «ان ذلک علی‌الله یسیر»

ادارهٔ مجله:

با تشکر از شما جناب مولوی صاحب محترم.

حذیفه صاحب:

من هم دراخیر از مجله گرانسنگ حقیقت تشکر می‌کنم که در انعکاس نظریات و پیامهای ما برای مسلمین ما را یاری فرمودند. الله جل‌جلاله همه کارگردانان و مسئولین این مجله را حفاظت و موفقیتهای بیشتری را نصیب‌شان فرماید.

ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم





ارزش جهانی اسناد تابعیت افغان بعد از اشغال کشور

موفق افغان

در زمان امارت اسلامی تنها چند کشور محدود روابط رسمی با افغانستان داشتند و سایر کشورها بشمول کشورهای اروپایی، امریکایی و حتی اسلامی روابط سیاسی و رسمی با افغانستان نداشتند. با وجود این هم افغان ها با اسناد و مدارک سفری همچو پاسپورت های بدست داشته شان می توانستند به اکثریت کشورهای جهان مسافرت کنند و بعضی از این کشورها به خیلی سادگی و آسانی به افغان ها ویزه صادر می کردند.

با اشغال کشور و روی کار آمدن حکومت دست نشانده در کابل، بلندگویان دموکراسی چنان تبلیغات را آغاز کردند که گویا اتباع افغانستان تا کنون مقام و ارزش خودرا در جهان از دست داده بودند و افغان ها در جهان هویت نداشتند و اکنون با آمدن حکومت دموکراسی و روابط دوستانه با جهان این ارزش و مقام دوباره به دست میاید و افغان ها می توانند محترمانه در گوشه و کنار جهان با بدست داشتن پاسپورت های معتبر و محترم خود سفر نمایند. با مرور زمان و افزایش فساد، دزدی، قتل و غارت، قاچاق و تجارت مواد مخدر وغیره ارمغان های دموکراسی در کشور اگرچه پاسپورت های قلمی به الکترونیک مبدل گردید اما آهسته آهسته افغان ها و پاسپورت افغانی هویت و ارزش داشتهء خودرا نیز در جهان باختند.

اکنون پاسپورت افغانی آخرین مقام را در جهان دارد به این معنا که دارندهء این پاسپورت نه تنها این که چنانچه در جهان معمول است و اتباع اکثریت کشورها از این حق برخوردار اند نمی تواند بدون ویزه به کشورهای جهان سفر کند بلکه اکثریت کشورهای جهان بشمول کشورهای خیلی فقیر و عقب مانده نیز حاضر نیستند به دارندهء تابعیت و پاسپورت افغانی اجازه ورود حتی برای اقامت چند روز را به کشور خود بدهند. این در حالیست که اتباع کشورهای جنگ زده دیگر همچو عراق، یمن، سوریه، لیبیا و حتی صومالیا می توانند کشورهای زیادی را بدون ویزه سفر کنند و کشورهای دیگر نیز در جریان چند روز محدود برای اتباع این کشورها ویزه صادر کرده و آنان را اجازه ورود به خاک خود می دهند.

با روی کار آمدن ادارهء مشترک که توسط جان کیری دیزاین و نقشه شده بود و در رأس آن شخصی قرار گرفت که از صحت روانی کامل برخوردار نیست اهمیت و ارزش اتباع کشور کمتر گردید زیرا جهان مشاهده کرد که این کشور نه تنها جنگ زده است بلکه رهبران سیاسی آن دزد و غارتگر اند. فساد اخلاقی و اداری در تمامی دوایر این اداره و حتی در ارگ به اوج خود رسیده است.

این اداره در تولید و صادر نمودن مواد مخدر مقام اول جهانی را از آن خود کرده است. رسوایی اجتماعی، اخلاقی و سیاسی این اداره به جایی رسید که جهان مثیل آن را در تاریخ گواه نبود و برای اولین بار چنین وحشت و حیوانیت را مشاهده می کرد. دموکراسی با تمام معاییر و ضوابط آن چنان در این کشور شرمسار و خجالت شد که دیگر کسی جرأت ندارد ادعای تطبیق آنرا در کشور خود کند. انتخابات منحیث نماد پذیرفته شدهء دموکراسی در تمام جهان که تعیین کنندهء حکومت های آنان می باشد و تمامی معتقدین به دموکراسی به نتایج ان احترام قایل اند چنان در این کشور به باد تمسخر گرفته شد که یکبار نه بلکه برای چندین بار نتایج انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری آن بعد از گذشت ماهها اعلان نشد. آنان دیدند که در انتخابات این کشور چنان تقلب گسترده صورت می گیرد که جهان از درک آن قاصر می ماند. این یگانه کشوری است که در آنجا نتایج انتخابات بعد از طول کشیدن چندین ماه بالاخره بعد از به وجود آمدن حکومت و تعیین رئیس جمهور توسط باداران خارجی شان اعلان می گردد.

از سوی دیگر، اسناد، تذکره و پاسپورت افغانستان چنان در بازار خرید و فروش گردید که در بعضی از کشورها اتباع کشورهایی که مشکلات سیاسی داشتند این اسناد را با فرستادن پول به افغانستان خریداری کردند و پاسپورت های بایومترک شده برای شان به خارج ارسال گردید. پاسپورت های سیاسی، دیپلوماتیک و خدمت به اعضای خانواده و دوستان وزیرها، وکیل ها و بزرگان این ادارهء بدنام و فاسد توزیع گردید. با استفاده از معتبرترین اسناد تابعیت و هویت این کشور قاچاق مواد مخدر، پول شویی و دهها اعمال غیر قانونی دیگر در جهان صورت گرفت. رویهمرفته این اسناد و پاسپورت ها ارزش جهانی خودرا از دست دادند تا اینکه مشکلات بیشتر دامنگیر ملت بیچاره و رنجدیده گردید که اکنون تاجر، محصل، شهروند، و حتی بیمار افغان نمی تواند با استفاده از این اسناد هویت اجازه ورود به کشورهای دیگر را بدست آورده و نیازمندی های خودرا رفع کنند. در اکثر کشورها و سفارت ها اتباع سایر کشورها تنها مکلف اند که پاسپورت خودرا جهت اخذ ویزه تقدیم کنند و یا از طریق انترنت بدون مراجعه به سفارت ها ویزه بگیرند اما افغان ها باید ده سند دیگر نیز تقدیم کنند تا قناعت آنان حاصل گردد که این پاسپورت جعلی نبوده و اصلی است. این اوراق روزها، هفته ها و احیانا ماهها را در بر می گیرد تا بررسی گردد و اکثرا جواب آن منفی می باشد.

افغان ها نه تنها عملا این مشکل را مواجه اند بلکه مصیبت بزرگتر از آن اینست که روزانه رئیس جمهور مصاب به بیماری روانی بر آنان منت می گذارد که وی اعتبار جهانی از دست رفتهء آنان را دوباره بدست آورده است، جهان را قایل ساخته است که به افغان ها ارزش دهند، دروازه های جهان را بر روی آنان باز کرده و دهلیزهای هوایی که را مملوء از رخت های خواب و خیال است بر روی آنان باز کرده است. برای افغان ها شاید مشکلات هویت و پاسپورت و اسناد دیگر شان قابل تحمل باشد اما این دیوانگی ها و بی شرمی های رئیس جمهور روانی ادارهء اجیر کابل قابل تحمل نیست. و مشکل بزرگتر از آن این خواهد بود که تعداد خود فروخته و ضمیر باخته نیز قلم بدست گرفته و لست چنین دست آوردها را روزانه به روی ملت می زنند و ملت را به شاکر بودن و سپاسگزار بودن از کسی مکلف می دانند که نه تابعیت این کشور را دارد، نه از دین مردم آن پیروی می کند، نه عنعنات و رسم و رواج این کشور برایش معتبر است، نه فرزندان این کشور برای او از اهمیتی برخوردار اند و نه هم عزت و آبروی دختران آنان قیمت و ارزشی در چشمان او دارند. او کسی است که به کشته شدن بیشتر از ۴۵۰۰۰ عسکر و پولیس ادارهء خود در جریان حکومت چند روزه اش افتخار می کند، او یگانه رئیس روانی است که اداره اش روزانه ریکارد های جدید تقلب، جعل، تزویر و فساد را قایم می کند اما او بی شرمانه در مقابل دوربین ها ظاهر شده نه تنها ادعای مبارزه علیه فساد را می کند بلکه از بین بردن ریشه های فساد را از دست آورد های خود تلقی می کند.

جنگ، فساد، بی امنیت، دزدی، قتل و غارت، از دست دادن مقام و ارزش جهانی، متحمل شدن رهبران سیاسی فراشوتی، بیسواد و حتی مبتلا به امراض روانی از جمله مصیبت هایی است که اشغال و دموکراسی بر شانه های ضعیف و ناتوان این ملت رنجدیده بار کرده اند و اینک بعد از گذشت تقریبا بیست سال از این حالت ملت در حالت خستگی و فروریختگی تمام قرار گرفته دیگر تحمل این بار ثقیل را از دست می دهد و قریب است که دیگر از این مسئولیت ها شانه خالی کند.



ترورهای زنجیره‌ای کار کیست؟

رفیع الله رفیع

نزدیکان وحید مژده، کارشناس مسائل سیاسی افغانستان، خبر دادند وی شامگاه چهارشنبه ۲۹ عقرب در کابل از سوی افراد موترسایکل سوار هدف شلیک گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. وحید مژده یکی از کارشناسان و آگاهان به مسائل افغانستان بود که افراد زیادی به تبصره ها و تحلیل هایش توجه نشان می دادند. او برای بسیاری از نمایندگان رسانه های خارجی و داخلی یک منبع موثق برای حصول اخبار و تحلیل مسائل سیاسی امنیتی افغانستان بود.

بدون شک ترور (امثال مژده که) چنین شخصیت های ارزشمند سرمایه برای کشور هستند، کار دشمنان کشور و ملت افغانستان است. اگر گروهی مسلح پشت این ترور می بود، حتما مسئولیتش را بر عهده می گرفت. اما طبیعی است که نهادهای امنیتی وابسته به اداره اجیر کابل شهامت چنین کاری را ندارند و با زبون حالی و بزدلی تیر جهالت و تعصب و کوردلی بر قلب افراد نخبه کشورشان شلیک می کنند.

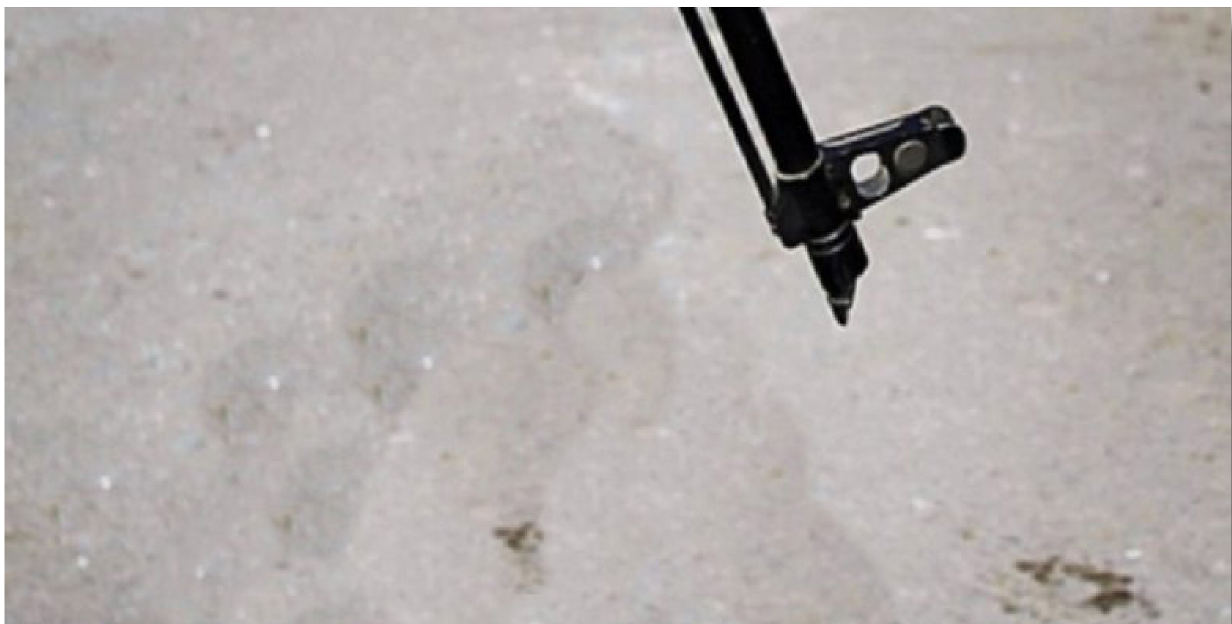
در این میان رسانه هایی مثل بی بی سی به عنوان بازوی تبلیغاتی بریتانیا و رادیوفرانسه وابسته به دولت فرانسه در گزارش خود آورده «تحلیلگر نزدیک به طالبان» ترور شده است. رسانه وابسته به قدرت شکست خورده در افغانستان سعی دارد چنین القا کند که آقای مژده کارشناس و تحلیلگر مستقلی نبوده و به خاطر نزدیکی فکری با امارت اسلامی ترور شده است. هرچند ممکن است موقف و استراتژی روشن و غیرجانبدارانه امارت

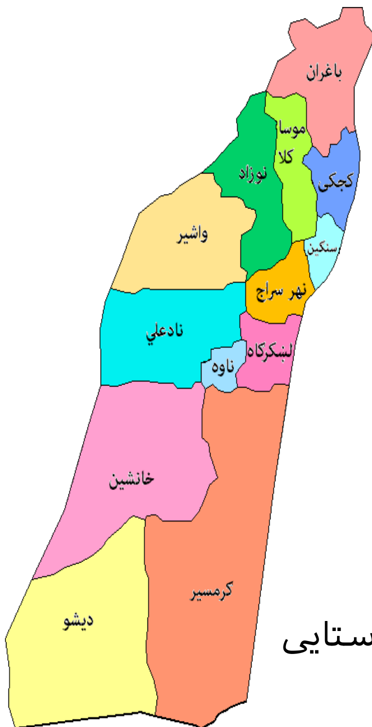
اسلامی کـه بسـیاری را متاثـر کـرده، حقانیـت آن بـرای مرحـوم وحیـد مـژده هـم آشـکار و اثبـات شـده باشـد، امـا حقیقـت ایـن اسـت کـه بغـض و عنـاد بـا مرحـوم مـژده بـر ایـن موضـوع بـوده کـه بـه حیـث یـک کارشـناس او حقایقـی را بیـان مـی داشـت کـه هرگـز موافـق میـل حاکـمان سرسـپرده بـه اشـغالگران نبـود. بـه همیـن دلیـل هـم بـر خـود لازم دیدنـد او را از سر راهشـان بردارنـد و اجـازه ندهنـد مـردم از آدرس ایـن نـوع کارشناسـان واقعیـت هـای کشـور را بشـنوند و بداننـد. بـا چنیـن اتفاقـات ناگـواری، هرچنـد مـا سرمایـه هـای کشـور را از دسـت مـی دهیـم، امـا در واقـع جهانیـان بـا چهـره زشـت مـزدوران کابـل نشـین بیشـتر آشـنا مـی شـوند کـه بـرای مقاصـد شـوم خـود بـه هیـچ اصـل اخلاقـی پایبنـد نیسـتند و افـراد غیرمسـلح و مسـتقل را تـرور مـی کننـد.

پیـش از ایـن نیـز بـالای چنـد کارشـناس مسـتقل مثـل حسـن حقیـار، نظـر محمـد مطمـئن و خیراللـه شـینواری حملـه صـورت گرفتـه اسـت. تـلاش بـرای تـرور نخبـگان و علـما و زعمای دینـی که با اشـغالگران خارجـی مخالفـت دارنـد، نشـان می‌دهـد حکومـت اجیـر تـا چـه حـد مسـتأصل شـده و در اقنـاع مـردم ناکام و رسـوا اسـت کـه بـرای کسـب مشروعیـت ناچـار بـه تـرور شـده اسـت. تـرور شـهید مولـوی صـلاح الدیـن در زرنـج نشـان دهنـده همیـن امـر اسـت کـه «امنیـت ملـی» اداره اجیـر کابـل بزرگتریـن خطـره بـرای امنیـت ملـی افغانسـتان اسـت.

حامـد کـرزی کـه سـابقا از سـوی اشـغالگران خارجـی بـه حیـث رئیـس جمهـور بـر افغانسـتان تحمیـل شـده بـود، در پـی تـرور وحیـد مـژده دسـت کـم دوبـار از نیروهـای امنیتـی خواسـت کـه بـه مـردم حملـه نکننـد. آیـا نشـانی واضـح تـر از ایـن لازم اسـت تـا بدانیـم چـه کسـانی پشـت ایـن نـوع حمـلات زنجیـره ای ناجوانمردانـه قـرار دارنـد؟!

بـدون شـک امنیـت نعمتـی بسـیار بـزرگ اسـت کـه در سـایه اجـرای شریعـت بـه دسـت مـی آیـد. مردمـی کـه هـم اکنـون در شـهرها و ولایـات فتـح شـده توسـط مجاهدیـن امـارت اسـلامی زندگـی مـی کننـد بـه خوبـی مـی داننـد امنیـت چـه نعمـت بزرگـی اسـت کـه نیروهـای خارجـی و مـزدوران داخلـی آنهـا تنهـا کسـانی هسـتند کـه در آن خلـل مـی اندازنـد. امـا در ولایاتـی کـه زیـر سـلطه مـزدوران اشـغالگران قـرار دارنـد، هیـچ نـوع امنیتـی وجـود نـدارد؛ نـه از دسـت دزدان و اختطافچیـان و نـه از دسـت نیروهـای اجیـر وابسـته بـه کابـل. نـه عـزت مـردم محفـوظ اسـت و نـه جـان و مالشـان. طبیعـی و بدیهـی اسـت کـه در چنیـن صورتـی مـردم بـه امـارت اسـلامی بیـش از پیـش روی خـوش نشـان دهنـد و آرزو کننـد کـه شـهر و قریـه شـان زیـر پرچـم لااله الله محمدرسـول اللـه قـرار بگیـرد.







چند روز در هلمند

نویسنده: وحید روستایی

هلمند یا هیرمند با دریایی مواج خویش یکی از باستانی ترین مناطق افغانستان می باشد که در طول تاریخ شاهد و بستر گرم فرهنگ های مختلفی چون آتش پرستی، بودایی، زردشتی، برهمنی و اخیرا اسلام بوده است. طوریکه در کتب تاریخ و سیر مانند اسد الغابه مذکور است هلمند توسط صحابی جلیل القدر و غازی میدان های نبرد عبدالرحمن بن سمره رضی الله عنه دو بار فتح گردیده است، بار اول در زمان خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه در سال ۳۳ هجری که همرایش علماء و فقهایی بزرگی چون حسن بصری رحمه الله همراه بودند فتح شد و بار دوم در زمان خلافت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنهما در سال ٤۳ هجری فتح گردید و ازین طریق او و قومندانان بعد از وی توانستند عملیات های جهادی خویش را علیه رتبیل ها یا حاکمان کابل و نواحی آن ادامه دهند. این خطهٔ مرد خیز پس از ورود اسلام به آن یکی از سنگرهای محکم و یکی از قلعه های شکست ناپذیر مسلمانان به شمار میرود، و بار بار حملات دشمن توسط جوانان مجاهد هلمندی دفع و پوز شان به خاک مالیده شده است، به همین خاطر است که هلمند در محراق توجهٔ امریکایی ها بوده و آنها برای نابودی اسلام و منحرف ساختن جوانان هلمندی از نیرنگ ها و دسیسه های مختلف کار می گیرند.

سال قبل با چند تن از دوستان طی یک سفر جهادی از طریق ارزگان روانه هلمند گردیدیم، بیشتر از دو شبانه روز در میان دره ها و کوه های سر به فلک کشیدهٔ ارزگان ماندیم. ارزگان ولایتی که تنها نامش را شنیده بودیم و نقشه اش را در اوراق دیده بودیم، از جهاد و قربانی های مجاهدینش از طریق رسانه های جهادی آگاهی یافته بودیم اما اکنون آنرا از نزدیک با چشم سر می دیدیم، همرای شان نشستیم و از زبان خود شان در بارهٔ فعالیت های جهادی مجاهدین در منطقه شنیدیم. مردم ارزگان در سطح پائین از فقر قرار دارند و از طریق مالداری و زراعت امرار معاش میکنند اما همت های به بلندای هندوکش دارند، آنها با تمام دار و ندار خویش علیه اشغالگران امریکایی و مزدوران آنها مبارزه کردند، و هنوز هم سنگرهای جهاد در آن ولایت‌ها کما کان گرم می باشد. امریکایی ها و همکاران شان خاطرات تلخی از ارزگان دارند و سوز ضربهٔ دستان جوانان ارزگانی سالها در رخسار آنها باقی خواهد ماند.

از کوتل شیرو به زمینداور رفتیم، زمینداور که یکی از مراکز تاریخی هلمند و پایتخت حاکمان قدیمی آن می باشد یک منطقه سرسبز و زیبا است، در بازار زمینداور با مردم رو به رو شدیم و از آنها در مورد حاکمیت امارت اسلامی و رویه مجاهدین با آنها پرسیدیم، مردم همگی از نانوا گرفته تا دکاندار رضایت خویش را از مجاهدین امارت اسلامی نشان داده و از رویهٔ نیک و اخلاق والای شان توصیف به عمل آوردند.

پس از گذراندن مدتی روانهٔ ولسوالی سنگین شدیم، در مسیر راه یکی از پوسته های دشمن قرار داشت، راه را غلط کردیم و نمیدانستیم به کدام مسیر حرکت کنیم،

سپس یکی از اهالی منطقه که سوار بر موتر سیکل بود و به سوی خانه می رفت راه را برای مان نشان داد و تاکید کرد که متوجه پوستۀ دشمن باشید. راستی نمیدانم به کدام کلمات احسان، همدردی و اخلاص این مرد هلمندی را بیان کنم، آری در زمانۀ که مردم دارند با چند دالر ایمان خود را می فروشند مردانی هم هستند که برای دین خود قربانی میدهند و پروای این و آن را ندارند.

از دریای هلمند عبور کردیم، در لب دریا با کودکان رو به رو شدیم، اینکه میدانستند ما مجاهدین هستیم با ما تمایل نشان میدادند و با دیدن مجاهدین دلهای شان خوش میشد، انگار با زبان حال می گفتند از شما طمع گرفتن انتقام از امریکایی های وحشی و نوکران دون فطرت آنها را داریم. به مسیر خود ادامه دادیم تا به ولسوالی سنگین برسیم، در مسیر راه چشم مان به خانه های مخروبه، موترهای سوخته، مراکز مخروب به جای مانده و اثرات این چنینی افتاد، وقتی پرسیدیم برای مان گفتند که این همه اثرات جنگ و جهاد علیه امریکایی ها است.

امریکایی ها نخست تحت عنوان باز سازی و نو سازی آمدند و برای مردم گلهای سرخ و سبز نشان دادند ولی دیری نگذشت که آنها با توپ و تانگ خود خانه های مردم را ویران ساختند و باشندگان آنها را زیر آوار آن مدفون ساختند. هلمند از جمله ولایت های است که بیشترین قربانی و تلفات ملکی و غیر ملکی را در جهاد جاری متقبل شده است و حسب بعضی منابع بیش از ۶۰ هزار نفر در آن کشته شده است. اکثریت این همه تلفات در نتیجه بمباردمان های کورکورانۀ امریکایی ها، چاپه ها و عملیات های شبانه و انداخت راکت و هاوان های آنها می باشد.

اما مردم غیور هلمندی با وجود دادن این همه تلفات دست زیر الاشه ننشستند و با همت عالی علیه اشغالگران رزمیدند، آنها هیچ باکی نداشتند، وقتی پدر شهید میشد پسرش جایش را پر کرده و سلاح را علیه اشغالگران امریکایی می برداشت و زمانیکه برادر شهید میشد برادر دیگر سلاح را می برداشت و این سلسله جاری است و از الله عزوجل میخواهیم غیرت و شهامت و غیرت به خاطر اسلام و نوامیس را در مسلمانان زنده داشته باشد.

به سنگین رسیدیم، جایکه امریکایی ها و مزدوران شان در آنجا تلفات بی شماری را متقبل شدند و تعداد زیادی از آنها به خاطر تحکیم دموکراسی جان های خود را از دست داده و به هلاکت رسیدند. به بازار سنگین رفتیم و

***** ارزگان ولایتی که تنها نامش را شنیده بودیم و نقشه اش را در اوراق دیده بودیم، از جهاد و قربانی های مجاهدینیش از طریق رسانه های جهادی آگاهی یافته بودیم اما اکنون آنرا از نزدیک با چشم سر می دیدیم، همرای شان نشستیم و از زبان خود شان در بارۀ فعالیت های جهادی مجاهدین در منطقه شنیدیم.**

***** از سنگین به ولسوالی موسی قلعه رفتیم، بازار بزرگ، دکان های آباد و دواخانه های مجهز در آن وجود داشت و جمع و جوش قابل توجه مردم در بازار به چشم میخورد. در چوک شهر و در اطراف آن درفش سفید توحید که منقش با کلمه توحید است شهر را زیبا ساخته بود و در سایه های این درفش آرامش، سکون و اطمینان را خیلی خوب احساس می کردیم.**

مردم را از نزدیک دیدیم، مردم همه با لباس محلی، ریش بلند و مطابق سنت، و عمامه به سر داشتند. نماز عصر را در یکی از مساجد ادا کردیم، مردم از دکان های خویش با شور و شوق به سوی نماز آمدند و پس از ادای نماز به دکان های خویش باز گشتند.

از سنگین به ولسوالی موسی قلعه رفتیم، بازار بزرگ، دکان های آباد و دواخانه های مجهز در آن وجود داشت و جمع و جوش قابل توجه مردم در بازار به چشم میخورد. در چوک شهر و در اطراف آن درفش سفید توحید که منقش با کلمه توحید است شهر را زیبا ساخته بود و در سایه های این درفش آرامش، سکون و اطمینان را خیلی خوب احساس می کردیم. آنجا وقتی برای لحظه ای بیارمی خاطرات زیادی به ذهنت تداعی می کند و خیالات زیادی به فکرت می آید و آرزوهای بزرگی که توان بر آورده کردنش را نداری برایت ایجاد میشود.

روزهای زیادی را در هلمند گذراندیم با آب و هوایش و جغرافیایش بلد شدیم، مردمش را از نزدیک ملاقات کردیم و با مجاهدین و قهرمانانش مصافحه نمودیم، این سفر یکی از جمله سفرهای بسیار لذت بخش و جالب برایم بود و از دیر باز نیت سفر به هلمند را داشتم که الله عزوجل آنرا برایم میسر ساخت.



این ملت بردگی نمی‌پذیرد

داوود مهاجر

بردگی ملت‌ها در طول تاریخ و با انواع متفاوتی صورت گرفته است، از فرعون و بنی اسرائیل گرفته که الله متعال از زبان موسی علیه السلام خطاب به فرعون چنین میفرمایند: وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ، آیا این احسانی است که تو بر من می‌گذاری در برابر اینکه بنی اسرائیل را بردگانی برای خود ساخته ای؟!

آری، همیشه بوده‌اند کسانی که به نیت برده‌سازی ملت‌ها به کشورگشایی روی‌آورده اند و امپراطوری‌های بزرگی را تشکیل داده و مردم را به خدمت‌رسانی خویش اجیر کرده‌اند.

دولت‌های استعماری کنونی نیز در چهار گوشه جهان، نهایت ظلم و اجحاف را در حق ملت‌ها بکار می‌برند، به هرگوشه‌ای که بنگرید، خواهید دید که ملتی را به بردگی گرفته اند، بردگی با همه انواعش؛ و با استعمال زور، توپ و تانگ، آن‌ها را زیر یوغ ستم خویش قرار داده، ثروت‌های شان را به یغما برده و فرهنگ و کلتور آنان را ربوده و فرهنگ منحط خویش را جای‌گزین می کنند.

این ملت را نشناخته اند

اما دشمنان اسلام، تا هنوز این خطه و خاک را نتوانسته اند به خوبی تجزیه و تحلیل بکنند و این ملت غیور را با صفات خدادادی‌اش بشناسند. لذا هر ازگاهی یکی پس از دیگری همان نقشه را با کمی روپوشی به اجرا می گذارند و نقش دوست و خیرخواه را بازی می‌کنند و در نتیجه، با بیداری و مقاومتی سربلند روبرو می‌شوند که هیچ حسابی از آن نمی‌برند.

این ملت غیور را الله متعال بسیار صفات عجیبی از غیرت، شجاعت، فدارکاری و وفا داده است که کمتر ملتی با چنین صفاتی در صفحه گیتی ظاهر شده است.

فقر و ملت افغان

ملت رنجور افغانستان از دسته آن ملت‌های فقیری است که در دهه های اخیر با فقر و فلاکت زیادی روبرو بوده و بنابر جنگ‌های تحمیلی که بر دوش داشته اند، نتوانسته اند اقتصاد ثابت و خوبی داشته باشند.

کشورهای استعماری همیشه از فقر چنین ملت‌هایی

سوءِ استفاده را برده و توانسته اند با گستراندن دام کمک و آبادی، آنها را در باتلاق مزدوری فروببرند و با تزریق افکار، کلتور و فرهنگ خویش، در حقیقت عنعنات و باورهای آنان را ترور کنند.

آمریکا و هم‌پیمانانش - استعمارگران عصر کنونی - نیز خواستند تا با پا گذاشتن در چنین رکابی، اسب خویش را در خاک درویشان، سرزمین افغانستان بدوانند و رؤیاهای خویش را در منطقه آسیای مرکزی از طریق این خاک به مرحله اجرا بگذارند. دور از آنکه :

به هر بیشه گمان مبر که خالیست
شاید پلنگی خفته باشد

ایمان و غیرت

حدود ۹۸ درصد خاک افغانستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دو درصد دیگر را بقیه ادیان.

این ملت بعد از آمدن اسلام در این سرزمین و راه یافتن نور ایمان در خانه‌های آنان، هیچگاه دوباره به سوی بت‌پرستی و شرک روی‌نیاورده است.

خاک افغانستان جزء محدود سرزمین‌هایی است که احکام اسلامی و فرهنگ مدنی و اجتماعی آن، انطباق بیشتری در زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد؛ شعائر اسلامی با زندگی آنان عجین گشته، حیا و حجابِ شرعی تار و پود زندگی زنان آنان را تشکیل می‌دهد؛ فرهنگ‌های غربی نتوانسته اند در کلتور و عنعنات اسلامی این ملت غیور کوچکترین راهی پیدا کنند و تغییر قابل ملاحظه‌ای در آن بیاورند، در حالیکه عموم ملت‌ها از نظر افکار، لباس و پوشاک، سنت‌های زندگی و غیره در فرهنگ منحط غربی و شرقی ذوب شده اند.

غیرت و شجاعت این ملت مسلمان زبان‌زد عام و خاص است، از نسل این ملت احمدشاه ابدالی‌ها، سیدجمال الدین‌ها، محمود غزنوی‌ها، ملا محمد عمرها، منصورها، مولانا جلال الدین‌ها و هزاران فداکاران گمنامی برخواسته است که نمی‌توان چشم حقیقت را بر آن بست.

ملتی بیدار

مردم مسلمان این سرزمین آن اندازه قربانی و فداکاری در راه دین و دفاع از ارزش‌های آن داده اند که از شمار بیرون است. و اگر کسی بخواهد چنین حکایاتی را از زن و مرد مجاهد آن جمع‌آوری کند، کتاب‌ها پر خواهد شد و دست‌ها خسته خواهند گشت.

حکایاتی عجیب از شیرزنان این مرز و بوم شنیده‌ام که جای شک را باقی نخواهد گذاشت که این ملت برای دادن درس جهاد، سختی، مقاومت و شهادت به جهانیان آفریده شده است.

بیداری و هوشیاری این ملت مومن در برابر دسیسه‌های پر زرق‌وبرق شرقیان و غربیان، تمامی آرزوهای شان را به باد داد و نقشه‌های شوم شان را نقش بر آب نمود.

ملت ما نمونه‌ای از وحدت

مردمان و دراویش این خطه از آسیا، همیشه در تمام سختی‌ها در کنار هم بوده اند و پا به پای علما، رهبران صادق و خیراندیشان خویش چون کوهی ایستاده اند و در برابر هر نوع فشار، ارعاب و زورگوییِ دشمنان تا دندان مسلح، از خود مقاومت جانانه و فرزانه‌ای نشان داده اند که صفحات زرین تاریخ بهترین گواه بر این مدعاست.

این ملت را با دیگر ملت‌ها قیاس نکنند

در طول تاریخ زرین این ملت، جز شکست، روسیاهی و عقب‌گرد، برای دشمنانش نمی‌توانید چیز دیگری بیابید؛ از شکست انگلیسی‌ها گرفته تا فروپاشی ارتش سرخ و همکنون ائتلاف بزرگ اروپا و آمریکای جنایت‌پیشه.

آنها از گذشته‌گان درس نگرفته اند و گویا با تاریخ این ملت آشنا نبوده و صفحات سرخ و سبز شهادت و پیروزی را نخوانده اند!

این ملت را با ملل دیگر قیاس نکنند وگرنه باز خطا می‌روند ومحاسبات شان به هم می‌خورد. این ملت را آنها نتوانسته‌اند خوب درک کنند؛ این ملت خدایی دارد و با توکل بر او راهی را که می‌برد با تمام وجودش حمایت می‌کند و هرگونه سختی را در این راه تحمل کرده و به دوشش می‌کشد و الله متعال همیشه یاری‌اش کرده است.





تلخ تر از ویتنام!

ترتیب و تقدیم: سلمان رحیمی هروی

در زمان ریاست جمهوری «دوایت آیزنهاور» امریکا با حضور نظامی در ویتنام علیه حکومت ویتنام شمالی و ویت کنگ به حمایت حکومت ویتنام جنوبی پرداخت، سیاست مداران امریکا حضور نظامی سربازان امریکا را در خاک ویتنام راهی برای جلوگیری از گسترش کمونیسم میدانستند این جنگ در سال ۱۹۵۵ شروع تا ۱۹۷۵ ادامه پیدا کرد، در یک جبهه؛ ویتنام جنوبی، ایالات متحده آمریکا، کوریا جنوبی، استرالیا، فیلیپین، نیوزیلند، جمهوری خمر، تایلند، پادشاهی لائوس و شاهنشاهی ایران دخیل بود و در جبهه دیگر ویتنام شمالی و ویت کنگ.

همزمان و مرتبط با این جنگ، جنگهای نیابتی در لائوس و کامبوج بین نیروهای آمریکایی در برابر نیروهای کمونیستی برقرار شد. در پایان، امریکا در هر ۳ جبهه، جنگ داخلی لائوس، جنگ داخلی کامبوج و جنگ ویتنام شکست خورد و همهٔ این کشورها حکومتهای کمونیستی پیدا کردند.

جنگ ویتنام تلفات جانی و مالی مهلک به آمریکا وارد کرد که طبق آمارها ۶۰۰۰۰ امریکایی کشته و دها تن دیگر زخمی شدند و ملیاردها دالر هزینه مالی برجای گذاشته این جنگها و فرار از ویتنام حیثیت سیاسی دولت آمریکا را سیاه ساخت و به دنیا سیاست زورگویانه و تجاوزمحور دستگاه سیاستگذاری

آمریکا را منعکس کرد، اما بار دیگر آمریکا این اشتباه را در افغانستان تکرار کرد و این دفعه به گورستان امپراتوری های بزرگ تجاوز کرد، اگر حمله به ویتنام حمله به کمونیسم بود میتوان گفت که حمله به افغانستان حمله به امت اسلامی و مجاهدین متدین بود.

افغانستان به اعتراف سربازان غربی اسفناک تر از ویتنام برای متجاوزین غرب بوده است ،در اشغال ویتنام قدرت های سیاسی کوچکی اشتراک داشتند اما در اشغال افغانستان قدرت های بزرگ سیاسی غرب اشتراک داشتند از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان ...

ختم جنگ و اخراج غربی ها از هر کشور مستقلی به دست ملت آزادیخواه آن کشور چیز حتمی است اما تنها چیزی که از جنگها باقی می‌ماند خاطره های تلخ سربازان اشغالگر و بیماری های روانی شان میباشد.

در اینجا خاطره یک سرباز جرمنی را که با خبرگزاری دویچه وله فارسی مصاحبه کرده است را می‌آورم مارکوس کرویتسر، یکی از سربازان جرمنی است که بعد از حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ به افغانستان اعزام شد. البته «مارکوس کرویتسر» اسم اصلی او نیست و او

نمی خواهد اسم واقعی اش را فاش کند.
او به این نظر است که می تواند با نام مستعار خاطرات اش را به عنوان عضو نیروی فرماندهی ویژه جرمنی، به صورت واضح بازگو کند.
کرویتسر پنج بار برای خدمت در نیروی فرماندهی ویژه جرمنی (ک. اس. ک.) در افغانستان حضور داشته است. او نخست بعد از حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ به افغانستان اعزام شد تا مواضع شبکه القاعده را شناسایی کند و بعد به همرزمان اش در آن باره گزارش دهد تا به این وسیله هدف های خود را از طریق هوا مورد حمله قرار بدهند.
بعدها وظیفه او تامین امنیت راه برای دیگر سربازان بود. بعد از آن مارکوس کرویتسر به آموزش سربازان جوان به منظور آماده شدن برای عملیات افغانستان موظف شد. اندکی بعد او متوجه شد که قادر به اجرای این وظیفه نیست.
خودش در این باره می گوید: «من از یک انسان خوش برخورد و خوشبین، به یک انسان منفی باف تبدیل شدم و زمانی رسید که نمی توانستم به سربازان نگاه کنم. من نمی توانستم دیگر به آنها آموزش بدهم، چون می دانستم که در نهایت، آنها در تابوت به خانه بر می گردند. من به صورت ساده ترس داشتم که آنها را به جنگ بکشانم.»
پس از این که یکی از روسای مارکوس متوجه وخامت حال او شد، به او توصیه کرد که از کادر نیروهای ویژه خارج شود. یک داکتر ارتش فدرال جرمنی او را به یک روانشناس معرفی کرد که گفت مارکوس دچار اختلالات روانی شده است. اشخاصی دچار این بیماری می شوند که یک حادثه غیرقابل منتظره و شوک آور را تجربه کنند. ارتش فدرال جرمنی هرساله شمار بیشتری از اشخاص مبتلا به این بیماری روانی را اعلان می کند.
شمار سربازانی که به چنین بیماری مبتلا شده اند، بیش از ۹۲۲ تن گفته شده است. موسسه‌های امدادی مانند اتحاد کهنه سربازان جرمنی براین عقیده اند که شمار این افراد به مراتب بیشتر است.
نتیجه گیری مارکوس کرویتسر از ماموریت در افغانستان بسیار تلخ است: «سیاستمداران زندگی سربازان را به خاطر هیچ و پوچ خراب کردند. در مجموع ما در این



کشور (افغانستان) هیچ چیزی را تغییر ندادیم. ما از این جا می رویم و سال بعدش کشور دوباره به دست طالبان می افتد!»
مفهوم تویت یک عسکر پیشین بریتانیایی :
هرگاه کودکی را در کنار جاده هلمند دیدیم، نفس راحت کشیدیم و با خود تخمین زدیم که تا ۵۰ متری انفجار ماین رخ نمی دهد.
زیرا آن ها (طالبان) از ترس زخمی شدن این کودک، ما را هدف قرار نمی دهند.
هزاران خاطره و اعتراف تلخ دیگر در رسانه ها و وبسایت های گوناگون موجود میباشد.
امروز افغانستان تقریباً از دوجهت در اختیار غرب و اداره اجیر کابل میباشد:
۱ کانال های مختلف تلویزیونی
۲ تسلط تقریبا هوایی
جنگ ها در زمین پیروز میشوند نه در آسمان و این مطلب را کارکشته های نظامی و سیاست گذاران آمریکایی خوب میدانند و بارها به آن اعتراف کردند چنانچه جوزف دانفورد، رئیس ستاد ارتش آمریکا می گوید راه حل نظامی برای پایان جنگ افغانستان وجود ندارد و طالبان نیز در جنگ «شکست نمی‌خورند.»
جوزف دانفورد که بتاریخ (شنبه ۲۶ عقرب ۱۳۹۷) در نشست بین‌المللی امنیتی هالیفاکس در کانادا صحبت می‌کرد گفت که راه حل نظامی برای پایان جنگ افغانستان وجود ندارد و «گروه طالبان نیز برای فعلا شکست‌ناپذیر است.»
این مقام ارشد آمریکایی افزود: «این منصفانه است که بگوییم، طالبان اکنون در جنگ شکست نخواهند خورد.»



۲۰۱۹ میلادي کال له نظامي نقطۀ نظره

حبیب مجاهد

پـای تـه رسـیدلی ۲۰۱۹ میـلادي کال د امریکایـي اشـغال اتلسـم کال و، چـې د پخوانیـو کلونـو پـه څیر پـه دې کال کـې هـم د جهـاد سـنګرونه ګـرم او مجاهدینـو پـه بیلابیلـو برخـو کـې پـه دښـمن ځپونکي ګوزارونـه تـرسره کـړل.

څرنګـه چـې د تیـر کال د ټولـو جهـادي پیښوشـمیر تـر زرګونـو رسـیږي نـو ځکـه پـه دې لنـډه لیکنـه کـې نـه شـو کـولای ټولـو مهمـو پیښـو او فتوحاتـو تـه اشـاره وکـړو. امـا د دې لپـاره چـې د کال یـو فـی الجملـه جهـادي تصویـر مـو ستاسـو مخـې تـه ایښـی وي نـو ځینـو سـترو جهـادي لاسـته راوړنـو او عمـده پرمختګونـو تـه ستاسـو توجـه را اړوو، چـې د مجاهدینـو پـه بریـا او د دښـمن پـه زبـون حالـې دلالـت کـوي.

پـه تېـر کال کـې یـوه سـتره بریـا د مجاهدینـو لخـوا پـه بیلابیلـو ولایتـو کـې د لسـګونو ولسـوالیو او ګـڼ شـمیر پراخـو ولـس میشـتو سـیمو فتوحـات و. مجاهدیـن د اللـه تعالـی پـه نـصرت وتوانیـدل چـې د هیـواد پـه مختلفـو سـیمو کـې سـلګونه کلي، ښـارګوټي، مهمـې لارې او ښـارونو تـه څیرمـه سـیمه د دښـمن لـه شـتون څخـه تصفیـه او د سـپین محمـدي بیـرغ تر سـایه لاندې راولي. پـه تېـر کال مجموعـا د اتـه ویشـت ولسـوالیو مراکـز فتحـه شـوي دي چـې نوموونـه یـې پـه دې ډول دي د کندهــار معــروف، د زابـل دایچوپـان، میزانـه، ارغنـداب او نوبهـار، د بدخشـان ارغنجخـواه، کـران و منجـان، د غـزني ګیـرو، د غـور چارسـده، د بادغیـس مرغـاب، د روزګان چارچینـې، د تخـار خواجـه غـار، چـاه آب،درقـد او بهـارک، د فاریـاب قرغـان او قرمقـل، د سـمنګان دره صـوف،د بلـخ زارع، د کـنـدز دشـت ارچي،خـان ابـاد او قلعـه زال، د فـراه انـاردره او بـالا بلـوک،د بغـلان ګـذرګاه نـور،د جوزجـان قوشـتیپه او درزاب او د پکتیـکا خوشـامند.

د ولسـوالیو لـه فتوحاتـو عـلاوه پـه تیـر کال مجاهدینـو



د ځانګړو لیزري عملیاتو او تهاجمونو په پایله کې د دښمن سلګونه پوستې هم له منځه وړې چې په کې د دښمن عسکرو ته درانه ځاني زیانونه رسیدلي دي.
له پوستو علاوه په تیر کال کې د دښمن ۹۱ لوی پوځي مراکز یا قرارګاوې هم فتحه شوي دي. په دې قرارګاوو کې ځینې یې داسې دي چې د دښمن لسګونه عسکر په کې تسلیم او ټول پوځي امکانات یې د مجاهدینو لاس ته ورغلي دي.
په تیر کال کې مجاهدینو په ځانګړي ډول په تخار، بغلان، کندز او زابل ولایاتو کې د پام وړ پرمختګونه درلودل. په تخار کې مجاهدینو ګڼې ولسوالۍ ونیولې او د تالقان ښار تر دروازو ورسیدل. په کندز او بغلان کې مجاهدینو د ولایت په مراکزو هم حملې وکړې او ډیرې برخې یې تر تصرف لاندې راوستې چې دښمن یې سخت وارخطا کړ.
په تیر ۲۰۱۹ میلادي کال کې د مجاهدینو لخوا د ګڼو تهاجمي او فدایي بریدونو نه علاوه ۳۳ نفوذي عملیات هم ترسره شوي چې دښمن ته یې درانه تلفات درلودلي. دغه نفوذي عملیات زیاتره د هغو نفوذي مجاهدین لخوا انجام شوي چې د دښمن په لیکو کې یې ځای موندلی او بیا یې له فرصت نه په استفاده د دښمن په مراکزو کې په بریدلاس پورې کړي، عسکر یې وژلي او ځانونه یې د مجاهدینو تر واک لاندې سیمو ته رسولي دي.
په تیر کال کې په کابل، بګرام، کندهار، لوګر، هلمند، کندز او نورو سیمو کې په خارجي یرغلګرو هم درانه بریدونه ترسره شوي دي او دغه کال په خاص ډول خارجي یرغلګرو ته یو خونړی او له ډیرو تلفاتو سره مل کال و .
په تیر کال کې د مجاهدینو یوه بله مهمه بریا د داعشي فتنې محو کول وو. داعشي خوارج چې د هیواد په ختیځ ننګرهار ولایت کې یې د سپین غر په پیچلو سیمو کې ځالې جوړې وې او له تیرو څو کلونو یې نه یوازې په مجاهدینو بریدونه کول بلکې د بې ګناه ولسي وګړو وینې یې هم بهولې. مجاهدینو د الفتح عملیاتو په لړ کې د داعش په ځالو عملیات ترسره کړل.
سره له دې چې داعشي خوارجو د څو کلونو په ترڅ کې خپله دفاع محکمه کړې وه، ساحه غرنۍ او ځنګلزاره وه او په مجاهدینو امریکایانو هم بریدونه کول. خو بیا هم مجاهدین د الله تعالی په نصرت وتوانیدل چې داعش ته بشپړ شکست ورکړي او بالاخره د ننګرهار شیرزاد، خوګیاني، پچیراګام،هسکه مینه، سپین غر او اچین ولسوالۍ په بشپړ ډول له داعشه تصفیه او شتون ته یې د پای ټکی کیښودل شو.
لوړ اجمالي تصویر ته په کتلو راته څرګندیږي چې تېر میلادي کال هم د پخوا په شان له فتحو او بریاوو سره مل وو. په دې کال کې که څه هم په میډیا کې د سولې او سیاسي مذاکراتو پروسه خبرسازه وه او د اسلامي امارت دیپلوماتانو په کې د پام وړ لاسته راوړنې درلودې. اما له سیاسي هڅو سره په څنګ کې نظامي ډګر هم تود و چې دښمن یې په هر ځای کې شاتګ ته مجبور کړی و.



درس های آموخته شده یا تاریخ مخفی رسوایی ها

(نگاهی به اسناد افشا شده جنگ امریکا در افغانستان از سوی واشنگتن پوست)

حبیبی سمنگانی

طولانی ترین و پر هزینه ترین جنگ در تاریخ امریکا وارد سال نزدهم شده است. افغانستانِ بی نوا و بی چاره به گرداب مهیب و خطرناکی برای اَمریکایی ها تبدیل شده است. هر اندازه که امریکایی ها بر حضور نظامی خود در افغانستان اصرار می ورزند، درین منجلاب هولناک فروتر می روند. شائبه ای باقی نمانده است که امپراتوری مدرن عصر با ناکامی فضیحت باری در تسخیر گورستان امپراتوری ها، رو برو شده است. سطوت و هیبت دو دهه پیش امریکای ابر قدرت، تارومار شده است. داستان ناکامی و رسوایی امریکا در برابر افغان های ناتوان و تهیدست، چهره مغرور امریکایی ها را شرمنده و افکنده می سازد.

روزنامه واشنگتن پست، یکی از مهم ترین، پرسابقه ترین و پرفروش ترین روزنامه های امریکایی، روز دوشنبه ۹ دسمبر ۲۰۱۹ خبر داد که پس از مبارزه تقریبا سه ساله در دادگاه فدرال امریکا، بالاخره توانسته است با استفاده از «قانون آزادی اطلاعات» به اسناد محرمانه دو هزار صفحه ای جنگ امریکا در افغانستان، دست یابد. این اسناد که در مطبوعات به اسناد افغانستان (Afghanistan Papers) یاد می شود، بعضی ها آن را «تاریخ مخفی» جنگ امریکا در افغانستان و یا هم تاریخ مخفی رسوایی های امریکا، خوانده اند. این اسناد در حقیقت مجموعه تحقیقات سیگار یا اداره سرمفتش ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان است، که «درس های آموخته شده» (Lessons Learned) نام داده شده است.

سیگار چیست ؟

سیگار خود را چنین معرفی می کند : «کنگره ایالات متحده امریکا، اداره سیگار را به منظور نظارت عینی و مستقل از پروژه ها و فعالیت های بازسازی افغانستان در سال ۲۰۰۸ به اساس حکم ماده ۱۲۲۹ قانون مجوز دفاع ملی امریکا ایجاد کرد. اداره سیگار به منظور ارتقا، موثریت و مثمریت در برنامه های بازسازی افغانستان و شناسایی و جلوگیری از ضیاع پولی، تقلب و سوء استفاده مالی تاسیس گردیده است».

بارک اوباما در سال ۲۰۱۲ میلادی جان ایف سوپکو را، که تجربه بیش از ۳۰ ساله در زمینه نظارت گری و تحقیقات به عنوان دادستان، مشاور کنگره و مشاور ارشد دولت فدرال دارد، به حیث سرمفتش ویژه مقرر نمود. جان سوپکو پس از انتصاب به این مقام، چندین بار به نمایندگی از سیگار به کنگره امریکا پیش شد. گذارشات سیگار با آمدن سوپکو رونق دیگری گرفت و انکشافات روز افزون آن برای مقامات امریکایی و اداره فاسد کابل به دردسر تبدیل شد. حتی نوبت به اینجا رسید که پنتاگون در اوائل سال ۲۰۱۸ به خواست مقامات کابل، بر سیگار محدودیت وضع کرد که نمی تواند آمار تلفات عساکر اداره کابل را نشر کند.

اداره سیگار از اکتوبر ۲۰۰۸ تا اکتوبر ۲۰۱۹ میلادی چهل و پنج (۴۵) راپورهای سه ماهه را به کنگره امریکا پیش کرده است.

قابل ذکر است که ایالات متحده امریکا می گوید که از

فبروری ۲۰۰۲ تا پایان سپتمبر ۲۰۱۹ در مجموع ۱۳۲.۵۵ ملیارد دالر دالر را برای کمک و بازسازی افغانستان در چهار مورد تخصیص داده است، که عبارت اند از :

- ۸۲.۵۵ ملیارد دالر برای امنیت (یعنی ایجاد، تربیه و تقویه ارگان های نظامی رژیم دست نشانده)
- ۳۴.۴۶ ملیارد دالر برای مدیریت و توسعه
- ۳.۸۵ ملیارد دالر برای کمک های بشردوستانه
- ۱۱.۷۰ ملیارد دالر برای عملیات های ملکی

سیگار و «درس های آموخته شده» :

شکست امریکا در افغانستان خبر تازه ای نیست که اسناد محرمانه دو هزار صفحه ای ازان پرده برداشته باشد، بلکه مقامات بلندرتبه ملکی و نظامی امریکا از چندین سال به اینسو بر ناکامی خود در افغانستان اعتراف داشته اند. بارک اوباما در یکی از آخرین سخنرانی های خود به حیث رئیس جمهور امریکا در ٦ دسمبر ۲۰۱٦ به صراحت پذیرفت که «امریکا نتوانست طالبان را شکست بدهد» . همچنان جوزف دانفورد، رئیس ستاد ارتش امریکا در نومبر ۲۰۱۸ اعتراف کرد که امریکا قادر به شکست طالبان در افغانستان نیست. دونالد ترامپ، رئیس جمهور کنونی امریکا نیز در کمپاین های انتخاباتی خود در ۲۰۱٦ و پیش ازان، جنگ افغانستان را ناکام و بی فایده می خواند. دانیل بولگر، مصنف، مؤرخ و جنرال متقاعد امریکایی در سال ۲۰۱۴ کتابی در مورد شکست امریکا در عراق و افغانستان نوشت و آن را نام گذاشت «ما چرا باختیم ؟» (Why We Lost ?) .

واقعیت اینست که حتی از پیش از اعترافات صریح و واضح این مقامات امریکایی، بسیاری امریکایی ها در اوائل دهه دوم قرن جاری میلادی درک کرده بودند که هرگز برنده جنگ در افغانستان نمی شوند. همان بود که جان سوپکو، که ماموریت بررسی دلائل ناکامی طولانی ترین جنگ تاریخ امریکا را به عهده دارد، در سال ۲۰۱۴ تصمیم گرفت که باید تحقیقات مفصل و فراگیری را برای دانستن دلایل ناکامی امریکا در افغانستان انجام بدهد. سیگار بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، با ۴۲۸ مقامات دولتی و مسئولان نظامی امریکا در افغانستان و بعضی مقامات اداره کابل، مصاحبه های را انجام داد که تحت عنوان «درس های آموخته شده» ثبت و جمعآوری شده است. درس های آموخته شده پروژه ویژه ای بود که یازده ملیون دالر هزینه کرده است. البته، سیگار همه نیرویش را به خرج داد تا از عام شدن این اسناد جلوگیری کند.

تلاش های واشنگتن پوست برای به دست آوردن «درس های آموخته شده» :

واشنگتن پوست در تابستان سال ۲۰۱٦ نکاتی را دریافت کرد که مایکل فلِن، ژنرال بازنشسته امریکایی، مصاحبه طولانی را در سلسله پروژه «درس های آموخته شده» به دفتر سیگار در مورد جنگ افغانستان داده، که هرگز منتشر نشده است. فلِن کسی بود که در منطقه جنگی به عنوان رئیس اطلاعات ارتش وظیفه انجام داده بود. واشنگتن پوست می گوید : آنچه او در مورد طولانی ترین جنگ نظامی امریکا گفته بود، چیزی بود که باید مردم امریکا می دانستند و ازان خبر می شدند.

همان بود که واشنگتن پوست به تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱٦ بر اساس قانون آزادی اطلاعات (Freedom of Information Act) به سیگار درخواست داد تا متن، کلیپ های ضبط شده و دیگر اسناد مصاحبه فلِن را در دسترس روزنامه قرار دهد، به گفته روزنامه ؛ کارمندان سیگار در ابتدا برخورد مناسب داشتند و گفتند شاید این مصاحبه در هفته های آتی نشر گردد. اما پس از اینکه ترامپ به تاریخ ۸ نومبر در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد، وکلای سیگار از پاسخ دادن به تماس های تلفونی و ایمیل های خبرنگار واشنگتن پوست خودداری کردند و سخنگوی «سیگار» شکایت کرد که او از سوی وکلای این اداره در تاریکی گذاشته شده است (یعنی معلومات درست ندارد).

پس از چند هفته، فلِن از سوی ترامپ به عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب شد. فردای انتصاب فلِن، سیگار به این نتیجه (یا بهانه) رسید که با استناد به اَصل «پروسه مشورتی» (deliberative process) نمی تواند مواد مصاحبه فلِن را عام کند. این فیصله منجر به آغاز جنگ تقریبا ۳ ساله عدلی بین واشنگتن پوست و سیگار شد.

واشنگتن پوست می گوید : تلاش های ما برای به دست آوردن اسناد افغانستان نشان می دهد که به دست آوردن اطلاعات عمومی از دولت برای روزنامه نگاران -یا هر شهروند- چقدر دشوار است. هدف از «قانون آزادی اطلاعات» نظارت مردم بر ارگان های فدرال است، اما مقاماتی که مصمم هستند روح این قانون را بشکنند، می توانند درخواست های مردم را سال ها پشت سر بیاندازند، تا اینکه درخواست دهندگان دست بردار شوند.

ناکامی امریکا در جنگ افغانستان انکشاف تازه ای نیست. آنچه این اسناد را مهم تر ساخته است دروغ های شاخدار و مکرر مقامات امریکایی است که با کمال چشم سفیدی برای پنهان داشتن حقائق و گمراه ساختن مردم خود و جامعه جهانی در قبال این جنگ، ابراز داشته اند.

واشنگتن پوست می گوید : تلاش های ما برای به دست آوردن اسناد افغانستان نشان می دهد که به دست آوردن اطلاعات عمومی از دولت برای روزنامه نگاران – یا هر شهروند- چقدر دشوار است. هدف از «قانون آزادی اطلاعات» نظارت مردم بر ارگان های فدرال است، اما مقاماتی که مصمم هستند روح این قانون را بشکنند، می توانند درخواست های مردم را سال ها پشت سر بیاندازند، تا اینکه درخواست دهندگان دست بردار شوند.
واشنگتن پوست در مارچ ۲۰۱۷ درخواست دیگری داد که باید صدها مصاحبه های را که گفته می شود سیگار در مورد جنگ افغانستان با چهره های سهیم دران جنگ انجام داده است، در اختیار این روزنامه قرار دهد. در مدت تقریبا سه سال اخیر، ماجراهای زیادی درین جدال رخ داده است که دامنه کوتاه این مقاله گنجایش ذکر آن را ندارد.
به هر حال، دادگاه فدرال امریکایی پس از نزدیک به سه سال مطالبه واشنگتن پوست را بر حق دانست و حکم صادر کرد که باید اسناد خواسته شده در اختیار روزنامه قرار بگیرد. البته، چون دولت امریکا با افشای هویت مصاحبه شوندگان مخالفت داشت، واشنگتن پوست بر مبنای قانون حمایت از افشاگری، از میان تمام مصاحبه شوندگان تنها به نام ٦٨ تن دسترسی یافت.
مقامات ملکی و نظامی امریکایی به امید اینکه هیچگاه هویت شان افشا نخواهد شد، نظریات خود را درین مصاحبه ها در مورد استراتژی های نادرست جنگی امریکا در افغانستان به صراحت ابراز داشته اند. واشنگتن پوست می گوید که ۳۰ مصاحبه را حرف به حرف در اسناد دو هزار صفحه ای خود جا داده و مابقی اقتباسات و چکیده های است از اقوال مصاحبه شوندگان.
ناگفته نماند که واشنگتن پوست، بر علاوه ازین مصاحبه ها، به هزاران یادداشت های رامسفیلد، وزیر دفاع ایالات متحده امریکا در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰٦، نیز دست یافته و آن را درین اسناد گنجانیده است.

چندی از درس های آموخته شده :

چنانچه پیشتر تصریح شد ناکامی امریکا در جنگ افغانستان انکشاف تازه ای نیست. آنچه این اسناد را مهم تر ساخته است دروغ های شاخدار و مکرر مقامات امریکایی است که با کمال چشم سفیدی برای پنهان داشتن حقائق و گمراه ساختن مردم خود و جامعه جهانی در قبال این جنگ، ابراز داشته اند. نیز اسناد روشن می سازد که امریکایی ها با چه کوتاه بینی و درک سرسری وارد خارزار افغانستان شدند. چنانچه داگلاس لوت، ژنرال سه ستاره ارتش که در دولت بوش و اوباما مسئول جنگ افغانستان در کاخ سفید بود، در مصاحبه خود در سال ۲۰۱۵ گفته است : « ما از فهم بنیادین در مورد افغانستان تهی بودیم. نمی دانستیم چه کاری می‌کنیم. مبهم ترین فهمی از این موضوع نداشتیم» .
واشنگتن پوست می گوید : «مقام های ارشد ایالات متحده در طول جنگ ۱۸ ساله در افغانستان، حقایق را پنهان کرده اند. آن ها اظهاراتی خوش رنگ و لعاب مطرح کرده اند، حالانکه می دانسته اند گفته های شان درست نیست و مدارکی را پنهان کرده اند که جای تردیدی باقی نگذاشته بود که این جنگ، پیروز ناشدنی شده است» .
همچنان این اسناد واضح می سازد که مقامات امریکایی که در جریان هجده سال همواره ادعا می کردند که جنگ به خوبی پیش می رود، کاملا دروغ می گفتند.
در سطور ذیل، مشت نمونه خروار بخش های از «درس های آموخته شده» را نقل می کنیم.
جفری اگرز، از مقام های کاخ سفید در دولت بوش و اوباما، گفته است : «ما در قبال این تلاش یک تریلیون دالری چه به دست آورده ایم ؟ آیا این جنگ ارزش یک تریلیون دلار را داشت ؟ پس از کشته شدن رهبر القاعده اسامه بن لادن، من گفتم که شاید او در قبر زیر آب خود، به این هزینه ای که ما کرده ایم، می خندد».
جیمز دوبینز، دیپلمات پیشین امریکایی که در دولت های بوش و اوباما نماینده امریکا در امور افغانستان بود، در مصاحبه خود می گوید : «ما به کشورهای فقیر حمله نمی‌کنیم تا آن ها را ثروتمند کنیم. ما به کشورهای استبدادی حمله نمی‌کنیم تا آن ها را دموکراتیک کنیم. ما به کشورهای خشن حمله می‌کنیم تا آن‌ها را آرام کنیم. روشن است که در افغانستان در تحقق این هدف شکست خوردیم».
مایکل فلن می گوید : از سفیران می شنویم که ایالات متحده ماموریت هایش را عالی انجام می دهد. اما آیا

واقعاً چنین است ؟ اگر چنین است، پس چرا ما حس می کنیم که ناکام می شویم ؟
بعضی از کسانی که مصاحبه داده اند به این باور هستند که تغییر در آمار و ارقام جنگ، اقدام عمدی برای فریب دادن افکار عمومی امریکایی ها بود. گویا آمار تلفات امریکایی ها، نظامیان ناتو و اداره کابل هیچگاه به گونه واقعی نشر نمی شد.
چنانچه باب کراولی، از مشاورین پیشین نظامیان امریکایی، می گوید : آمار و جزئیات به هدف اینکه تصویر بهتری از اوضاع جنگ ارائه شود، تغییر داده می شد. او می گوید : نظرسنجی ها کاملا غیر قابل اتکا بود، اما نتایج آن ها با این هدف منتشر می شد که احساس کنیم هر کاری می کنیم درست است.
دولت های امریکا همواره تقویت نیروهای نظامی اداره کابل را بر سر زبان داشته اند و چنین نشان داده اند گویا ایستاده نمودن ارگان های امنیتی رژیم کابل بر پای خود، از اهداف عمده حضور آن ها در افغانستان است.
اما اسناد واشنگتن پوست حکایت متضادی دارد. به گفته این روزنامه : واشنگتن نیروی نظامی افغانستان را ضعیف، ناتوان و مملو از فراری ها می دانسته و معتقد بوده که فرماندهان ارتش افغانستان با آمارسازی، پول های هنگفتی به جیب می زنند.
مقامات امریکایی در جریان مصاحبه های خود نیروهای اردو و پولیس اداره کابل را به القاب زشت و اهانت آمیز یاد کرده اند. به گفته یکی از افسران امریکایی : ثلث نیروهایی که جذب پولیس افغانستان شده‌اند «یا معتاد هستند و یا هم عضو طالبان». افسر دیگر امریکایی آن ها را «احمق های دزد» خطاب می کند که جز دزدیدن تیل دیگر هنری ندارند. همچنان یک مقام ارشد دولتی گفته است : این تصور ما، که ارتش توانمندی را در افغانستان ایجاد می توانیم، احمقانه بود.
مقامات امریکایی در مصاحبه های شان پذیرفته اند که تهاجم آن ها بر افغانستان بار دیگر بازار تولید مواد مخدر در افغانستانرا گرم ساخت (بازاری که در زمان طالبان محو شده بود). داگلاس لوت، نماینده کاخ سفید در امور افغانستان در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳، می گوید : «ما اعلام کردیم که هدف ما ایجاد یک «اقتصاد شکوفای بازار» است. اما با خودم فکر می‌کردم که باید مشخصا می‌گفتیم «بازار شکوفای مواد مخدر». چون این تنها بازاری بود که پس از آمدن ما در افغانستان رونق گرفت.

باب کراولی، از مشاورین پیشین نظامیان امریکایی، می گوید : آمار و جزئیات به هدف اینکه تصویر بهتری از اوضاع جنگ ارائه شود، تغییر داده می شد. او می گوید : نظرسنجی ها کاملا غیر قابل اتکا بود، اما نتایج آن ها با این هدف منتشر می شد که احساس کنیم هر کاری می کنیم درست است.

درس های آموخته شده و اسناد پینتاگون :

بعضی ها این اسناد را به اسناد جنگ ویتنام مقایسه می کنند، که به اسناد پینتاگون (Pentagon Papers) یاد می شود. اسناد پینتاگون از سوی دانیل السبرگ (Daniel Ellsberg) در سال ۱۹۷۱ در نیویارک تایمز، واشنگتن پوست و دیگر روزنامه هایی امریکایی منتشر شده بود. آن شامل هفت هزار اسنادی بود که نشان می داد مقامات امریکایی دران جنگ طولانی و ویرانگر نیز حقایق را از مردم خود پنهان داشته اند.
قابل ذکر است که امریکا در دهه شصت و هفتاد میلادی در جنگ ویتنام نیز با شکست ذلت آمیزی رو برو شده بود. گفته می شود که دران جنگ بیش از ٦٠ هزار امریکایی کشته و ۳ صد هزار نفر دیگر امریکایی زخمی شده بودند.
واشنگتن پوست می نویسد : مقامات امریکایی در ابتدای جنگ کنونی، همواره مقایسه جنگ افغانستان با ویتنام را به تمسخر می گرفتند و قاطعانه به خبرنگاران می گفتند که امریکا قطعا در افغانستان پیروز می شود. با این وجود، با طولانی شدن جنگ، هراس از تبدیلی افغانستان به ویتنامی دیگر، درمیان مقامات امریکایی شیوع یافته است.
روزنامه می گوید : مقامات ارشد پینتاگون گزارش های را از اوضاع ناگوار جنگ افغانستان دریافت می کرد، اما آن را از نگاه مردم امریکا پنهان می داشت و تصویر دیگری را ترسیم می کرد. آن ها در سخنرانی های شان به اتفاق همدیگر همواره از «پیشرفت» حرف می زدند. در حالیکه تلفات امریکایی ها روز بروز افزایش می یافت.
باب کراولی، مشاور پیشین نیروهای امریکایی، می گوید: در مقر ارتش امریکا در کابل، به ندرت از واقعیت استقبال می شود».
واشنگتن پوست می گوید که «جنگ هجده ساله امریکا تا هنوز ۱۵۷ هزار قربانی گرفته است. ۲۳۰۰ نظامیان امریکایی، ۳۸۱۴ قراردادی های امریکایی و ۱۱۴۵ عساکر ناتو و ائتلافی درین جنگ کشته شده اند». در حالیکه آمار واقعی یقینا ازین هم بالاتر است.



فضیلت و اهمیت صبر در اسلام

سعید بدخشانی

دنیا جای امتحان و آزمایش است، در این گیتی بر انسان حالات گونا گونی عارض می شود، گاهی مصیبت ها واندوه، و گاهی هم خوشحالی و نعمت ها، البته شریعت در هر حال به انسان یک دستورالعمل داده و رهنمایی نموده است که در هنگام مسرّت شکر وسپاس الله را بجا بیاورد و به زبان، ثنای خدا را بگوید و این نعمت عظیم (لسان) را در اعمال و کارهای نا جایز استعمال نکند. باز الله سبحانه وتعالی برای انسان در صورت ادای شکر وعده ازدیاد نعمت کرده است، الله می فرماید:

«ولئن شکرتم لأزیدنکم ولئن کفرتم إن عذابی لشدیدٌ» سوره ابراهیم،آیه ۷

ترجمه:اگر شما شکر گزاری (مرا) نمودید من برای شما دیگر (نعمت ها) را میدهم، و اگر شما (مرا) ناسپاسی کنید بیشک عذاب من بسیار سخت است.

وقتیکه بر یک انسان مصیبت و یا غم بیاید (مثل اینکه خویشاوندان و نزدیکان کسی وفات کند، مریض شود، به فقر، فاقه و غربت مواجه شود، دچارنقصانات مالی گردد، خوف دشمن بر وی پیش بیاید، و یا در زراعت، فصل و میوه جات آن کمی و کاستی بیاید)

در چنین حالات نیز شریعت غـرّای محمدی صل الله علیه وسلم انسان را هدایت نموده و آنرا به استقامت و به رجوع به الله حکم می کند.

«ولنبلونکم بشی ءٍ من الخوف والجوع ونقصٍ من الاموال والانفس والثمرات وبشرالصّابرین» سورةٌ بقره آیة۱۵۵)

ترجمه: خامخا امتحان می کنیم شما را به چیزی از خوف، گرسنگی، و نقصانات در مال، نفس و میوه ها،ای (پیامبر) مژده بدهید صبرکنندگان را.

درهر کار مؤمن خیراست

الله رب العزت برای مؤمن چنان شان امتیازی عطا نموده است اگر به شریعت عمل کند در هرکار آن خیر خواهد بود.پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم این شان امتیازی مومن را چنین بیان می کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّه -صلى الله عليه وسلم- « عَجَبًا لأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لأَحَدٍ إِلاَّ لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ ». رواه مسلم

ترجمه: تعجب است بحال مؤمن،بیشک در هر کار

آن خیر است، واین شان (امتیاز) فقط برای مومن می باشد،اگر برای وی خوشحالی ومسرت برسد وآن شکر الله را بجا بیاورد اینهم برایش خیر است ،واگر برایش ضرر برسد وبرآن صبرکند اینهم برای وی خیر می باشد.

به هرانسان امتحانات ومصائب می آید

انسان همیشه به یک حالت نمی باشد بلکه بروی مختلف آزمایشات می آید. پس وقتیکه تکالیف، مصیبت و امتحانات بضرور بر هر انسان می آید بناء باید برآن صبر کند وبسوی الله متوجه شده و تصور کند که از طرف کدام خالقی که برای من نعمت های بی شمار می رسد اگر حالا کدام مصیبت وتکلیف از سوی آن ذات می آید صبر باید کرد.

فضایل وفوائد صبر

درقرآن کریم واحادیث فضایل وفواید زیاد برای صابرین ذکر شده است، تا اینکه امام غزالی رحمه الله درکتاب خود(احیاالعلوم) ذکر نموده است که الله جل جلاله تذکره صبر را چیزی بالا(۷۰) بار ذکر کرده است.ازین هم فضیلت واهمیت صبر را میتوان اندازه گیری کرد.

مشت نمونه خروار چند فضایل عمده صبر بیان می شود.

پاداش بی حساب برای صبرکننده

اول فضیلت صبر برای صابر در برابر مصیبت ها وتکالیف اینست که در روز قیامت برایش مزد وپاداش بی حساب داده می شود.

نبی کریم صلی الله علیه وسلم می فرماید: وتنصب الموازین یوم القیامة فیؤتی بأهل الصلاة فیوفون أجورهم بالموازین ویؤتی بأهل الصیام فیوفون أجورهم بالموازین ویؤتی بأهل الصدقة فیوفون أجورهم بالموازین ویؤتی بأهل الحج فیوفون أجورهم بالموازین ویؤتی بأهل البلاء فلا ینصب لهم میزان ولا ینشر لهم دیوان ویصب علیهم الأجر صبا بغیر حساب حتی یتمنی أهل العافیة أنهم کانوا في الدنیا تقرض أجسادهم بالمقاریض بما یذهب به أهل البلاء من الفضل وذلك قوله (إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب).

***** شریعت در هر حال به انسان یك دستورالعمل داده و رهنمایی نموده است که در هنگام مسرّت شکر وسپاس الله را بجا بیاورد و به زبان، ثنای خدا را بگوید و این نعمت عظیم (لسان) را در اعمال و کارهای نا جایز استعمال نکند.**

***** انسان همیشه به یك حالت نمی باشد بلکه بروی مختلف آزمایشات می آید. پس وقتیکه تکالیف، مصیبت و امتحانات بضرور بر هر انسان می آید بناء باید برآن صبر کند وبسوی الله متوجه شده و تصور کند که از طرف کدام خالقی که برای من نعمت های بی شمار می رسد اگر حالا کدام مصیبت وتکلیف از سوی آن ذات می آید صبر باید کرد.**

ترجمه: در روز قیامت ترازوی انصاف نصب می شود و نمازگزاران را آورده می شود وبرای آنها موافق عبادت اجر وپاداش پوره پوره داده می شود، باز روزه داران را آورده می شود و اجر شان را با وزن پوره داده می شود باز صدقه دهنده و حج کنندگان آورده می شوند برای آنها نیز مزد شان پوره داده می شود، باز مردمی آورده می شود که در مقابل مصیبت ها وتکالیف صبر نموده بودند نه برای آنها ترازو نصب می شود ونه اعمالنامه شان نشر کرده میشود بلکه برایشان بی حساب (بی اندازه و بدون وزن) مزد و پاداش داده می شود، تا این حد که کسانیکه در دنیا به اطمنان ولذات زندگی کرده بودند تمنی وآرزو می کنند کاش در دنیا وجود واندام های ما هم با قیچی قطعه قطعه می شد که امروز برای ما هم این اجرو ثواب های (بی حساب) حاصل می شد،

زیرا الله سبحانه وتعالی خود می فرمایند: «إنمایوفی الصّابرون اجرهم بغیرحساب» سورة زمر،آیة ۱۰

ترجمه: بیشک برای صبرکنندگان مزد شان پوره وبی حساب داده می شود.







دفاع از قرآن

به نیروی ایمانی نیاز دارد

حبیبی سمنگانی

روز شنبه ۱٦ نومبر واقعه دلخراشی در نروژ، کشور جنوب غربی اروپا رخ داد. شخصی به نام لارس تورسن، در جریان تظاهراتی که از سوی تنظیم ضد اسلام و مسلمان ها به نام سیان (SIAN : Stop Islamaisation of Norway) در شهر کریستیان ساند به راه انداخته شده بود، نخست دو نسخه قرآن کریم را به زباله دانی انداخت و سپس نسخه دیگری قرآن کریم را می خواست آتش بزند، اما عمر الیاس، جوان مسلمان سوریایی نژاد از میان مردم بر او یورش برد و نگذاشت که این فعل قبیح را انجام بدهد. عمر الیاس فی الفور از سوی پولیس گرفتار شد. البته ؛ صحنه های ویدیویی رویداد و تصاویر عمر الیاس بی درنگ شبکه های اجتماعی را پر ساخت و این جوان غیور در لحظات کوتاه به قهرمان مسلمانان در سراسر جهان تبدیل شد.

لارس تورسن، عضو سازمان ضد اسلامی سازی نروژ، در اوائل ماه نومبر از راه اندازی تظاهراتی خبر داده بود. او در مصاحبه خود گفته بود که هدف اش ازین تظاهرات، آتش زدن قرآن است. چون اعلان او بازتاب گسترده ای در رسانه ها و شبکه های اجتماعی یافته بود، بر علاوه از مسیحیان متعصب شماری از مسلمانان خشمگین نیز به محل تظاهرات حاضر شده بودند. قابل ذکر است که پس از این تصمیم تنظیم سیان، زعمای مسلمانان نروژ با شاروال/شهردار، پولیس و مقامات محلی ملاقات کردند و شورای محلی اطمینان داد که ما مخالف این کار هستیم. موقف دادستان این بود که ما از نگاه قانون کسی را از تظاهرات منع نمی توانیم، مگر اینکه مرتکب کاری شود که قابل مؤاخذه باشد. اما برای تظاهرات تنظیم سیان رهنمودهای وضع شده بود و برای برگزار کنندگان گفته شده بود که قرآن را آتش نمی زنید.

عمر دهابه الیاس، که در شبکه های اجتماعی به محافظ قرآن (THE DEFENDER OF QURAN) و غازی اسلام لقب داده شده، پس از ده روز از حبس رها شد. او در صفحه فیسبوک خود می گوید که : لارس تورسن نخست به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و سلم - اهانت کرد، سپس اسلام را دین تندرو خواند و خواهان ممنوعیت آن شد. در لحظات پایانی تظاهرات، هرگاه خواست قرآن کریم را آتش بزند، ما فکر کردیم شاید پولیس عکس العمل نشان بدهد، هرگاه او قرآن را آتش زد ما باز هم انتظار داشتیم شاید پولیس دست بکار شود، پس از هفت ثانیه من بر تورسن حمله کردم و پولیس پس از ۹ ثانیه واکنش نشان داد. دانسته می شود که پولیس او را حمایت می کرد.

سازمان ضد اسلامی سازی نروژ (Stop Islamisation of Norway) در سال ۲۰۰۸ میلادی از سوی گروهی که بر ضد اسلام فعالیت می کردند آغاز شد. این تنظیم از سوی آرنی تیومر، ۸۷ ساله رهبری می شود و حدود سه هزار اعضا دارد. آرنی تیومر ایدئولوژی اسلامی را العیاذ بالله «شیطانی» توصیف می کند. اینگونه سازمان های فاشیست و متعصب با نام های مشابه تقریبا در هر کشور غربی به وجود آمده است. سازمان دیگری به نام Stop Islamisation of Europe نیز فعالیت می کند، که مرکز آن در بریتانیا است.

جامعه امروزی غرب همواره به تنوع نژادی، مذهبی و فکری باشندگان خود می بالد. اما جنبه دیگری موضوع اینست که تنها ۳٪ جمعیت ۵ ملیونی نروژ را مسلمان ها تشکیل می دهند. بنا بر آمار ۲۰۱۸ میلادی تعداد مسلمان ها در نروژ به ۱٦٦ هزار نفر می رسید. بناءً ظاهر است، هراسیدن از مسلمان های که بیش از سه در صد جمعیت

کشور نیستند، جز خصومت کورکورانه با اسلام و مقدسات و شعائر آن، چیزی دیگری نیست. مخالفان اسلام و مسلمان ها، هرگاه از آوردن دلائل قناعت بخش برای جنایت توجیه ناپذیر خود عاجز ماندند، اعتراض می کنند که مسلمانان به کشورهای اسلامی خود بروند و کشورهای خود را از نروژ آبادتر کنند. شگفت آور اینست که ۸۱۹ تن یهود در نروژ زندگی می کنند، اما هیچکسی اجازه ندارد که بر ضد هولوکاست (کشتار دسته جمعی یهود به دست آلمان نازی) دران جا حرفی بزند، چه جایی که تظاهراتی انجام بدهد. اما مردم نروژ می توانند به دین اسلام اهانت بکنند، پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - را دشنام بدهند و کتاب مقدس مسلمان ها قرآن مجید را به زباله دانی بیاندازند و آتش بزنند.

در سال ۲۰۱۰ میلادی، روزنامه «داگبلادت» کاریکاتور توهین آمیز پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - را چاپ کرد و در نتیجه هزاران تن مسلمانان نروژ دست به تظاهرات زدند و این اقدام بیشرمانه را به شدت محکوم کردند. این روزنامه نروژی کاریکاتور اهانت آمیزی را که در دهه نود میلادی از سوی یکنفر یهود ترسیم شده بود، دوباره نشر کرد. پیش ازان، در سال ۲۰۰۵ میلادی روزنامه دنمارکی «یولاندز پستن» با انتشار کاریکاتورهای موهن به ساحت پیامبر - صلی الله علیه و سلم - گستاخی کرد و آن کاریکاتورها بر علاوه از چندین کشور دیگر اروپایی از جمله فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، آلمان، هلند، سویس، لهستان و جمهوری چک، در نشریه های کشور نروژ نیز به چاپ رسید. جامعه منحط غربی در این گودال رسوایی فروتر رفتند و ۳۰ سبتمبر را به عنوان «روز جهانی توهین به مقدسات» و یا روز کفر گویی (International Blasphemy Day) اختصاص دادند. از سال ۲۰۰۹ به اینسو، این روز که مصادف است با سالگرد انتشار کاریکاتور های اهانت بار پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - در روزنامه دنمارکی، هر سال در بیشتر کشورهای اروپایی و امریکای شمالی به گونه غیر رسمی جشن گرفته می شود. این در حالیست که بر اساس کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر نظیر کنوانسیون منع و مجازات تبعیضات نژادی ژنو، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دفاع از حقوق اقلیت های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ و اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ فرد و یا نهادی حق تعرض و توهین به مقدسات دینی و اعتقادی سایرین را ندارد.

***** جامعه امروزی غرب همواره به تنوع نژادی، مذهبی و فکری باشندگان خود می بالد. اما جنبه دیگری موضوع اینست که تنها ۳درصد جمعیت ۵ ملیونی نروژ را مسلمان ها تشکیل می دهند. بنا بر آمار ۲۰۱۸ میلادی تعداد مسلمان ها در نروژ به ١٦٦ هزار نفر می رسید.**

***** جوانان دلیر همچون عمر الیاس برای نسل امروزی ما مسلمان ها درس می دهد که در هر جا می توان، حتی با دستان خالی برای پاسداری از حرمت قرآن به پا خیست و با نیروی شکست ناپذیر ایمانی از ارزش ها و باورهای مقدس خود دفاع نمود.**

اهانت به مقدسات اسلام، در گذشته عکس العمل های تند و شدیدی جهان اسلام و مسلمانان را در سرتاسر جهان در قبال داشت. اما این بار واکنش جهان اسلام به ویژه در سطح دولت ها بسیار ضعیف بود. تنها دولت های ترکیه، ایران و پاکستان واکنش رسمی نشان دادند. اما این کشورها نیز اینقدر جرات نتوانستند که حد اقل سفیر نروژ را از کشور خود اخراج کنند و یا روابط دو جانبه خود را با نروژ به تعلیق درآورند، بلکه به احضار سفرای نروژ و صدور بیانیه ها اکتفا کردند.

سازمان همکاری اسلامی (OIC) از بدو تاسیس خود در ۱۹٦۹ میلادی تا اکنون هیچ گام عملی برای دفاع از ارزش ها و مقدسات اسلام نبرداشته است. اما پس از گذشت پنج دهه، دیده می شود که این سازمان نام نهاد نه تنها از عمل، بلکه از زبان هم مانده است و یا از بیکاری زیادی، فرصتی برای صدور اعلامیه ای هم ندارد.

این نه بار اول اهانت به قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمان ها در جهان غرب بود و نه هم بار آخیر. دشمنان اسلام به تمسخر و تحقیر شعائر اسلام در اروپا و امریکا عادت کرده اند. آن ها می دانند که یک و نیم ملیارد مسلمان ها جز اینکه بی حرمتی قرآن را با اوج بیچارگی تماشا کنند دیگر چاره ای ندارند. اما جوانان دلیر همچون عمر الیاس برای نسل امروزی ما مسلمان ها درس می دهد که در هر جا می توان، حتی با دستان خالی برای پاسداری از حرمت قرآن به پا خیست و با نیروی شکست ناپذیر ایمانی از ارزش ها و باورهای مقدس خود دفاع نمود.

آزمون‌های دشوار و صلابت دینی ملت افغان

نویسنده: سادات چرخی

ملت غیور افغان در ادوار مختلف فراز و نشیب‌های زیادی دیدند که نظیر آن در جهان هنوز دیده نشده است. این فراز و نشیب دست و پنجه نرم کردن با فراعنه زمان اش بود که البته این همه آزمون های تاریخی نشان شجاعت، قوت ایمان وغیرت فطری آنان را به اثبات می رساند.

این ملت قهرمان یکبار با مغول و چنگیز ، باری با امپراطوری انگلیس، باری با قشون سرخ شوروی واکنون هم با سوپر پاور جهان (ناتو وامریکا) روبرو شدند.

درهمه ادوار شمشیر بران داشتند و با وجود خائنان داخلی از این آزمون های دشوار فاتحانه بیرون آمدند که البته ابتلای سخت این ملت نیز نشان صلابت دینی این راد مردان میباشد.

عَنْ سَعْد بن أبي وقاص رضي الله عنه قَالَ : قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّه , أَيُّ النَّاس أَشَدُّ بَلاءً ؟ قَالَ : الأَنْبِيَاءُ , ثُمَّ الأَمْثَلُ فَالأَمْثَلُ , فَيُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَب دينه , فَإِنْ كَانَ دِينُهُ صُلْبًا اشْتَدَّ بَلاؤُهُ , وَإِنْ كَانَ فِي دِينه رِقَّةٌ ابْتُلِيَ عَلَى حَسَب دينه , فَمَا يَبْرَحُ الْبَلاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَتْرُكَهُ يَمْشِي عَلَى الأَرْضِ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ رواه الترمذي برقم الحديث الصحيح (۲۳۹۸)

ترجمه: سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه میگوید پرسیدم ای رسول خدا چه کسانی از مردم مورد آزمون سخت قرار میگرند؟ فرموند: ابتلای پیغمبران از همه مردم سخت تر است و پس از آن هر که به آنها نزدیکتر باشد، مرد باندازه قوت دین خود بلا می بیند اگر دین او محکم باشد ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد باندازه دین خود بلا می بیند بلا همواره بر بنده فرو می آید تا همه گناهان او را پاك كند.

اگر به تاریخ نگاه کنیم واقعا ملت مجاهد پرور افغان همواره با آزمون های سختی روبرو شده اند، به ویژه با بزرگترین کشور های زورگو که نقشه اشغال کشور ما را در سر داشتند به تنهایی مقابله کردند.

اما ملت قهرمان افغان که از نیروی ایمان برخوردار بوده اند درهمه جنگ ها موفق درخشیدند و بینی مستکبرین وامپراطورهای جهانی را بخاک مالیدند درحالیکه دراین همه ادوار اشغال، نوکران وخائنان داخلی بودند که از داخل به ملت خیانت میکردند و با اشغالگران خارجی علیه ملت خود همکاری میکردند که متأسفانه این همه خائنان داخلی بیشتر سبب رنج ومصیبت برادران خود شان شدند و به عمر اشغال کشور شان چند روز افزودند که چنین خیانت ملی درهر عصر وزمانی بوده باشد نه تنها حک تاریخ گردیده بلکه قابل عفو وآمرزش نیز نمی باشند.

همچنان در شرائط کنونی اگر خائنان ملی از داخل با اشغالگران امریکایی همکاری نمی کردند هرگز اشغالگران خارجی به اشغال شان تاکنون ادامه داده نمی توانستند.

همین وطن فروشان داخلی درحقیقت گوش، چشم و دست وپای اشغالگران شدند و اشغالگران بی دست و پا و کور وکر را یاری رساندند و بر مشکلات ملت ما بیشتر افزودند.

ما خوب بیاد داریم که قشون سرخ شوروی با همکاری باند خلق و پرچم توانستند ده سال به جنگ ادامه دهند و اشغالگران امریکایی با همکاری مزدوران داخلی (اردو، پولیس واربکی وافراد امنیتی) نیز توانستند به جنگ علیه

مجاهدین هژده سال ادامه دهند.
در واقعیت اگر این خائنان ملی نمی بودند و برای اشغال کشور شان با خارجی ها همکاری نمی کردند این بدبختی ملت ما چنین به درازا نمی کشید وامریکایی ها هرگز نمیتوانستند دراین سرزمین با مجاهدین بجنگند اما متأسفانه دراثر خیانت نابخشودنی این داخلی های مزدور، امریکایی ها توانستند این هژده سال با ملت و مجاهدین افغان بجنگند که لله الحمد اکنون به زانو درآمدند و راه دیالوگ و مذاکره را در پیش گرفتند.
همه بیاد دارند که امیر فقید امارت اسلامی ملا محمد عمر مجاهد (رحمه الله) قبل از تهاجم امریکایی ها، به صراحت پیشنهاد داد که امریکایی ها باید این معضله را از راه دیالوگ حل کند ونباید اشتباه شوروی ها را تکرار کند اما امریکایی های مغرور به این خواسته امارت اسلامی گوش فرا ندادند و علیه امارت اسلامی هجوم آوردند و این هژده سال همه توانایی های شان را تجربه کردند.
اکنون که امریکایی ها به مذاکره مجبور گردیدند، اداره دست نشانده کابل و رسانه های مغرض جهت انحراف مردم سوالاتی را مطرح مینمایند که چرا طالبان عوض اداره کابل با امریکایی ها مذاکره مینمایند و چرا با افغان ها مذاکره نمی کنند؟
پاسخ چنین سوالات از هیچ کس پوشیده نیست زیرا طرف اصلی جنگ درکشور امریکایی ها هستند وهمین امریکاییها علیه امارت اسلامی هجوم آورده و اداره کابل را برای فریب افغان ها گماشته اند درحالی که همه سوق و اداره آن بدست امریکایی ها است و این رژیم مزدور از خود هیچ نوع حرکتی نمیتواند منسوبین این رژیم همه اجرتی، کرایی و نوکر پیشه هستند و اگر فرضا برایشان صلاحیت مذاکره هم داده شود، اینها هرگز با طالبان کنار نمی آیند زیرا اینها در ملت جای پای ندارند و صلح منافع شان را تهدید میکند و برای آمدن صلح ده ها خط سرخ وسیاه ایجاد میکنند تا جلو این پروسه گرفته شود.
مثلا اگر اداره کابل چنانچه میگوید با طالبان کنار می آید وصلح میکند اقلا استقلال شان را ثابت کنند و با منافع امریکایی مخالفت نمایند و به منافع ملی متعهد گردند و حد اقل سه خواسته ذیل را عملی کنند.
درقدم اول باید پیمان نام نهاد استراتیژیک را با امریکایی ها ملغی اعلان کنند.
دوم: اسیران طالبان را که همه در راه آزادی کشور شان اسیر شده اند، بلا قید وشرط رها نمایند.

***** اگر به تاریخ نگاه کنیم واقعا ملت مجاهد پرور افغان همواره با آزمون های سختی روبرو شده اند، به ویژه با بزرگترین کشور های زورگو که نقشه اشغال کشور ما را در سر داشتند به تنهایی مقابله کردند.**

***** همه بیاد دارند که امیر فقید امارت اسلامی ملا محمد عمر مجاهد (رحمه الله) قبل از تهاجم امریکایی ها، به صراحت پیشنهاد داد که امریکایی ها باید این معضله را از راه دیالوگ حل کند ونباید اشتباه شوروی ها را تکرار کند اما امریکایی های مغرور به این خواسته امارت اسلامی گوش فرا ندادند و علیه امارت اسلامی هجوم آوردند و این هژده سال همه توانایی های شان را تجربه کردند.**

سوم: از امنیت ودفاع عساکر خارجی خود داری کنند و بگذارند که امریکایی ها در پنجه های طالبان تار ومار شوند.
در این صورت خود اطمینان طالبان را کسب مینمایند وفضای اخوت وبرادری در کشور مساعد میگردد و این اداره کابل دراین صورت دست نشانده نی بلکه بحیث یک اداره آزاد و مستقل متعلق به افغان ها گفته میشود و اسباب جنگ خود منتفی و صلح واقعی برقرار میگردد.
اما اکنون همه میدانند که این رژیم کابل جز ناظر ونوکر ارباب بیش نیست وهرگز اجازه ندارد که با طالبان صلح نمایند زیرا بی نتیجه ماندن پروسه نام نهاد تحکیم صلح درمدت هژده سال گذشته، دلیل آشکار بر خلاف مدعی این پروسه دروغین میباشد ومردم را پیهم فریب دادند.
منسوبین اداره کابل علاوه بر اینکه اجازه صلح با طالبان را ندارند وفاقد صلاحیت هستند بلکه برهمه آنان مهر وطن فروشی، جرم، جنایت، جاسوسی وقتل های اجرتی کوبیده شده وهرگز نمیتوان از آنان توقع صلح نمود حتی منافع همه آنان در جنگ و تداوم اشغال کشور گره خورده لهذا طرف اصلی جنگ با طالبان امریکایی ها است نی اداره دست نشانده کابل و مذاکرات درقدم نخست با امریکایی ها کاملا عقلانی، منطقی و برجای میباشد.
از الله متعال استدعا داریم که این مذاکرات به پیروزی ملت ومجاهدین امارت اسلامی پایان یابد و نظام خالص شرعی در کشور حاکم کرد.
وما ذالک علی الله بعزیز.



اشغال او سوله ! !

سید شریف

افغانستان کې تر امریکایي اشغال وړاندې مثالي سوله او امنیت وو، د ټولو قومونو او قشرونو حقه حقونه خوندي وو، خو کله چې امریکایي یرغلګرو د داخلي ګوډاګیانو په مخلصانه ملاتړ ګران هیواد اشغال کړ، د بې امنۍ، فحشاء، فساد، مخدراتو،غصب، تعصب، چور چپاول، غلا، قتل، اختطاف او..... ناروااوو لړۍ پیل شوه.
افغان مجاهد ولس داسلامي امارت په مشري داشغال او هر اړخیز فساد د مخنیوي او محوې په موخه پاڅون وکړ،مجاهدینو دهیواد په جنوب او شمال، لویدیځ او ختیځ کې پر یرغلګرو ځواکونو او داخلي ګوډاګیانو یې بریدونه پیل کړل، یرغل ضد مقاومت په لنډه موده کې تر اټکل زیات پراخ او غښتلی شو.
اشغالګرو او کابل رژیم له مختلفو لارو د ځان پر ضد دپاڅون دخاموش کولو ډیرې هڅې وکړې، له هیڅ راز وحشت او بربریت څخه یې دریغ ونه کړ،آن بیلوژیکي او کیمیاوي مواد یې هم پر کلیو او بانډو واورول، یرغلګرو او داخلي ملګرو یې په لکونو افغانان شهیدان، ټپیان او اسیران کړل، کلي،ښارګوټي او بازارونه یې بمبار او د یو پلان له مخې یې په بلډوزونو ویجاړ کړل،خو د الله تعالی نصرت او دمجاهد ولس کلک هوډ او شهامت د دښمن ټولې هڅې په اوبو لاهو کړې،مقاومت لا پیاوړی شو،دهیواد له زیاتې برخې یې ګډ دښمن جارو کړ او امنیت یې پکې ټینګ کړ.
یرغلګرو چې دامارت په مشرۍ دولسي پاڅون قوت او استقامت ولید، نو اعتراف یې وکړ چې دافغانستان جګړه نشي ګټلای،امارت ته یې دمذاکراتو وړاندیز وکړ، امارت دخبرو وړاندیز ومانه او د ۲۰۱۹ کال په جریان کې د اسلامي امارت او امریکا ترمنځ لس پړاوه مذاکرات وشول، دمذاکراتو محوري موضوعات: (له ګرانه هیواده دټولو یرغلګرو وتل او دافغانستان خاوره دامریکا پر ضد نه کاریدل دي).
اسلامي امارت په وار وار واضح کړې چې اشغال دجګړې عامل دی، تر څو چې اشغال ختم شوی نه وي، دافغانانو یرغل ضد مقاومت به جاري وي، ځیني کسان په شعوري او بعضې په غیر شعوري توګه داشغال په سیوري کې سوله غواړي او کله ناکله خو امارت هم ملامتوي چې د یرغلګرو په شتون کې ولې سوله نه کوي؟!
اشغال او سوله داسې دي لکه اور او اوبه، چې یوځای کول یې ناشوني دي، امارت سولې ته ژمن دی، د سولې په موخه یې دشر او فساد پر ضد پاڅون وکړ او سولې ته درسیدو په هدف له یرغلګرو او لاسپوڅي رژیم سره جهاد کوي، داشغال په سیوري کې سوله دشرعي نصوصو سره ټکر او دافغاني غرور او تاریخ مسخره کول دي،سوله هلته راتلای شي چې هیواد خپلواک او اسلامي نظام قایم شي،نو بناء ټول هیوادوال باید داشغال دخاتمې اواز پورته کړي او داسلامي امارت د همدې دیني او ملي دریځ ننګه وکړي.



نگاهی بر اشغال خونین و تعامل سیاسی امریکا در افغانستان (٤)

تحقیق و ترتیب: سلمان رحیمی هروی

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۱۲ اعتراف سرباز آمریکایی به قتل ۱٦ افغان

رابرت بلز در محکمهٔ نظامی «سیاتل» در واشنگتن اعتراف کرد که در عملیات یازدهم مارس ۲۰۱۲ پس از خروج از یک پایگاه نظامی قندهار در افغانستان به باشندگان دو قریه در نزدیکی این پایگاه حمله کرده و ۱٦ فرد ملکی که بیشترشان زن و کودک بوده را به قتل رسانده است.

در این جنایت بیشتر قربانیان از ناحیه سر هدف قرار گرفتند و این سرباز جنایتکار امریکایی اجساد برخی قربانیان را سوزاند. وکلای بلز مدعی شدند که وی از این اقدام خود سخت نادم و پشیمان است و او در شب حمله دچار حالت جنون و افسردگی بوده است، وی اکنون در یکی از زندان‌های ارتش این کشور در ایالت کانزاس نگهداری شده و مقامات اریکایی تعهد دادند که روند محاکمه این سرباز شفاف خواهد بود. اما جزئیاتی بیشتر تاکنون در مورد این سرباز اعلان نشده است.

یکی از شهروندان افغان که شماری از نزدیکانش را در این حمله از دست داده گفته است: این سرباز امریکایی ۱٦ نفر از ما را به قتل رساند ولی آنان حتی یکی از سربازان خود را به دلیل جنایت‌هایشان اعدام نکرده اند. اگر ما ۱٦ امریکایی را به قتل برسانیم، آنها ما را می بخشند؟

رژیم کابل هم از شرم مردم خود محبور شد این حادثه را محکوم و خواستار محاکمه علنی در حضور خبرنگاران برای سرباز امریکایی شود.

حمله هوایی به شفاخانه در قندوز

نیروی هوایی ایالات متحده امریکا در ۳ اکتوبر ۲۰۱۵، با طیاره جنگی (لاکهید ۱۳۰U-AC) یک شفاخانه را در ولایت قندوز در شمال افغانستان هدف حمله قرار داد. در این حمله دستکم ۴۲ غیرنظامی کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. موسسه داکتران بی سرحد پس از این فاجعه اعلان کرد که پیش‌تر کلیه هشدارها راجع به موقعیت مکانی شفاخانه به نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا داده شده بود و این حمله عمدی صورت گرفته است. این موسسه در ادامه حمله به شفاخانه را نقض حقوق بین‌الملل عنوان کرد و تمامی کارمندان خود را از این شهر خارج کرد.

در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما زمانی که صلاحیت‌های فرماندهان امریکایی و حملات هوایی افزایش یافت، تلفات غیرنظامیان در افغانستان نیز بیشتر شد. اکنون نیز شاهد تکرار این حادثه در استراتژی جدید ترامپ هستیم.

اخیرا پنتاگون ناوگان هوایی متشکل از جنگندهای «تندربولت» و بمب افکن‌های استراتژیک «بی ۵۲ » را راهی افغانستان کرده است. در نخستین ماه اجرای این استراتژی تلفات غیرنظامیان افزایش یافته و حدود ۱۰۰ تن افراد ملکی در افغانستان کشته شده‌اند.
با این حال گرچه نهاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از نیروهای خارجی خواسته تا تدابیرشان را در جلوگیری از کشتار غیرنظامیان در جریان حملات هوایی بیشتر کنند اما معلوم است هیچ فایده ندارد.
این هشدار در حالی صورت میگیرد که آمارها حاکی از سه برابر شدن تعداد بمب‌های پرتاب‌شده از سوی نظامیان ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان در سال جاری، نسبت به سال پیش است.
براساس یك گزارش تحقیقی تحت عنوان «هزینه‌های جنگ»، که توسط مؤسسه مطالعات بین المللی واتسون پوهنتون براون ایالات متحده امریکا درباره تلفات جنگ و آوارگان پاکستان و افغانستان تهیه شده از سال ۲۰۰۱ میلادی که نیروهای تحت رهبری امریکا حکومت طالبان را ساقط کردند تا اگست ۲۰۱۶ نزدیک به ۱۷۳هزار نفر در این کشور کشته و به همین میزان زخمی شده اند.
از سوی دیگر، کمیته حقوق بشر ملل متحد در تازه ترین گزارش خود از افزایش میزان حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکا در سال گذشته میلادی در افغانستان خبر داده و خواستار تحقیق و بررسی مستقل و بی طرف درباره حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکا در افغانستان، پاکستان، یمن و برخی دیگر کشورها شده است.
بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی پنتاگون، در پی تشدید حملات هوایی در سال ۲۰۱۵ هواپیماهای آمریکایی بیش از ۳۵۰۰ بمب را در افغانستان پرتاب کرده‌اند. فرماندهی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان همواره کشته شدن غیرنظامیان افغان در حملات هوایی این کشور را انکار کرده و گفته میشود که مقامات افغان نیز در بسیاری از موارد دست به پنهان کاری میزنند
نمونه هایی از تلفات ملکی در سال ۲۰۱۸ میلادی:
بتاریخ ۲۲ جنوری رسانه ها خبر دادند که: در مربوطات ولسوالی چهاردره ولایت قندوز نیروهای مشترک امریکایی ها و عساکر داخلی عملیاتی را علیه طالبان انجام دادند که در این عملیات به هر دو طرف در کنار وارد شدن تلفات، زیان های سنگین جانی و مالی به هموطنان ملکی وارد گردید. براساس راپورها، در در عملیات های یادشده در مربوطات ولسوالی چهاردره در قریه های خرکارو، میاگانو، سجانی، زاخیلو، قریه یتیم و ... دها تن از هموطنان ملکی شهید و زخمی شدند. خانه های مردم و مساجد تخریب شده و زیان های مالی سنگینی به مردم وارد شدند. شاهدان عینی به رسانه ها گفتند که:" طیاره‌های امریکایی از هوا بر ما بمب می انداختند و عساکر داخلی از زمین قریه ها را هدف حملات توپخانه یی قرار داده بودند".
بتاریخ ۳۰ جنوری عساکر داخلی با حمایت طیارات اشغالگران بر منطقه بندتیمور ولسوالی میوند ولایت قندهار یورش بردند که در جریان آن ۳۱ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رسانده و ۳۲ تن دیگر را دستگیر کرده، با خود بردند و دها عراده وسایط نقلیهٔ مرد را تخریب کردند.
بتاریخ ۲۹ مارچ اشغالگران و عساکر داخلی در جریان عملیات در منطقهء سره بغل ولسوالی میوند ولایت قندهار ۲۲ تن از هموطنان ملکی را شهید و تعداد زیادی را زخمی کردند. اشغالگران و عساکر داخلی در عملیات مذکور یو دواخانه را نیز تخریب کرده، موترهای مردم و اموال دیگرشان را سوزانده و زیان های مالی سنگینی به باشندگان ملکی وارد کردند.
بتاریخ ۲۹ مارچ عساکر داخلی بر ساحات مسکونی در مناطق آب راغک و فرغامیر ولسوالی جرم ولایت بدخشان هاوان فیر کردند که در نتیجه ۸ تن از باشندگان ملکی بشمول زنان و کودکان شهید و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. همچنین در انداخت های هاوان مذکور تعدادی از خانه ها تخریب و بسیاری از مواشی مردم تلف شدند.
بتاریخ ۲ آپریل نیرهای داخلی بر مراسم دستاربندی در مدرسهٔ هاشیمه در منطقهء بازار پتانو ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز بمباری کردند که در این بمباری ۱۵۰ تن از علماء، طلباء حفاظ و مردم عام شهید و بیشتر از دوصد تن دیگر زخمی شدند. مردم بر ضد این رویداد برخاسته و مظاهراتی را بر علیه حکومت انجام دادند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. همچنین بیرون از کشور نیز این رویداد نکوهش گردیده و خواهان مجازات عاملین آن شدند.
بتاریخ ۱۲ جولای طیارات اشغالگران ساحات مسکونی در شمولزو ولسوالی زرمت ولایت پکتیا را بمباران کردند که در نتیجه حولی شخصی بنام حاجی خاصدار تخریب و ۵ تن از اعضای خانواده اش بشمول زنان و کودکانش شهید شدند. پس از رویداد هنگامیکه مردم اجساد را از زیر خاک و خاشاک بیرون می کردند، برای بار دوم طیاره‌های اشغالگران ساحه را بمباران کردندکه منجر به شهادت بیش از ۲۰ تن دیگر گردید.

بتاریخ ۱۹ جولای طیارات اشغالگران ساحات مسکونی در منطقه خلازی ولسوالی چهاردره ولایت قندوز را بمبار کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان در مجموع ۲۸ تن از هموطنان ملکی شهید شدند. پس از رویداد مقامات اشغالگر و حکومتی نیز بر تلفات مردمان ملکی اعتراف کردند.

بتاریخ ۲۹ جولای نظامیان اشغالگر و عساکر داخلی بر خانه های ملکی از منطقه شهیدان تا بازار گل زمان ولسوالی میوند ولایت قندهار یورش بردند، در نتیجه یورش و عملیات ۱٦ فرد ملکی را شهید و تعداد بسیاری را دستگیر و زندانی کردند و وسایط نقلیه مردم را آتش زدند.

بتاریخ ۱۴ اگست اشغالگران و عساکر داخلی مشترکاً در جریان یورش بر ساحات کال قلعه، شیوان و سجویی مربوط ولسوالی بالابلوک ولایت فراه را بمبار کردند که زیان های مالی سنگینی به مردم ملکی و باشندگان وارد آمده است، و ۱٦ تن از هموطنان ملکی نیز شهید و تعداد زیادی زخمی شدند.

بتاریخ ۲۸ اگست اشغالگران و عساکر داخلی در جریان یورش بر منطقه لوری شاوبی مربوط ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار ۱۰ فرد ملکی را شهید و ۴ تن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ اول ماه سبتمبر سال روان ۲۰۱۸ میلادی اشغالگران و عساکر داخلی در منطقه کوزبهار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار یورش بردند که در جریان تلاشی ۱۱ تن از هموطنان ملکی را شهید کردند.

بتاریخ ۵ سبتمبر عساکر داخلی در ساحۀ گروچ ولسوالی بادپش ولایت لغمان حمله کردند که بر اساس گفته های باشندگان محل در آن حمله عساکر، ۱۱ تن از باشندگان ملکی منطقه را به شکل دسته جمعی به شهادت رساندند.

بتاریخ ۱۷ سبتمبر اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقۀ ودیسار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار یورش بردند که در نتیجه ۱٦ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۱۹ سبتمبر اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقه پیتلاو در ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار یورش بردند که در جریان آن دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده و هنگام تلاشی اموال قیمتی و پول نقد دزدی کرده اند و نهایتاً با شهادت ۱۰ تن باشندگان ملکی منطقه را ترک کردند.

بتاریخ ۲۸ سبتمبر عساکر اشغالگر و نیروهای اسپیشل فورس داخلی بر خانه های ملکی در منطقه برنوزاد ولسوالی نوزاد ولایت هلمند یورش بردند که پس از آن ۲ حویلی و یک مسجد را بمباران کردند که منجر به شهادت ۱۰ تن از باشندگان ملکی منطقه گردید.

بتاریخ ۱۰ اکتوبر اشغالگران و عساکر داخلی پس از درگیری با طالبان در منطقه بازار گل آغا مربوط ولسوالی نادعلی ولایت هلمند، طیارات اشغالگران منطقه را بمباران کردند و عساکر داخلی نیز منطقه را هدف سلاح توپچی قرار دادند که در نتیجه ۱۲ زن و کودک شهید و ۴ تن دیگر زخمی شدند. علاوه بر تلفات جانی، خسارات مالی سنگینی نیز به مردم منطقه وارد آمده است.

بتاریخ ۱۱ اکتوبر پس از درگیری بین طالبان با اشغالگران و عساکر کماندوی داخلی، نیروهای اشغالگران با همکاری کماندوهای داخلی ۱۰ تن از هموطنان ملکی بشمول زنان و مردان کوچی را شهید و ۱۱ تن دیگر را دستگیر کردند.

بتاریخ ۵ نومبر سال ۲۰۱۸ میلادی اشغالگران و عساکر داخلی بر بازار و قریه های نزدیک ولسوالی گیان ولایت پکتیکا یورش بردند، براساس گفتۀ باشندگان محل در این یورش ۲۱ تن از هموطنان که زنان و کودکان در میانشان بودند را با مرمی شهید کردند. همچنین نیروهای مشترک دوکان ها را چور کرده و اجناس قیمتی و پول نقد را از دوکان ها و خانه ها دزدی کرده اند.

بتاریخ ۲۰ نومبر در بمباران طیاره‌های اشغالگران و عساکر داخلی بر قریه آب بازک ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر ۲۰ تن از اعضای یک خانواده بشمول زنان و کودکان شهید شدند.

بتاریخ ۲۷ نومبر طیارات اشغالگران ساحات زنزیردراب و کوشتی مربوط ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند را بمباران کردند که در این بمباری بی رحمانه ۳۰ تن از هموطنان ملکی بشمول زنان و کودکان شهید شدند و خانه های بسیاری تخریب گردید. رویداد مذکور را مقامات رژیم کابل نیز تائید کردند.

بتاریخ ۱۳ دسمبر اشغالگران و عساکر داخلی بر مناطق چوگام، برغندو و سوکنو ولسوالی شیگل ولایت کنر یورش بردند، دها تن از هموطنان ملکی را از خانه هایشان بیرون کرده و شهید کردند و پس از آن تعداد زیادی از حویلی ها را که زنان و کودکان در آن بودند، بمباران کردند که براساس گفته های باشندگان محل ٦۵ تن از هموطنان ملکی شهید، و دهها باب حویلی تخریب گردید. مقامات اجیر اداره ولایتی کنر نیز رویداد مذکور را تائید کرده اند، اما گفته اند که چند تن از طالبان نیز در این حمله کشته شده اند.

ادامه دارد ...



پرسش ها و پاسخ های شرعی

(بخش ششم)

تحقیق، اصدار و فتوا : مفتی ابو یاسر
ترجمه و تقدیم: مفتی حبیبی صاحب

اجرای وظیفه در یکی از شعبه های اداره کابل

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب ! دولت کنونی افغانستان که همه امور آن مستقیما به کمک و رهنمایی امریکایی های اشغالگر انجام می یابد، آیا من از روی ضرورت می توانم در کدام شعبه ای از وزارت های آن، وظیفه اجرا کنم، در حالیکه هدف اصلی من حل مشکل اقتصادی باشد ؟ اگر علمای کرام این مسئله شرعی بنده را حل نمایند، ممنون خواهم بود. (المستفتی حامد بارکزی)

جواب :

حامدا و مصلیا و بعد ؛ چنانکه شما اشاره کردید، تمام امور این دولت به گونه مستقیم و یا بالواسطه به رهنمایی اشغالگران انجام می یابد و این بدیهی نیز است، هر گونه خدمت در هر یکی از شعبه های این دولت همکاری با اشغالگران و غلامان شان شمرده می شود، و دین اسلام مسلمان ها را از چنین عمل باز می دارد. نیز خداوند متعال راه های زیادی برای کسب رزق حلال پیدا نموده و هر انسان می تواند رزق حلال پیدا کند.

قال الله تعالی : وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ - هود : ۱۱۳

وفي احكام القرآن للتهانوي رح ۱۶۱۲ :ولاتجوز لمصلحة نفسه من جلب مال اوجاه ونحوهما لاسيما اذا احتملت الافضاء الى ضرر في الدين .

وفي تفسيرالامام ابي سعودرح ۹۱۱۴ : {وَلاَ تَرْكَنُواْ} أي لا تميلوا أدنى ميلٍ{إِلَى الذين ظَلَمُواْ} أي إلى الذين وُجد منهم الظلمُ في الجملة ومدارُ النهي هوالظلم

والجمعُ باعتبار جمعية المخاطَبين .....{فَتَمَسَّكُمُ} بسبب ذلك{النار} وإذا كان حالُ الميل في الجملة إلى من وجد منه ظلم ما في الإفضاء إلى مِساس النارِ هكذا فما ظنك بمن يمل إلى الراسخين في الظلم والعُدوان ميلاً عظيماً ويتهالك على مصاحبتهم ومنادمتِهم ويُلقي شراشِرَه على مؤانستهم ومعاشرتهم ويبتهج بالتزيّي بزيّهم ويمُدّ عينيه إلى زهرتهم الفانية ويغبِطُهم بما أوتوا من القطوف الدانية وهو في الحقيقة من الحبة طفيف ومن جناح البعوض خفيف بمعزل عن أن تميل إليه القلوب ضعُف الطالبُ والمطلوب والآيةُ أبلغُ ما يتصور في النهْي عن الظلم والتهديدِ عليه .

والله تعالي اعلم

پول گرفتن مجاهدین در برابر چوب و هیزم کوه

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب ! در ولایت ما، مردم در ساحه مجاهدین از یک کوه چوب و هیزم برای فروش می برند، مجاهدین بر آن ها صد روپیه وضع کرده اند، آیا این شرعا روا است یا خیر ؟ (المستفتی حامد)

جواب :

حامدا و مصليا و بعد ؛ بلی، در صورت مذکوره، اگر پول به امر کمیسیون مربوطه امارت اسلامی گرفته شود، بدون شک عمل جائز و مشروع است.

في مجلة الاحكام : المادة [٥٨] التصرف على الرعية منوط بالمصلحة الخ

وفي المحيط البرهاني ١٢٢١٧: واذا لم يكن في بيت المال مال فلابأس بأن يتحكم الامام على ارباب الاموال بقدرمايتقوي به الذين يخرجون للجهاد.

وفي ردالمحتار ٦٢١٢ : قال ابوجعفر رح مايضربه السلطان على الرعية مصلحة لهم يصيردينا واجبا وحقا مستحقا كالخراج وقال مشائخنا وكل مايضربه الامام عليهم لمصلحة لهم فالجواب هكذا الخ.

معلومات در مورد چند احادیث

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب ! اگر در مورد احادیث ذیل معلومات بدهید که صحیح است یا خیر، چون خودم در مواعظ می خوانم، اما معلومات دقیق ندارم ؟

- نخست : تعلموا للعلم السكينة والوقار ...
- دوم : الساكت على الحق شيطان اخرس ..
- سوم : العالم في قومه كالنبي في امته
- چهارم : الوحدة خيرمن جليس السوء ...
- پنجم : من تعلم العلم لغيرالله فليتبوأمقعده من النار الخ (المستفتی مولوی قیام الدین)

الجواب :

حامدا و مصليا و بعد ؛ محدثین در مورد حدیث اول گفته اند که ضعیف است. زیرا عباد بن کثیر در رواة آن آمده است که نزد محدثین متروک الحدیث است. كذا في تقريب التهذيب ١/٣٧٧ وغيره. روایت یا بیان آن بنا بر شرائط ضعیف صحت دارد، و الا فلا.

در مورد حدیث دوم، علامه نووی - رحمه الله - و دیگر علما گفته اند که این قول ابو علی الدقاق - رحمه الله - است و حدیث نیست.شرح المسلم للامام النووی ١/٥٠ . بناءً به حیث حدیث، نه روایت آن صحت دارد و نه هم بیان آن.

علامه ابن حبان، علامه دیلمی، علامه سخاوی و........ در مورد حدیث سوم گفته اند که نهایت ضعیف است، و علامه علی القاری - رحمه الله - در موضوعات الكبرى نوشته است : جزم شيخنا وغيره بانه موضوع وانماهومن كلام بعض المشائخ .موضوعات کبری ص١٤۴١ واللالي المصنوعة ١٤١١١ والمقاصدالحسنة ٢٦٤ وغيرهما. بناءً این حدیث نیست و روایت و بیان آن به حیث حدیث هم درست نیست.

امام سیوطی - رحمه الله - در مور حدیث چهارم گفته است که این حدیث صحیح است و ابوذر الغفاری رضی الله عنه - مرفوعا روایت نموده

است. رواه أبو ذر الغفاري ، نقله السيوطي في الجامع الصغير وحكم عنه بأنه : صحيح .
هر چه حديث پنجم، از لحاظ سند در درجه حسن است و امام ترمذی – رحمه الله – حسن غريب گفته است. امام منذر – رحمه الله – می گويد : ورجال اسناده ثقات. الترمذي ٣٣٠١٤ والترغيب والترهيب ٦٦١١ وغيره.

گريزاندن اسلحه و اسباب كافران حربی

الاستفتاء :
محترم مفتی صاحب ! اگر كسی با كافران رفاقت می كند و سپس هرگاه فرصت يابد اسلحه يا ديگر اسباب كافران حربی را گرفته فرار كند، آيا مجاهدين منطقه می توانند آن اشيا را از نزد آن شخص بگيرند ؟ لطفا برای ما درين مورد مفصلا معلومات بدهيد ؟

الجواب :

حامدا و مصليا و بعد ؛ درين صورت، اشيای را كه شخص مذكور از كافران حربی گريزانده است، از خود او می شود. ديگر مجاهدين از پيش او گرفته نمی توانند.

وفي المبسوط ١٤٧\١٢م وطبع اخرى ٨٣\١٠ : ما روي أن المشركين أسروا ابنا لرجل من المسلمين فجاء إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يشكو ما يلقى من الوحشة «فأمره أن يستكثر من قول لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم ففعل ذلك فخرج الابن عن قليل بقطيع من الغنم فسلم ذلك له رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ولم يأخذ منه شيئا» والمعنى ما بينا أن الغنيمة اسم لمال مصاب بأشرف الجهات وهو أن يكون فيه إعلاء كلمة الله تعالى وإعزاز الدين ولهذا جعل الخمس منه لله تعالى وهذا المعنى لا يحصل فيما يأخذه الواحد على سبيل التلصص فيتمحض فعله اكتسابا للمال بمنزلة الاصطياد والاحتطاب بخلاف ما إذا كانوا أهل منعة وشوكة .

في ردالمحتار ٢٥٠١٣ ومايؤخذ منهم هدية اوسرقة اوخلسة اوهبة فليس بغنيمة وهوللآخذ خاصة الخ وهكذافي جميع كتب المذهب .

والله تعالى اعلم.

اگر شخص مقيم نماز مسافرانه بخواند

الاستفتاء :
محترم مفتی صاحب ! ما مجاهدين از ولايت خود به جای ديگری رفته بوديم و آنجا نماز را مكمل می خوانديم، اما يک عالم برای ما گفت كه شما مسافر هستيد، پس ما به نمازهای مسافرانه شروع كرديم، سپس عالم ديگری گفت كه شما مقيم هستيد، پس نمازهای را كه ما مسافرانه خوانده ايم، آيا اعاده بكنيم يا خير ؟ بينوا توجروا.

الجواب :

حامدا و مصليا و بعد ؛ در صورت مذكوره، اعاده نمازهای كه مسافرانه خوانده شده است، ضروری است.

في التبيين ٤٨٧\١١ : بخلاف ما إذا سلم على ظن أنه مسافر، وعلى ظن أنها جمعة أو كان قريب العهد بالإسلام فظن أن فرض الظهر ركعتان أو كان في صلاة العشاء فظن أنها التراويح حيث تبطل صلاته في هذه المسائل؛ لأنه سلم عامدا.

ومثله في البحر ١٢٠١٢ : (بخلاف ما لو سلم على ظن أنه مسافر أو أنها الجمعة أو كان) المصلي (قريب العهد بالإسلام فظن أن الظهر) أي فرضه (ركعتان أو) كان (في العشاء فظن أنها التراويح حيث تبطل) صلاته في جميع هذه الصور؛ لأنه سلم عامدا.

والله تعالي اعلم.



بخش هشتم

صفحهٔ ویژهٔ شیربچه‌های هندوکش

ترتیب‌دهنده: محمد عمار رستاقی

چگونه عالم و دانشمند می شوی؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ يُرِدِ اللّٰهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» یعنی «آنکه الله عزوجل به او اراده‌ء خیر کند، اوراَ عالم و دانشمند در دِین می گرداند. پس چگونه می توان عالم و دانشمند شد؟ برای این کار باید علم دین را آموخت و در آن تفکر باید کرد، همیشه قرآن کریم باید خواند و معنای آنرا باید دانست و سوره های آنرا باید پیهم حفظ کرد. علاوه بر این باید احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را خواند و احادیث مختصر را حفظ باید کرد. سپس به آنچه از قرآن کریم و حدیث آموخته به آن باید عمل کرد. اگر کسی به قرآن کریم و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم اعتنا نکرد، آنها را نخواند، به آنان عمل نکرد به این معناست که خداوند برای او خیر را نخواسته است و او از جمله علما و دانشمندان نمی گردد.



فضیلت نماز جماعت

خالد: من امروز همراه پدر جانم مسجد رفتم و نماز را با جماعت خواندم.
ولید: من هنوز خورد هستم و نمازم را در خانه می خوانم.
خالد: مگر تو می توانی به مسجد بروی.
ولید: فرق نمی کند من نمازم را در خانه می خوانم.
خالد: خیلی فرق می کند. پدرم گفت که رسولَ اللَّه صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صَلاةُ الجَمَاعَةِ أَفضَلُ مِنْ صَلاةِ الفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ درَجَةً»، یعنی: نماز جماعت بیست و هفت درجه از نماز تنهایی در خانهٔ فضیلَت و بهتری دارد.
ولید: خوب، من خبر نبودم، از این به بعد در خانه نماز نمی خوانم. به مسجد می روم و در یک نماز اجر و فضیلت بیست و هفت نماز را بدست می آورم.

معنای لا اله الا الله

خالد: دیروز در درس عقیده استاد ما معنای کلمه لا اله الا الله را برای ما فهماند. معلم صاحب گفت که خواندن کلمه لا اله الا الله تنها به این معنا نیست که خداوند جل جلاله معبود بر حق است، بلکه معنای آن اینست که من گواهی می دهم که الله تعالی یکتاست، شریک ندارد، تنها او قابل عبادت است، او پیدا کننده و روزی دهنده ما انسان ها است، او پادشاه و مالک تمام جهان است، او دانا و قدرتمند مطلق است، حاکمیت از آن اوست، او صاحب امر و نهی است، هر چیز بخواهد می کند، تنها او لایق عبادت است و کس دیگر نباید در عبادت، اطاعت، پیروی، دوستی، خوف، امیدواری و دعا با او شریک گرفته شود.

ولید: خوب، خیر ببینی خالد جان، تا به حال من فکر می کردم که همین که کلمه لا اله الا الله را بخوانیم بس است، مگر حالا فهمیدم که این کلمه زیاد چیزهای دیگر را در بر می گیرد که باید با خواندن کلمه آنهمه را قبول داشته باشیم.



ارکان ایمان

خالد: آیا می دانی ارکان ایمان چیست؟

ولید: بلی، چند روز پیش مولوی صاحب در مسجد بعد از نماز گفت که ارکان ایمان شش است و آنها عبارت اند از:

ایمان آوردن به الله تعالی.

ایمان آوردن به ملائکه های الله تعالی.

ایمان آوردن به کتاب های الله تعالی.

ایمان آوردن به پیامبران الله تعالی.

ایمان آوردن به روز آخرت و زندگی بعد از مرگ.

ایمان آوردن به اینکه همه خیر و شر از جانب الله تعالی است.



سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (۲۶)

تالیف: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

درسهایی از غزوه خندق

۱ ـ فرماندهی

فرماندهی آشفته اعراب و یهود را مورد بررسی قرار دادیم و آثار نامطلوب آن بر جنگ را دیدیم . به همان اندازه ای که فرماندهی احزاب سست و بی پایه بود، فرماندهی مسلمانان نیرومند، با مهارت و دور اندیشی بود.

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) تصمیم به ماندن در مدینه منوره گرفت و فرمان داد تا خندقی برگرد آن کنده شود. برای حفر خندق دشتهای ناحیه شمال شهر را انتخاب فرمود و کار حفر آن را به طور مساوی میان یارانش تقسیم کرد. آن حضرت ، خود بر جریان کار نظارت داشت و بدون اجازه وی هیچ کس حق ترک گفتن محل کارش را نداشت . تا آنکه کار حفر خندق پیش از رسیدن احزاب به مدینه منوره با موفقیت به پایان رسید. آن حضرت نیز همانند دیگر یارانش به کندن خندق مشغول شد، حتی انجام کارهای دشوار، مثل خرد کردن سنگهای سخت را که یارانش از عهده بر نمی آمدند، خود به عهده می گرفت . سپس وظیفه اشغال مواضع پشت خندق را میان یارانش تقسیم کرد، بطوری که با وجود سرمای هوا، حتی از یك وجب آن در شب و روز غفلت نمی شد. خود آن حضرت نیز جز برای سرکشی به نگهبانان و مواضع دفاعی و نیز تشویق مؤمنان به پیکار و بالا بردن روحیه های آنان موضعش را ترك نمی گفت . یك نیروی پهره داری (نگهبانی) قوی را در مدینه گماشت تا از زنان و کودکانی که در خانه ها مانده بودند حراست کند.

مهمتر از همه این که پس از رسیدن نیروی برتر احزاب به حومه مدینه و پیمان شکنی بنی قریظه ،

خطـر از درون و بـرون مسـلمانان را تهدیـد مـی کـرد، بـا ایـن وجـود آن حضـرت بـر نیروهـای زیـر فرمانـش تسـلط کامـل داشـت .

۲ ـ تاکتیك جدید

مسـلمانان بـرای دفـاع از مدینـه از حفـر خنـدق اسـتفاده کردنـد، و ایـن روش بـرای نخسـتین بـار بـود کـه در تاریـخ عـرب وارد مـی شـد.

فرمانـده لایـق و بـا نبـوغ کسـی اسـت کـه از شـیوه هـا و سـلاحهای جدیـد اسـتفاده کنـد. پـس از بـه کار گیـری شـیوه صـف در جنـگ بـدر ـ چنـان کـه دیدیـم ـ خنـدق دومیـن شـیوه ای بـود که از سـوی رسـول خدا(صلـی اللـه علیـه وسـلم) بـه کار گرفتـه شـد.



رسـول اللـه (صلـی اللـه علیـه وسـلم)ایـده کنـدن خنـدق را از سـلمان فـارسی (رضـی اللـه تعالـی عنه)گرفـت و بـرای تشـویق ایـده هـای سـودمند و سـتایـش کسـانـی کـه در راسـتای مصالح همـگانی تـلاش مـی کننـد و نیـز زدودن تعصبهـای جاهـلی دربـاره سـلمان(رضی اللـه تعالـی عنـه) فرمـود: (سـلمان از مـا اهـل بیـت اسـت(

۳ ـ خدعه در جنگ

تاثیر شـایعات نُعیـم بـن مسـعود در ایجـاد تفرقـه میـان احـزاب را دیدیـم . روشـن اسـت کـه تنهـا راه پیـروزی هـر نـیروی جنگـی ، وحـدت کلمـه اسـت ، و ثمـره تفرقـه چیـزی جـز شکسـت و ناکامـی نیسـت .

در جنـگـهای امـروزی ، بـه منظـور پراکنـدن صفـوف و آشـفتن افـکار، بـر شـایعه پراکنـی تکیـه مـی گـردد. شـایـعه پراکنـی از مهـم تریـن بخشـهای رکـن دوم تشـکیلات اردو هـا وارتشهاسـت و در جنـگ روانی از کارآمدتریـن شـیوه هـای تهاجـم بـه شـمار مـی رود. هرانـدازه کـه شـایعـات در صفـوف احـزاب کارگـر بـود، در صفـوف مسـلمانان بی تاثـیر بـود. گرچـه منافقـان بـرای تضعیـف روحیـه مسـلمانان دسـت بـه شـایعه پراکنـی زدنـد، امـا تـلاش آنـان بـا ناکامـی روبـه رو گردیـد.

هنـگامـی کـه رسـول اللـه (صلـی اللـه علیـه وسـلم)گـروهـی از مـسـلمانان را بـرای تحقیـق دربـاره پیمـان شـکنی بنـی قـریظه سـوی آنـان فرسـتاد، اینـان پـس از یقـین از صحـت پیمـان شـکنی بنـی قریظـه ، خـبر را بـه صـورت رمـزی بـه آن حضـرت راپور وگزارش دادند تـا اطرافیـان وی متوجـه نشـوند و روحیـه مسـلمانان تضعیـف نگـردد.

مسـلمانان در چهـارده قـرن پیـش از ایـن ، بـا تاثـیرات روانی شـایعه آشـنایی داشـتند.

٤ ـ در دست داشتن ابتکار عمل

غـزوه خنـدق ، پـس از جنـگ بـزرگ بـدر، دومیـن نبـرد سـرنوشت سـاز بـود و چنانچـه مـشرکان و یهودیـان در آن پـیروز مـی شـدند، مسیر تاریـخ اسـلام تغیـیر مـی کـرد.

یـهـودیـان تـوانسـتند کـه احـزاب را در اطـراف مدینـه گـرد آورنـد و پـس از رسـیدن احـزاب بـه ایـن شـهر کـه بـه منظـور نابـود سـازی مـادی و معنـوی مسـلمانان آمـده بودنـد، یهودیـان بنـی قریظـه نیـز بـه یـاری آنـها آمدنـد. ایـن تجمـع بـزرگ دیگر هرگـز پیـش نمـی آمـد بـه خصـوص بعـد از ناکامـی احـزاب .

شکسـت احـزاب بـه مفهـوم عـدم امـکان تکـرار تجمـع بـزرگ آنـان بـود و بطـور مسلم پـس از آنکـه بـا ایـن نـیـروی بـزرگ از شـکسـت مسـلمـانـان عاجـز ماندنـد، بطـور جداگانـه تـوان از میـان بـردن آنهـا را نداشـتند. ایـن پیامـد بعدهـا در انتشـار اسـلام نقـش تعیـین کننـده ای داشـت .

در همـان روز پایـانی جنـگ خنـدق مسـلمـانـان از دوره دفـاع بـه دوره تهاجم انتقـال یـافتـنـد. از ایـن رو، پـس از شـکسـت احـزاب ، رسـول اللـه (صلـی اللـه علیـه وسـلم)فرمـود: از ایـن پـس مـا بـا آنـان مـی جنگیـم ، نـه آنـان بـا مـا!

پـس از ایـن غـزوه ابتـکار عمـل بـه دسـت مسـلمانان افتـاد و تـا هنگامـی کـه اسـلام سراسر شـبه جزیـره عـربستان را فـرا گرفـت و بیـرق اسـلام در شرق و غـرب دنیـا بالاتـر از همـه بیـرق هابـه اهتـزاز درآمـد، آن را حفـظ کردنـد:

(وَرَدَّ اللّـهُ الَّذیـنَ کَـفَـرُوا بـغَـیْـظهِمْ لَـمْ یَنالُـوا خَـیْرًا وَ کَفَـی اللّـهُ الْمُؤْمِنـینَ الْقِتـالَ وَ کانَ اللّـهُ قَوِیّـا عَزیـزا(

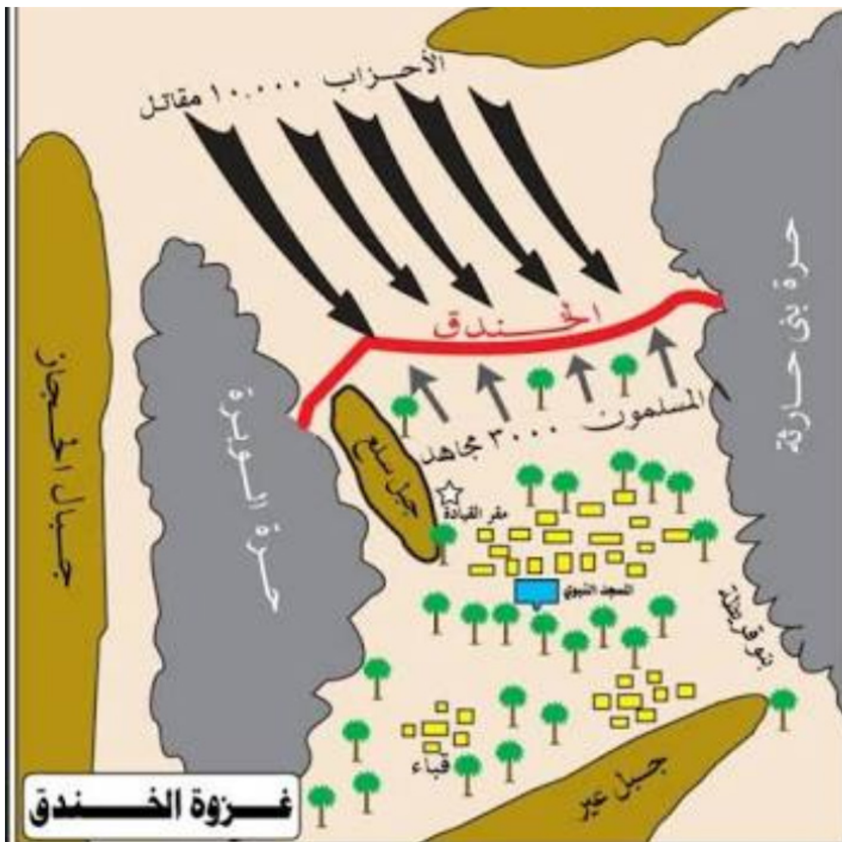
و خداوند آنان را که کفر ورزیده اند، بی آنکه به مالی رسیده باشند، به غیظ [و حسرت] برگرداند، و خدا [زحمت] جنگ را از مؤ منان برداشت و خدا همواره نیرومند و شکست ناپذیر است !

قصاص عادلانه

(وَ اِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصّابِرِینَ)نحل (۱۶)، آیه ۱۲۶.

و اگر عقوبت کردید، همانگونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید، و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است .

تسویه حساب با خائنان



وضعیت عمومی

۱ ـ مسلمانان

با وجود شرایط بسیار دشوار و برتری کامل نیروی یهود و احزاب ، مسلمانان در برابرشان پایداری کردند و خطری ناگهانی را که از درون و برون مدینه تهدیدشان می کرد دفع نمودند. این ثبات و پایداری ، روحیه مسلمانان را به گونه ای بی سابقه بالا برد.

آنان شرّ احزاب را کم کردند ولی همسایگانشان ، یعنی یهودیان بنی قریظه باقی ماندند که بدون مراعات حق همسایگی پیمان خود را شکستند و در بدترین شرایط به مسلمانان خیانت کردند و از این رو باید حساب آنان تسویه می شد.

۲ ـ مشرکان

احزاب ، پس از تحمل شکستی همه جانبه به سرزمین خود عقب نشینی کردند. نه قریش موفق به از میان بردن مسلمانان شد و نه دیگر قبایل توانستند که اموال مسلمانان را تاراج کنند. آنان طی این سفر و محاصره زمستانه رنج فراوان بردند و برای تامین آذوقه و پشتیبانی تدارکاتی نیروهای خود، قبل و بعد از جنگ و نیز در اثنای آن هزینه سنگینی متحمل شدند و سرانجام هم با دست خالی بازگشتند.

این شکست در تضعیف روحیه یهودیان و مشرکان بسیار مؤ ثر شد و از آن پس به شدت از سوی مسلمانان در بیم و هراس بودند.

۳ ـ یهودیان

پس از فرار احزاب ، یهودیان بنی قریظه در برابر مسلمانان تنها ماندند. آنان که از خیانت فضاحت بار خود آگاه بودند. چونان مجرمی که گناه او ثابت شده ، در انتظار قصاص عادلانه به سر می بردند.

روحیه آنان به شدت پایین بود و هر لحظه منتظر تهاجم مسلمانان بودند و نتیجه آن را نیز می دانستند.

هدف اصلی

هدف اصلی جنگهای این دوره تسویه حساب با دو گروه خیانتکار بود. اول یهودیان و دوم قبایلی که مبلغان اسلامی را کشته بودند.

ادامه دارد ...



شهید ملا محمدگل نعمانی – تقبله الله – :

شهید ملا محمد گل نعمانی - تقبله الله - فرزند حیات الله و نواسه حاجی نعمت الله در سال ۱۳۷۶ خورشیدی مصادف با ۱۹۹۷ میلادی در قریه شهیدان ولسوالی دولینه ولایت غور در دودمان متدین و مجاهد پرور چشم به دنیای فانی گشود.

نامبرده درس های ابتدایی خود را نزد مولوی صاحب حامد نوری خواند. سپس برای تحصیلات بیشتر علوم دینی به ولایت هرات رفت و مدت پنج سال دران جا به سلسله درسخوانی ادامه داد. سپس مدت یکسال در کشور پاکستان به روند آموزشی خود دوام داد.

ازان پس شهید نعمانی برای جهاد و مقاومت در برابر دشمنان مهاجم دین و میهن، با عقیده محکم ایمانی کمر همت بست و با کاروان جهادی امارت اسلامی یکجا شد. او در ولایات غربی و جنوبی کشور غور، هرات و هلمند در نبردها و عملیات های زیادی اشتراک نمود.

شهید ملا محمد گل عشق فراوانی با لیلای شهادت داشت و همواره از کردگار - جل جلاله - می خواست : الها ! فلان و فلان به رتبه شهادت سرفراز شدند، این سعادت را نصیب من هم بگردان.

بالاخره دعاهای صمیمانه او در بارگاه ایزد منان اجابت شد و این فرزند جانانه اسلام به تاریخ ۱۰ ثور ۱۳۹۸ خورشیدی مصادف با ۲۴ شعبان ۱۴۴۰ قمری و ۱۰ اپریل ۲۰۱۹ میلادی در ولسوالی چشت ولایت هرات در یک حمله بزدلانه طیارات بی سرنشین اشغالگران، با چند تن از همسنگرانش جام شیرین شهادت را به سن ۲۲ سالگی نوش جان نمود.

(با سپاس از صمیم غوری که جزئیات سوانح شهید نعمانی را تهیه نمودند)



شهید قومندان محمدالله مشهور به زید اکه - تقبله الله – :

شهید محمد الله مشهور به زید اکه فرزند حاجی خال بای و نواسه عبدالحمید در سال ۱۳۶۹ خورشیدی در یک خانواده متدین و مجاهد پرور در قریه ترمه بای در مربوطات سرای سنگ ولایت تخار چشم به جهان گشود.

شهید زید اکه تعلیمات ابتدایی خود را نزد علمای منطقه آغاز نمود. او در سال ۱۳۸۴ خورشیدی نزد مولوی صاحب فیض محمد زانوی تلمذ نهاد، سپس در سال ۱۳۸۶ خورشیدی نزد مولوی صاحب خال مراد رفت و مدت یکسال از او استفاده نمود. ازان پس در سال ۱۳۸۷ خورشیدی پیش مولوی صاحب مقام به ولایت قندوز رفت و مدت شش ماه آنجا اکتساب فیض نمود.

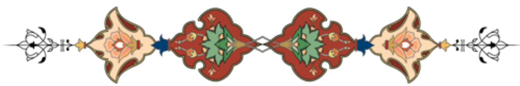
پس ازان مدت یک و نیم سال نزد مولوی صاحب حبیب الله حنفی در منطقه بارم دره (تخار) درس خواند.
در سال ۱۳۸۹ خورشیدی، شهید زید اکه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را در خواب دید که او را توصیه به جهاد نمود. همان بود که او در سن ۲۰ سالگی به مناطق مرزی کشور رفت و دران جا تعلیمات نظامی را تکمیل و به ویژه تکتیک های شهری را آموخت و سپس زیر چتر امارت اسلامی افغانستان در به فعالیت های جهادی آغاز نمود. او با کمال شهامت در برابر دشمن می جنگید و از چندین چاپه های دشمن جان به سلامت برده بود.
قومندان زید اکه بر علاوه از فعالیت های زیادی در ولایت خود، در بدخشان، قندوز، قندهار، زابل و فاریاب نیز خدمات زیادی جهادی انجام داد. زمانی که قاری صاحب محمد طیب مسئول جهادی ولایت تخار بود او به حیث مسئول مرکز تخار وظیفه انجام داد در زمان مولوی صاحب نورالدین نیز خدمات جهادی انجام داد و در دوران ولایت مولوی محسن هاشمی به حیث رئیس کمیسیون نظامی ولسوالی دشت قلعه ایفای وظیفه نمود.
شهید زید اکه به تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۵ خورشیدی ساعت ۷ شب پنجشنبه به سن ۲۹ سالگی در مبارزه با غلامان امریکا در قریه ترمه بای منطقه سرای سنگ مرکز تخار، جام شهادت را نوش جان نمود.



شهید مجیب الرحمن - تقبله الله — :

شهید مجیب الرحمن پسر عبدالدیان - تقبله الله - در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در منطقه سیاب ولسوالی بنگی ولایت تخار چشم به دنیای هست و بود گشود. شهید مجیب الرحمن که به سن ۸ سالگی از سایه شفقت پدر برای همیش محروم شده بود، درس های ابتدایی خود را در سیاب نزد علمای منطقه آغاز نمود. نامبرده که از استعداد خداداد و ذهانت فوق العاده ای برخوردار بود، علوم متداول دینی را تا درجه سوم رسانده بود که در سال ۱۳۹۲ شمسی به سن ۱۸ سالگی به صف مقدس جهادی پیوست. شهید مجیب الرحمن برای اعداد نظامی/عسکری به مناطق مرزی کشور سفر نمود و پس از فراغت از آموزش های نظامی به منطقه خود برگشت و با مجاهدین ولسوالی خواجه غار ولایت تخار یکجا شد و در مدت اندکی خدمات شایان جهادی انجام داد.
سپس در سال ۱۳۹۴ خورشیدی به ولسوالی اشکمش (تخار) آمد و به فعالیت های جهادی خود دوام داد. او دران سال در یکی از نبردها به شدت زخمی شد و از صحنه درگیری انتقال داده شد. او پس از شفایابی دوباره به صف جهادی حاضر شد و با کمال شهامت و دلاوری به مبارزه خود دوام داد. شهید مجیب الرحمن در سال ۱۳۹۶ خورشیدی بار دوم زخمی شد و این بار نیز پس از صحت یابی به سنگر مقاومت حاضر شد. این فرزند دلیر دین و میهن بالاخره در سال ۱۳۹۸ خورشیدی به سن ۲۴ سالگی جام افتخار بخش شهادت را نوش جان نمود.

(با سپاس ویژه از مخدوم صاحب ذبیح الله که سوانح شهید زید اکه و شهید مجیب الرحمن را تهیه نمودند)



شهید داملا حفیظ الله مبارز - تقبله الله — :

شهید داملا حفیظ الله مبارز فرزند حاجی سیف الله و نواسه خواجه قل در سال ۱۳٦۷ هجری شمسی مصادف با ۱۹۸۸ میلادی در یک خانواده دیندار و مجاهد پرور در قریه غنده سنگ ولسوالی پشتونکوت ولایت فاریاب دیده به جهان گشود.

تحصیلات :

داملا مبارز تعلیمات ابتدایی خویش را مدت ۳ سال در منطقه آبایی خویش فراگرفت و سپس به هدف ادامه تحصیلات به ولسوالی های گرزیوان، پشتونکوت، بلچراغ، و درزاب ولایت جوزجان سفر نمود و از علمای جید این مناطق هر یک مرحوم مولوی صاحب منصور، مولوی صاحب محمد ایوب، مولوی صاحب عبدالغفور و شهید مولوی صاحب عبدالقدوس عطایی درزابی، چند سال کسب فیض نمود. پس از آن برای تحصیلات بیشتر عازم کشور پاکستان شد و مدت دو سال در شهر پشاور نزد شیخ التفسیر والحدیث مولوی محمد زاهد عزیزخیل زانوی تلمذ نهاد. سپس به کشور عزیز برگشت و در ولایت سمنگان از شیخ القرآن و الحدیث مولوی صاحب محمد زکریا مدت یک و نیم سال اکتساب علم نمود. ازان جا به ولایت فاریاب آمدند و باز درولایت فاریاب آمدند و در ولسوالی های جمعه بازار، المار و پشتونکوت از فیوضات مخدوم صاحب فضل الرحمن، مفتی صاحب محمد حسن دیوبندی و مولوی صاحب عبدالغفار بهره یاب شد. بعدا به منطقه آبایی خود



تشریف آورد و مدت یک و نیم سال به حیث امام و مدرس در مسجد جامع قریه غنده سنگ ایفای وظیفه نمود.

خدمات جهادی:

شهید داملا صاحب که قلب مملو از عشق جهاد و شهادت داشت، قبل از اینکه پا به عرصه سنگر و جهاد بگذارد، چند مدت به صفت یکتن از انصار در خدمت مجاهدین ولایت جوزجان و فاریاب بود. اما دیری نگذشت که خودش نیز عملا در ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب به مجاهدین پیوست و کمر خود را در مقابل دشمنان دین و وطن با عزم متین و قوی بسته نمود.

داملا صاحب حفیظ الله مبارز چند مدت تخنیک های ماین سازی و متفجرات را در ولسوالی مذکور از نزد شهید استاد محمد علی آموخت و سپس به فعالیت های جهادی خویش ادامه داد. یکبار دشمن عملیات گسترده و طولانی را در تخت ایشان ولسوالی شرین تگاب به راه انداخت. دران عملیات، در نتیجه انفجار ماین جاسازی شده از سوی شهید داملا صاحب مبارز یک عراده تانک دشمن تخریب و به شمول ۳ قوماندان (میرک، جلجلک و سیف الله) ۷ تن عساکر اجیر به قتل رسیدند و متباقی شان از ساحه فرار کردند. در عملیات دیگری که دشمن به رهبری جنرال دوستم در منطقه آستانه بابا این ولسوالی مذکور به راه انداخته بود، شهید داملا صاحب بار دیگر قهرمانی خود را به نمایش گذاشت و منطقه مهم آستانه بابا را تصرف نمود.

بار دیگر شهید داملا صاحب با جمعی کثیری از مجاهدین عملیات کوبنده ای را بر علیه دشمن در منطقه آستانه بابا آغاز نمودند، که به یاری و نصرت الله متعال نزدیک به پنجاه قریه خورد وبزرگ آستانه بابا فتح گردید و تلفات سنگین جانی و مالی به دشمن وارد و نزدیک به ۸۰ تن از آنان کشته، زخمی و اسیر شدند و غنایم بی شماری به دست آمد. آن زمان قاری صاحب صلاح الدین ایوبی مسئول جهادی ولایت فاریاب بود.

بعدا شهید داملا صاحب به حیث یک دلگی مشر فعال در منطقه خود خدمت می کرد. پس ازان شهید داملا صاحب عملیات های پیهم و پر دستآورد هجومی، چریکی و انفجاری را در مناطق کته قلعه، چقماق، هزار قلعه، گلدره، سره میاشت، نادرآباد، غنده سنگ، زرشوی، دهندره، بیلرسای، تریکلیک، و قزل سای ولسوالی پشتونکوت به راه انداخت و به نصرت خاص پروردگار، مردم این مناطق را از مظالم اربکی های شریر نجات داد. درین عملیات ها، تعدادی زیادی از اجیران داخلی به شمول چندین قوماندان کشته و زخمی شدند و متباقی شان وادار به فرار شدند.

شهید داملا صاحب در این عملیات ها یک مرتبه از ناحیه صورت زخمی شد، اما به فضل خداوند صحتیاب شد و دوباره به فعالیت های جهادی خویش دوام داد. همچنان شهید داملا صاحب در فتح مناطق نیشر، آق بلاق، قیرمه، کمرک، وقشلاق ولسوالی بلچراغ اشتراک داشت.

هرگاه مسئولان جهادی امارت اسلامی به منظور محو فتنه داعش دو مرتبه در ولایت جوزجان عملیات های نظامی را به راه انداختند، شهید داملا صاحب در هر دو عملیات سهم بارز داشت و در یک تشکیل مسئول کمر بند مجاهدین و در تشکیل دیگر مسئولیت یک بخش جبهه را به عهده داشت و خدمات ارزشمندی را انجام داد.

اوصاف :

شهید داملا صاحب شخصیت مبارز، مطیع و مخلص بود. او در مقابل دشمنان دین سخت و در برابر مسلمان ها مهربان بود. همیشه حق می گفت و با حق ایستاده بود. مردم را به سوی خیر و فلاح دعوت می نمود.

شهادت :

باالاخره این مبارز خستگی ناپذیر سنگر های جهاد ومقاومت و یکی از ستاره گان فاریاب زمین، روز شنبه ۲۵ عقرب ۱۳۹۸ خورشیدی مصادف با ۱۶ نومبر ۲۰۱۹ میلادی همراه با یکتن رفیق جهادی اش شهید قاری رجامند در منطقه تریکلیک ولسوالی پشتونکوت فاریاب هدف حمله طیاره بی پیلوت امریکایی های اشغالگر قرار گرفت و جام حیات بخش شهادت را به سن ۳۱ سالگی نوش جان نموده، به آرمان پاک و همیشگی اش نائل گردید. نحسبه کذالک والله حسیبه.

از شهید داملا صاحب پنج پسر بجا مانده است. برادر شهید مبارز به حیث سرپرست رفقای جهادی او تعیین شده است.

(با سپاس از محترم شمس الله فاریابی، مسئول مطبوعاتی ولایت فاریاب، که سوانح شهید مبارز را تهیه نمودند).



اعلامیه ها و مواضع رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت تهاجم شوروی ها در شش جدی

چهل سال پیش، به تاریخ شش جدی ۱۳۵۸ هجری شمسی، لشکرهای مغرور شوروی بر حریم پاک کشور اسلامی ما افغانستان، یورش آوردند. تهاجم شوروی ها بر افغانستان فاجعه بزرگ تاریخ معاصر بود.

کمونیست های بی رحم به قتل عام ملت مؤمن ما، بمبارد قریه ها و تخریب همه جانبه آغاز کردند. آن ها گمان داشتند که نظام باطل و افکار طاغوتی خود را با ظلم و جبر بر مردم مسلمان ما تحمیل می کنند، اما ملت ما برای محافظت از ارزش های مقدس خود بالاتر از توقعات قربانی دادند، یک و نیم ملیون هموطنان ما در راه دفاع از اسلام خود را قربان نمودند و همین تعداد دیگر زخمی، معیوب، بندی و یا هم ناپدید شدند. بیشتر قریه ها و شهرک ها ویران شد و زیر بناهای کشور از بین رفت، اما ملت مؤمن ما با این همه ظلم و وحشت اشغالگران بی رحم آماده نشدند که از مقدسات و ارزش های خود بگذرند و اشغال شوروی ها را بپذیرند. بالاخره از برکت قربانی های بزرگ افغان ها، شوروی های اشغالگر شکست خوردند و با سرهای خمیده از کشور ما فرار کردند.

به مناسبت روز آغاز تهاجم شوروی، باید به اشغالگران کنونی (امریکایی ها) و مزدوران آن ها یادآور شویم که وحشت و جنایاتی را که شما تجربه می کنید، قریه ها را از بین می برید، خانه ها را آتش می زنید، کودکان و زنان را می کشید، زندان ها را از مسلمان ها پر می کنید و نمونه های وحشت چنگیز، انگلیس و شوروی های سفاک را تکرار می کنید، باید بدانید که این تجربه درین جا همواره ناکام و خنثی ثابت شده است.

به یاد داشته باشید که این ملت به مرگ آبرومندانه آماده است، اما زندگی ذلت و محکومیت را قبول ندارد.

پس بیائید، از تجارب گذشته بیاموزید، از تعقل کار

بگیرید، بـه اشـغال نـاروای خـود نقطـه پایـان بگذاریـد و ملـت مظلـوم مـا را بگذاریـد کـه در کشـور خـود مطابـق بـا ارزش هـای شـان، زندگـی آرام و عزتمندانـه داشـته باشـند.

در اخیـر، در پهلـوی تقبیـح و محکومیـت تهاجـم شـوروی هـا، بـرای تمـام شـهدای جهـاد افغانسـتان از بـارگاه خداونـد متعـال جنـت الفـروس مسئلت داریـم، خداونـد متعـال تکالیـف تمـام شـهدا، زخمـی هـا، معلولیـن، مهاجریـن و مجاهدیـن را بـه دربـار خـود قـول نمایـد. آمیـن یـا رب العالمیـن.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۱/۴/۳۰هـ ق
۱۳۹۸/۱۰/٦هـ ش ـ ۲۷/۱۲/۲۰۱۹م



پیام تسلیت امارت اسلامی در رابطه به وفات والی پیشین بغلان مرحوم مولوی شمس الدین وقاص

بـا تاسـف خـبر دریافـت کردیـم کـه والـی پیشـین بغـلان مولـوی صاحـب شـمس الدیـن وقـاص بـر اثـر بیـماری کـه عائـد حالـش گردیـده بـود وفـات نمـوده اسـت.انالله وانـا الیـه راجعـون

مرحـوم مولـوی شـمس الدیـن صاحـب هنـگام فتـح قنـدوز قومنـدان امنیـه آن ولایـت بـود و سـپس بـه حیث والـی تخـار و بغـلان و ابتـدای امسـال بـه عنـوان والـی سـمنگان خدمـت نمـوده بـود، کـه پس از آن بـه علـت عـارض شـدن بیـماری از وظیفـه اش اسـتعفا داد.

امـارت اسـلامی در مـورد وفـات نامـبرده، بـه خانـواده او، خویشـاوندان، رفقـا، متعلقیـن و تمـام مجاهدیـن تسـلیت مـی گویـد.

بـرای مرحـوم مولـوی صاحـب شـمس الدیـن از اللـه متعـال جنـت الفـردوس و بـرای خانـواده و وابسـتگان شـان صـبر جمیـل و اجـر جزیـل را خواهانیـم .

امارت اسلامی افغانستان
۱/۴/۱۴۴۱هـ ق
۷/۹/۱۳۹۸/ـ ۲۸/۱۱/۲۰۱۹م

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت رهایی عده ای از زندانیان

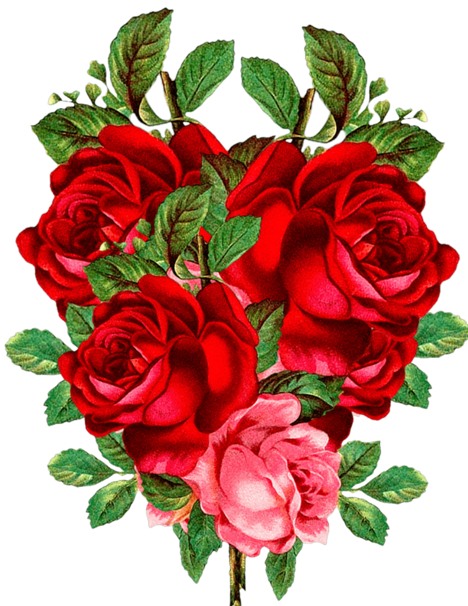
چنانکـه در مـورد آزادی سـه تـن مجاهدیـن امـارت اسـلامی محـترم انـس حقانـی، محـترم حاجـی مالـی خـان و محـترم حافـظ عبدالرشـید اقـدام مثبـت انجـام یافتـه، مـا ازان اسـتقبال مـی نمائیـم.

همچنـان پروسـه رهایـی دو تـن پروفیسـور (کیـون کینـگ، امریکایـی و تیموتـی ویکـس، اسـترالیایی) و ده تـن عسـکر افغـان از سـوی امـارت اسـلامی بـه کامیابـی تکمیـل شـد.

ایـن همـه کارهـا پیشرفـت خوبـی بـرای حسـن نیـت و اعتـماد سـازی اسـت کـه بـه رونـد صلـح همـکاری مـی توانـد.

قابـل یـادآوری اسـت کـه مـا از امیـر محـترم قطـر، و وزیـر امـور خارجـه و دیگـر مقامـات آن کشـور کـه دریـن پروسـه مسـاعی پیهـم بـه خـرج دادنـد و تسـهیلات لازم را مسـاعد نمودنـد، از عمـق قلـب سپاسـگذاری مـی نمائیـم.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۱/۱۱/۲۲هـ ق
۱۳۹۸/۸/۲۸هـ ش ـ ۱۹/۱۱/۲۰۱۹م



گردانند‌ه: ابو عابد

بزم شعر و ادب

تا بکی

یا خدا این شام هجران تابکی ــ آه وناله پشت دوستان تابکی
درد های ما به اوج خود رسید ــ روز و شب این قتل افغان تا بکی
مردمان مصروفِ درسِ موسیقی ــ خواندنِ این درس شیطان تا بکی
عیسویت درمکاتب عام گشت ــ کاشتنِ تخم پلیدان تابکی
ما نه شرقی ونه غربی صفتیم ــ تهمتِ این کاسه لیسان تا بکی
بلکه اسلام آئین و هم دین ما ــ دغدغه ی نسلِ خوگان تا بکی
قطع کن پنچه ی صیاد زمان ــ مهلتِ این دین ستیزان تا بکی
ای خداوند رحم کن بر طفلکان ــ ریختن اشکِ یتیمان تابکی
بشنوید این دردِ دِل را از شفق ــ کُشتن ِ این گلبدستان تابکی

حسان شفق



در صبح پیروزی

ای بر کشیده تیغ جهاد خود از نیام ــ ای ملت مجاهد و ای کشور قیام
بر روح پاک کشتهٔ راه خدا درود ــ بر سنگری که بسته ره دشمنان سلام
بس تیره روزها که بدیدست این دیار ــ از ظلم و از ستم شده ویرانه بار بار
تن‌ها به ضرب تیغ ستم پاره پاره گشت ــ سرها که خم نگشت علم شد به چوب دار
این قوم بارها ره میدان گرفته است ــ راه هجوم و حملهٔ عدوان گرفته است
لیکن به صبح فتح از آن رزم و آن جهاد ــ حاصل گروه فاقد ایمان گرفته است
اینک کفار باز بر این خطه تاخته ــ شمشیر ظلم بر سر این خلق آخته
صد بار وحشیانه تر از حملهٔ مغول ــ چنگیز در برابر او رنگ باخته
یکسان بخاک کشور آزاده را نگر ــ اشک یتیم و آه زن بیوهٔ را نگر
از ظلم و جور دشمن غدار ملتی ــ در هجرت و به غربت آواره را نگر
گر چه قیام ماست طلوع و قیام فتح ــ تنها شکست دشمن نباشد پیام فتح
بنهاده ایم در ره اهداف انقلاب ــ اندر کف جهاد و شهادت زمام فتح

شهید وحید مژده

موږ په هیواد کې

موږ په هیواد کې اسلامي نظام او سوله غواړو
له دې مؤمن ټبر د کفر لمن ټوله غواړو

په نیمه شپه دې، د سپوږمۍ په څنګ کې شپوله غواړو
یوه شېبه ښکلا پرسته غزلبوله غواړو

د مرګ لښکر دا نغاره ږغوي، مخته راځي
څو ننګیالي د افغانانو له کهوله غواړو

حُسَن ګلاب ته، ژوند چنار ته، مینه زړونو لره
نرګسي سترګې او پیکي کې دي غاټوله! غواړو

د ترقۍ او پرمختګ وزرې نه غوځوو
خو هو ټولنه مو په تار د دین کنټروله غواړو

نیکټایي والو د دې خاورې اوښکې پاکي نهٔ کړې . . .
درد ته درمل یې، له پګړۍ او له پکوله غواړو

د نازولي، شفاعت یار، نظرمات پرې کوو
درې سپېلني د پیر ملنګ بابا کچکوله غواړو

شفاعت ریحان



چهار سخن زیبا از چهار خلفاء اسلام (رضی الله عنهم)

سیدنا ابوبکرصدیق رضی اللّه عنه:

با شخصی دوستی کنید که نیکی کرده و فراموش کند.

سیدنا عمر رضی اللّه عنه:

مرگ را بیاد داشته باش! ولی آرزوی مرگ را نداشته باش!

سیدنا عثمان رضی اللّه عنه:

اولین منزل آخرت قبر است، اگر در آن رستگار شوی منازل دیگر آسان میگردد.

سیدنا علی رضی اللّه عنه:

همیشه راست بگو، تا نیاز به قسم خوردن نداشته باشی!

(رضوان الله تعالی علیهم اجمعین)

بخشی از سخنان محترم ذبیح‌الله مجاهد صاحب که در مجلسی که برای مجلهٔ حقیقت در ماه ربیع‌الثانی ۱۴۴۱هق تدویر یافته بود، بیان داشتند:

«خیلی خوشحال هستم که امروز در جمع همکاران مجله حقیقت قرار دارم و از نزدیک با این عزیزان ملاقاتی ترتیب داده شد. از کار مجله الحمدلله راضی هستیم و همچنان برای مدیر مسئول و هیئت تحریریه و سایر اعضای مجله و همکاران، موفقیت و توفیق خدمت بیشتر از رب متعال آرزو دارم.

حالا با تکمیل سال ششم، ما از مجلهٔ حقیقت ٦ کلکسیون داریم که این یک ذخیره ارزشمند برای نظام بوده و در این دستاورد، عرق ریزی، اخلاص و زحمت های شما دیده می شود و اینهمه اثر تلاش شما بوده که برای تنویر افکار، روشن شدن ذهنیت ها، خدمات و فعالیت های جهادی برای آینده یک تاریخ اثرگذار خواهد بود.

مطالب و تبصره‌های سیاسی و تحلیل‌های ارزشمند نویسنده های مجله، خدمات فکری آنها را در سویهٔ بلند علمی نشان می‌دهد و اینهمه از برکت جهاد و اخلاص دوستان است.

شما باور بکنید بعضی مطالب و تبصره‌ها را که ما می‌بینیم یا از طریق بعضی اهل رسانه و اهل فکر می‌شنویم چنان مطالب هستند که از سن ما و شما بالاتر دیده شده و پخته معلوم می‌شود و نشان از درایت فکری شما عزیزان دارد.

شما می‌دانید ادبیات زبان دری از زبان پشتو هم سخت است ولی با آن هم دوستان ما در مجله کوشیده‌اند تا با زبان ادبی مطلب نوشته و در مجله به نشر بسپارند. ادبیات فارسی بسیار دقت می‌خواهد حروف کم ولی محتوا بزرگ دارد. فارسی دری از آن خاطر می گویند که زبان دری از درایت گرفته شده، و زبان فارسی زبان دری یعنی علمی می باشد.

خوبی دگر مجله حقیقت اینست که برای ملت ما که به زبان دری تکلم می‌کنند یک پیام حقیقت از جهاد و مجاهدین را می‌رساند. و این مجله به شمول شهرها در قریه‌جات و دگر مناطق محروم دست به دست می‌شود.

مجله الحمدلله از نظر کیفیت، چاپ و دیزاین هم خوبست و هنوز اگر تلاش شود خوب‌تر نیز می‌آید که امید است باز هم شما عزیزان به تلاش‌های بی‌وقفه در راستای بهتر شدن و وزین شدن ادامه بدهید.

این مجله یک سنگر است که باید تقویت شد و روز به روز با ابتکارات و ایده‌های نو و جالب همراه باشد.

چقدر قربانی که مجاهدین ما و شما در سنگرها می‌دهند وظیفه ما همانقدر سنگین است که باید قربانی آنها را با فکر و قلم خود برجسته کنیم تا جلوی زهرافشانی تبلیغاتی دشمنان گرفته شده و به ملت ما که امروز اشغالگران به دنبال اغوای فکری شان استند هم جواب خوب و مستدل داشته باشیم.

ساختن افکار جامعه کار ما و شماست و باید در این باره فعالیت و خدمت بیشتر برازنده شود و با درک شرایط و احوال و ضرورت‌های وقت گام برداریم.

در مجله کوشش شود به نقاط آسیب دیدهٔ ملت خود توجه بیشتر کنیم از اتحاد و وحدت و یکپارچگی زیادتر بنویسیم، به مردم خود و اهل فکر باور بدهیم و ذهنیت‌های شان را در موضوعات و مسایل مختلف با حکمت، تدبیر، اخلاص، درایت و دلسوزی روشن بکنیم.»

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine



مجله‌های امارت اسلامی تنها آدرس‌های رسمی
مطبوعاتی که به چهار زبان زنده
(عربی، پشتو، دری و اردو) نشرات دارند.
(الصمود، ځرک، مورچل، شهامت، شریعت و حقیقت)